



د افغانستان اسلامي جمهوریت
د عدلیې وزارت

سرمجلیک

فوق العاده کښه

قانون مالیات بر عایدات

پر عایداتو باندې د مالیاتو قانون

تاریخ نشر: (۲۸) حوت سال ۱۳۸۷ هـ . ش

نمبر مسلسل: (۹۷۶)

د خپریدو نېټه: د ۱۳۸۷ هـ . ش کال د کب د میاشتې (۲۸)

پرله پسې نمبر: (۹۷۶)

در این شماره :

فرمان شماره (۱۷۱) مؤرخ ۱۳۸۷/۱۲/۲۷ رئیس جمهوری اسلامی افغانستان
در مورد توشیح قانون مالیات بر عایدات.
قانون مالیات بر عایدات از صفحه (۱- ۱۵۵).

د امتیاز خاوند: د عدلیې وزارت

وب سـایت : www.moj.gov.af

مسئول چلوونکی : حیدر "محقق"

۰۷۰۰۰۸۸۱۲۸

د دفتر تـیـلفون : ۲۱۰۳۳۷۵

مرستیـال: نور علم

۰۷۰۰۱۴۷۱۷۸

مہتمـم: محمد جان

۰۷۰۰۳۹۵۲۹۲

قیمت این شماره : (۱۰۰) افغاني

تیراژ چاپ اول: (۵۰۰۰) جلد
آدرس: وزارت عدلیه، ریاست نشرات، چهارراهي پشتونستان، کابل

فرمان
رئيس جمهورى اسلامى
افغانستان در مورد توشیح
قانون ماليات
بر عايدات

پر عايداتو باندي د مالياتو
د قانون د توشیح په هکله،
د افغانستان د اسلامي
جمهوريت د رئيس
فرمان

شماره: (۱۷۱)

تاریخ: ۱۳۸۷/۱۲/۲۷

گڼه: (۱۷۱)

نېټه: ۱۳۸۷/۱۲/۲۷

ماده اول:

به تأسى از حکم فقره (۱۶)
ماده شصت و چهارم
قانون اساسى افغانستان
قانون ماليات بر عايدات
را که طى فيصله شماره (۱۱۷)
مؤرخ ۱۳۸۷/۱۲/۱۱ هیئت
مختلط مجلسین شورای
ملی بـداخل (۱۷) فصل
و (۱۱۳) ماده به تصویب رسیده،

لومړۍ ماده:

د افغانستان داساسي قانون
دخـلـور شـپـټـمې مادې د (۱۶)
فقرې دحکم له مخې، پر عايداتو
باندي د مالياتو قانون چې د
ملي شوري دمجلسونود
گډه هیئت د ۱۳۸۷/۱۲/۱۱
نېټې تر (۱۱۷) گڼې فیصلې
لاندي په (۱۷) فصلونو او
(۱۱۳) مادو کې تصویب

رسمي جریده

مسلسل نمبر (۹۷۶)

۱۳۸۷/۱۲/۲۸

شوی دی، توشیح کوم.

توشیح می دارم.

دوه یمه ماده:

ماده دوم:

دغه فرمان د توشیح له
نېټې څخه نافذ او له
قانون او مصوبې سره یوځای دې په
رسمي جریده کې خپور شي.

این فرمان از تاریخ
توشیح نافذ و همراه با
قانون و مصوبه در جریده رسمی
نشر گردد.

حامد کرزی

حامد کرزی

دافغانستان د اسلامي

رئیس جمهوری اسلامي

جمهوريت رئیس

افغانستان

شورای ملی افغانستان

ولسی جرگه

مصوبه

قانون مالیات بر عایدات

شماره: (۱۱۷)

تاریخ: ۱۳۸۷/۱۲/۱۱

مطابق حکم ماده صدم قانون

اساسی، هیئت مختلط مجلسین

شورای ملی مرکب از آن (شش

شش عضو از هر جرگه) قانون مالیات

بر عایدات را توأم با یک سلسله

تعدیلات به داخل (۱۷) فصل

و (۱۱۳) ماده به تاریخ (۱۱) ماه

حوت سال ۱۳۸۷ تصویب نمود.

رئیس هیئت مختلط

محمد اکبر وحدت

معاون هیئت مختلط

صدیق احمد عثمانی

د افغانستان ملي شوري

ولسي جرگه

مصوبه

پر عایداتو باندي د مالیاتو قانون

گڼه: (۱۱۷)

نېټه: ۱۳۸۷/۱۲/۱۱

د اساسي قانون د سلمې مادې د حکم

پر بنسټ، د ملي شوري گڼه هیئت

(هرې جرگې له شپږو شپږو غړو

جوړ) پر عایداتو باندي د مالیاتو

قانون له یو شمېر تعدیلونو سره یو

ځای په (۱۷) فصلونو او (۱۱۳)

مادو کې د ۱۳۸۷ کال د کب

دمياشتې په (۱۱) نېټه تصویب کړ.

د گڼه هیئت رئیس

محمد اکبر وحدت

د گڼه هیئت مرستیال

صدیق احمد عثمانی

فهرست مندرجات قانون ماليات برعايدات

فصل اول

احكام عمومي

صفحه	عنوان	ماده
۱	مبنى.....	ماده اول:
۲	اخذ ماليه.....	ماده دوم:
۴	سال مالي.....	ماده سوم:
۵	سنجش ماليه.....	ماده چهارم:
۷	ماليات اشخاص مقيم.....	ماده پنجم:
۸	معافيت ماليات اشخاص غير مقيم.....	ماده ششم:
۹	پرداخت ماليات و كسرات مجاز.....	ماده هفتم:
۱۰	ماليات فعاليت هاى اقتصادى.....	ماده هشتم:
۱۲	ماليات دول خارجى و مؤسسات بين المللى.....	ماده نهم:
۱۳	معافيت مالياتى مؤسسات.....	ماده دهم:
۱۴	معافيت مالياتى ادارات دولتى.....	ماده يازدهم:

فصل دوم

تعيين عوايد قابل ماليه

۱۴	اصطلاحات.....	ماده دوازدهم:
----	---------------	---------------

۱۶ عایدات تابع مالیه	مادہ سیزدهم :
۱۸ عایدات غیر تابع مالیات	مادہ چہاردهم :
۲۰ معافیت مالیاتی مواد احتراقی	مادہ پانزدهم :
۲۰ مالیات بر کرایہ یا اجارہ اموال غیر منقول	مادہ شانزدهم :
۲۱ مکلفیت وضع مالیه از معاشات دستمزدها	مادہ ہفدهم :
۲۱ مصارف قابل مجرائی	مادہ ہجدهم :
۲۶ مصارف غیر قابل مجرائی	مادہ نژدهم :
۲۹ عواید منابع داخلی	مادہ بیستہم :

فصل سوم

مفاد یا زیان از درک فروش، تبادلہ یا انتقال دارائی

۳۲ مفاد تابع مالیات بر عایدات	مادہ بیست و یکم :
۳۲ مفاد قابل مالیه سال مالی	مادہ بیست و دوم :
۳۳ مالیه از انتقال ملکیت	مادہ بیست و سوم :
۳۴ کسرو وضع مصارف از عواید قابل مالیه	مادہ بیست چہارم :
۳۵ تثبیت مالیه بہ قیمت روز	مادہ بیست و پنجم :
۳۵ عدم تأثیر نوع انتقال دارایی بر مالیه دہی	مادہ بیست و ششم :
۳۵ وضع زیان ناشی از عواید قابل مالیه	مادہ بیست و ہفتم :
۳۶ عدم وضع اضافی زیان از عواید قابل مالیه	مادہ بیست و ہشتم :
۳۷ سنجش مالیه از تزئید ارزش دارائی	مادہ بیست و نہم :
۳۹ مالیات فروش اموال منقول و غیر منقول	مادہ سی ام :

فصل چهارم

شرکت ها

- ماده سی و یکم: اصطلاحات ۴۰
- ماده سی و دوم: احکام قابل تطبیق بالای شرکت های محدودالمسؤولیت و
تضامنی مختلط ۴۲
- ماده سی و سوم: مالیات شرکت تضامنی ۴۳
- ماده سی و چهارم: تعیین عواید خالص ۴۳
- ماده سی و پنجم: تقسیم مبالغ حاصله ۴۴

فصل پنجم

قواعد محاسبه

- ماده سی و هشتم: ترتیب و نگهداری اسناد ۴۴
- ماده سی و نهم: طریقه بعدی محاسبه ۴۵
- ماده سی و دهم: طریقه نقدی محاسبه ۴۵
- ماده سی و یازدهم: شکل و محتوای اسناد و دفاتر ۴۶
- ماده سی و دهم: موجودی اخیر سال ۴۷
- ماده سی و یازدهم: تثبیت عواید دویا بیشتر مؤسسات تجارتي ۴۷

فصل ششم

احکام خاص در مورد شرکت های سهامی و محدودالمسؤولیت

- ماده سی و دوم: مجرائی زیان عملیاتی ۴۸

- مادہ چہل و سوم: توزیع دارائی های شرکت به سهامداران..... ۵۰
- مادہ چہل وچہارم: توزیع دارائی ها حین انحلال شرکت..... ۵۰
- مادہ چہل و پنجم: توزیع پول یا سایر دارائی ها..... ۵۱
- مادہ چہل و ششم: وضع نمودن مالیه ۵۳
- مادہ چہل و ہفتم: مجرائی استہلاک و زیان..... ۵۵

فصل ہفتم

مالیات شرکت های بیمه

- مادہ چہل و ہشتم: احکام قابل تطبیق در مورد شرکت های بیمه..... ۵۸
- مادہ چہل و نہم: عواید تابع مالیات بر عایدات شرکت های بیمه..... ۵۹
- مادہ پنجاہ ہم: معافیت مالیاتی بیمه شدگان..... ۶۰
- مادہ پنجاہ و یکم: تأدیات غیر قابل مجرائی شرکت های بیمه..... ۶۰
- مادہ پنجاہ و دوم: تأدیات قابل مجرائی شرکت های بیمه..... ۶۱
- مادہ پنجاہ و سوم: تثبیت عواید قابل مالیه شرکت های خارجی بیمه... ۶۳

فصل ہشتم

مالیه بانک ها ، شرکت های سهامی، قرضه و سرمایہ گذاری

- مادہ پنجاہ وچہارم: مفاد تابع پرداخت مالیات..... ۶۴
- مادہ پنجاہ و پنجم: مجرائی مصارف ضروری..... ۶۵
- مادہ پنجاہ و ششم: افزودی به ذخیره ۶۵
- مادہ پنجاہ و ہفتم: تزئید یا تنقیض در ارزش..... ۶۶

فصل نهم

وضع نمودن مالیات از منابع عایدات

- ماده پنجاه و هشتم: وضع و انتقال مالیه. ۶۷
- ماده پنجاه و نهم: مالیه کرایه منازل و ساختمان ها..... ۶۷
- ماده شصتم: میعاد پرداخت مالیات و انتقال..... ۷۳
- ماده شصت و یکم: تهیه صورت حساب ۷۳
- ماده شصت و دوم: میعاد ارائه صورت حساب..... ۷۴
- ماده شصت و سوم: رایه اظهارنامه..... ۷۵

فصل دهم

مالیه معاملات انتفاعی

- ماده شصت و چهارم: مالیه عرصه خدمات و معاملات انتفاعی..... ۷۶
- ماده شصت و پنجم: معافیت از مالیه معاملات انتفاعی..... ۷۸
- ماده شصت و ششم: اندازه مالیه معاملات انتفاعی..... ۸۰
- ماده شصت و هفتم: تطبیق مالیه معاملات انتفاعی..... ۸۴

فصل یازدهم

مالیات ثابت

- ماده شصت و هشتم: فعالیت های انتفاعی تابع مالیات ثابت..... ۸۵
- ماده شصت و نهم: میعاد تادیبه مالیه ثابت..... ۸۶

۸۶.....	مالیة ثابت اموال وارداتی	مادۀ هفتادم:
۸۸.....	مالیة ثابت عراده جات	مادۀ هفتادویکم:
۹۲.....	مالیة موضوعی قراردادی	مادۀ هفتادو دوم:
۹۴.....	مالیة ثابت عواید نمایشات	مادۀ هفتادوسوم:
۹۵.....	مالیة ثابت تشبثات کوچک (اصناف)	مادۀ هفتادوچهارم:
۹۶.....	تعمین مالیات ثابت بالای فعالیت های اقتصادی کوچک (اصناف)	مادۀ هفتادوپنجم:
۹۸.....	تعدیل معافیت ها	مادۀ هفتادوششم:

فصل دوازدهم

مقررات مالیاتی جهت وضع مالیات بالای دارنده جواز معدن ،

صلاحیت نامه معدن یا قرارداد هایدروکارین

۹۹.....	تعریفات	مادۀ هفتادوهفتم:
۱۰۲.....	اولویت فصل دوازدهم	مادۀ هفتادوهشتم:
۱۰۳.....	مکلفیت های مالیاتی دارندگان جواز معدن	مادۀ هفتادونهم:
۱۰۵.....	مالیة معاملات انتفاعی	مادۀ هشتادم:
۱۰۶.....	وضع استهلاك	مادۀ هشتادویکم:
۱۰۹.....	مصارف اعمار سرکها	مادۀ هشتادودوم:
۱۱۱.....	مصارف قبل از تولید	مادۀ هشتادوسوم:
۱۱۶.....	وضع کسرات جهت اعانه به یک صندوق پولی برای تمویل بودجه مکلفیت های محیطی واجتماعی	مادۀ هشتادوچهارم:

ماده هشتادوپنجم: انتقال زيان و دوام موافقتنامه ها ۱۱۸

فصل سيزدهم

تعيين ماليه، ارأيه اظهارنامه ها ، اعتراضات و تاديه ماليات

ماده هشتادوششم: نمبر تشخيصيه ماليه دهنده ۱۲۱

ماده هشتادوهفتم: تعيين ماليه و تعديل آن ۱۲۳

ماده هشتادوهشتم: ميعاد ارأيه اظهارنامه مالياتي و تاديه ماليات ۱۲۶

ماده هشتادونهم: اعتراضات و عرايض ۱۲۹

ماده نودم: پس پرداخت ۱۳۱

ماده نودويكم: تحصيل معلومات ۱۳۲

فصل چهاردهم

احكام تطبيقى

ماده نودودوم: تحصيل ماليات تاديه ناشده از شخص ثالث ۱۳۴

ماده نودوسوم: مكلفيت آمرين ، سهامداران و ساير اشخاص ۱۳۵

ماده نودوچهارم: شخص ممنوع الخروج ۱۳۶

ماده نودوپنجم: مسدود نمودن ۱۳۶

ماده نودوششم: محدوديت دسترسى مؤدى به دارائى ۱۳۷

فصل پانزدهم

جلوگيرى از كتمان ماليه

ماده نودوهفتم: معاملات ميان اشخاص مرتبط ۱۳۹

ماده نودوهشتم: كتمان ماليه ۱۳۹

فصل شانزدهم

مالیه اضافی و جرایم مالیاتی

- ماده نودونهم: تخلفات و مجازات ۱۴۱
- ماده صدم: مالیه اضافی در صورت عدم تادیبه مالیه به وقت معینه ۱۴۲
- ماده یکصد و یکم: مالیه اضافی بر عایدات در صورت عدم حفظ اسناد ۱۴۳
- ماده یکصد و دوم: مالیه اضافی در صورت عدم ارائه اظهارنامه مالیاتی ۱۴۴
- ماده یکصد و سوم: مالیه اضافی در صورت عدم وضع مالیه ۱۴۵
- ماده یکصد و چهارم: مالیه اضافی در صورت عدم تادیبه مالیه ۱۴۵
- ماده یکصد و پنجم: مالیه اضافی در ارتباط بر نمبر تشخیصیه مالیه دهنده ۱۴۶
- ماده یکصد و ششم: تخلفات مؤظفین مالیاتی ۱۴۷
- ماده یکصد و هفتم: صلاحیت تحصیل مالیات اضافی ۱۴۸

فصل هفدهم

احکام نهائی

- ماده یکصد و هشتم: وضع طرز العمل و تهیه فورمه ها ۱۴۸
- ماده یکصد و نهم: عدم صدور جواز ۱۴۹
- ماده یکصد و دهم: شرایط استفاده از معافیت ۱۵۰
- ماده یکصد و یازدهم: ارجحیت قانون ۱۵۲
- ماده یکصد و دوازدهم: مکلفیت ها و باقیداری ها ۱۵۳
- ماده یکصد و سیزدهم: تاریخ انفاذ ۱۵۴



قانون مالیات بر عایدات

فصل اول

احکام عمومی

مبني

ماده اول:

(۱) این قانون به تأسی از حکم ماده چهل و دوم قانون اساسی افغانستان به منظور تعیین مالیات و طرز تادیب آن وضع گردیده است.

(۲) مالیات، تادیب الزامی است که به منظور تقویة بنیة مالی دولت و رفاه عامه بدون انجام خدمت متقابل یا ارایة جنس از اشخاص حقیقی و حکمی طبق احکام این قانون اخذ می گردد.

پر عایداتو باندي د مالیاتو قانون

لومړی فصل

عمومي حکمونه

مبني

لومړۍ ماده:

(۱) دغه قانون د افغانستان د اساسي قانون د دوه څلوربښتمې مادې د حکم له مخې د ماليې د ټاکلو او د هغې د ورکړې د ډول په منظور وضع شوی دی .

(۲) ماليه الزامې ورکړه ده چې د دولت د مالي بنسټ د پياوړتيا او عامې سوکالي په منظور، له حقيقي او حکمي اشخاصو څخه د متقابل خدمت له سرته رسولو يا د جنس له وړاندې کولو پرته، ددې قانون د حکمونو مطابق اخستل کېږي.

(۳) هر نوع مالیه که توسط ادارات دولتی و یا غیر دولتی مطابق احکام این قانون وضع یا تحصیل می گردد، به حساب معینه دولت، (وزارت مالیه) تحویل بانک گردد.

اخذ مالیه

ماده دوم :

(۱) از کلیه عواید اشخاص حقیقی و حکمی در داخل و خارج کشور که از منابع افغانی بدست میاید و عوایدیکه مقیم افغانستان از منابع غیر افغانی واز خارج حاصل می نماید، طبق احکام این قانون، مالیه اخذ می گردد.

(۲) اشخاص حقیقی و حکمی واجد شرایط ذیل مقیم افغانستان پنداشته می شوند:

۱- در صورتیکه اقامتگاه اصلی شخص در طول سال مالی در داخل کشور باشد.

۲- در صورتیکه شخص

(۳) هر دول هغه مالیه چې د دولتي یا غیر دولتي ادارو په واسطه ددې قانون د حکمونو مطابق وضع یا تحصیلېږي، د دولت (مالیې وزارت) په ټاکلي حساب بانک ته تحویلېږي.

د مالیه اخستل

دوه یمه ماده :

(۱) د هېواد په دننه او بهر کې د حقیقی او حکمی اشخاصو له ټولو عوایدو څخه چې له افغانی سرچینو څخه لاسته راځي او هغو عوایدو څخه چې په افغانستان کې مېشت یې له غیر افغانی سرچینو او بهر څخه لاسته راوړي، ددې قانون د حکمونو مطابق، مالیه اخستل کېږي.

(۲) د لاندې شرایطو لرونکي حقیقی او حکمی اشخاص د افغانستان مقیم گڼل کېږي :

۱- په هغه صورت کې چې دمالي کال په اوږدو کې دشخص داوسېدو اصلي ځای په هېواد کې دننه وي.

۲- په هغه صورت کې چې د

در طول سال مالی، مجموعاً مدت (۱۸۳) روز را بداخل افغانستان سپری نموده باشد.

۳- کارکنانیکه در طول سال مالی به منظور انجام خدمات دولتی به خارج از کشور توظیف گردیده باشند.

۴- اداراتیکه تأسیس آن در طول سال مالی صورت گرفته یا اداره مرکزی آن به داخل افغانستان باشد.

- منابع افغانی: عوایدیکه توسط اشخاص مقیم افغانستان از منابع کشور در داخل و از دارائی های ادارات دولتی در خارج حاصل می گردد، می باشد.

- منابع غیر افغانی: عوایدیکه توسط اشخاص مقیم افغانستان از منابع سایر کشورها در داخل افغانستان حاصل می گردد.

- منابع داخلی: عوایدیکه توسط

مالی کال په اوږدو کې شخص، ټولې (۱۸۳) ورځې موده په افغانستان کې دننه تېره کړې وي .

۳- هغه کارکوونکي چې د مالي کال په اوږدو کې د دولتي خدمتونو دسره رسولو په منظور، له هېواد څخه بهر توظیف شوي وي .

۴- نور هغه بنسټونه چې تاسیسولو یې د مالي کال په اوږدو کې صورت موندلی وي یا یې مرکزي اداره په افغانستان کې دننه وي .

- افغاني سرچینې: هغه عواید دي چې په داخل کې د هېواد له سرچینو څخه په افغانستان کې د مېشتو اشخاصو او په بهر کې د دولتي ادارو له شتمنیو څخه لاسته راځي.

- غیر افغاني سرچینې: هغه عواید دي چې د افغانستان په دننه کې د نورو هېوادونو له سرچینو څخه په افغانستان کې د مېشتو اشخاصو په واسطه، لاسته راځي.

- کورنۍ سرچینې: هغه عواید دي

اشخاص از منابع داخلی کشور
اعم از منابع افغانی و غیر افغانی
حاصل می گردد.

سال مالی

ماده سوم:

(۱) سال مالی به منظور این قانون
عبارت از سال هجری شمسی
بوده که از اول حمل
آغاز و در روز اخیر برج
حوت همان سال خاتمه می یابد.

(۲) هرگاه شخص حکمی
استفاده از سال مالی غیر
از سال مالی مندرج فقره (۱) این
ماده را مطالبه نماید، مکلف است،
طور تحریری دلایل تغییر سال مالی
خویش را به دوازده ماه دیگر به
وزارت مالیه ارائه نماید.
وزارت مالیه درخواست متذکره
را صرف در صورت مؤجه
بودن آن منظور می نماید.

(۳) سال مالی مندرج فقره
(۲) این ماده از تاریخ

چې د هېواد له کورنیو سرچینو
څخه د افغاني او غیر افغاني سرچینو
په شمول لاسته راځي.

مالی کال

درېمه ماده :

(۱) مالی کال ددې قانون په منظور
له هجري شمسي کال څخه عبارت
دی چې د وري له لومړۍ څخه پیل
او د هماغه کال د کب د میاشتې
په وروستی ورځ پای ته رسېږي .

(۲) که چېرې حکمي شخص د دې
مادې په (۱) فقره کې درج له مالی
کاله څخه په غیر له بل مالی کاله د
گټې اخستې غوښتنه وکړي، مکلف
دی په لیکلې توگه دخپل مالی کال په
نورو دوولسو میاشتو باندې د بدلون
دلایل دمالیې وزارت ته وړاندې
کړي. دمالیې وزارت نوموړی
غوښتنلیک یوازې دهغه د
مؤجه والي په صورت کې منظور وي.

(۳) د دې مادې په (۲)
فقره کې درج مالی کال

قابل تطبيق می باشد که از طرف وزارت مالیه کتباً مشخص می گردد.

(۴) وزارت مالیه صلاحیت دارد تجویز مندرج فقره (۳) این ماده را حسب اللزوم لغو نماید.

سنجش مالیه

ماده چهارم:

(۱) مالیات بر عایدات اشخاص حکمی، بیست فیصد عواید قابل مالیه آن در سال مالی می باشد.

(۲) مالیات بر عایدات عواید اسعاری به پول افغانی سنجش و تسعیر می گردد. نرخ تسعیر، اوسط نرخ آزاد د افغانستان بانک به اساس خرید در اخیر هر ماه می باشد.

(۳) مالیات بر عایدات اشخاص حقیقی مطابق جدول ذیل سنجش می گردد:

له هغه نېټې څخه د تطبيق وړ دی چې د ماليې وزارت لخوا کتباً مشخص شي .

(۴) د ماليې وزارت واک لري ، د دې مادې په (۳) فقره کې درج شوی تجویز حسب اللزوم لغو کړي .

د ماليې سنجول

څلورمه ماده :

(۱) د حکمي اشخاصو پر عایداتو باندې مالیات ، په مالي کال کې د هغه د ماليې وړ عوایدو په سلو کې شل دي .

(۲) د اسعاري عوایدو پر عایداتو باندې مالیات په افغانی پیسو سنجول او تسعیر کېږي. د تسعیر نرخ ، د هرې میاشتي په پای کې د پلورنې پر بنسټ د افغانستان بانک د آزاد نرخ اوسط دی .

(۳) د حقیقي اشخاصو پر عایداتو باندې مالیات د لاندې جدول مطابق سنجول کېږي :

رسمي جریده

مسلسل نمبر (۹۷۶)

۱۳۸۷/۱۲/۲۸

عوايد قابل مالیه	مقدار مالیه	دمالپي وړ عوايد	دمالپي مقدار
از صفر الی مبلغ پنج هزار افغانی	صفر (معاف)	له صفر څخه تر پنځه زرو افغانیو پورې	صفر (معاف)
از مبلغ پنج هزار ویک الی دوازده هزار و پنجمصد افغانی	دو فیصد	له پنځه زره او یوې څخه تر دوولس زرو او پنځه سوه افغانیو پورې	په سلو کې دوه
از مبلغ دوازده هزار و پنجمصد ویک الی یکصد هزار افغانی	برعلاوه مبلغ ثابت (۱۵۰) افغانی ، (۱۰) فیصد	له دوولس زرو پنځه سوه یوې افغانی څخه تر سلو زرو افغانیو پورې	پر (۱۵۰) ثابتو افغانیو برسېره په سلو کې لس
از مبلغ یکصد هزار ویک افغانی به بالا	برعلاوه مبلغ ثابت (۸۹۰۰) (۲۰) فیصد	له سلو زرو او یوې افغانی پورته	له (۸۹۰۰) ثابتو افغانیو برسېره په سلو کې شل

د مېشتو اشخاصو ماليات

پنځمه ماده :

(۱) په افغانستان کې د مېشتو حقيقي اشخاصو پر عايداتو باندې ماليات ، په لاندې توگه محاسبه کېږي :

۱- د هغو عوايدو په شمول چې له بهرنيو سرچينو څخه يې تر لاسه کوي، د ماليې وړ عوايدو پر بنسټ .

۲- له هغې تر لاسه شوې گټې څخه چې بل هېواد ته ورکول کېږي. پر عايداتو باندې د مالياتو پر بنسټ پدې صورت کې، ماليه د ماليې ورکونکي له عوايدو څخه هغې برخې ماليه دمجرابي وړ ده چې د ماليې ورکونکي له بهرنيو عوايدو پورې مربوطه وي.

۳- په هغه صورت کې چې په افغانستان کې مېشت حقيقي اشخاص له خو بهرنيو هېوادونو څخه عوايد ولري، پر عايداتو باندې

ماليات اشخاص مقيم

ماده پنجم:

(۱) ماليات برعايدات اشخاص حقيقي مقيم افغانستان قرار ذيل محاسبه مي گردد:

۱- به اساس عوايد قابل ماليه به شمول عوايد يکه از منابع خارجي حصول مي نمايند.

۲- به اساس ماليات بر عايدات از مفاد حاصل شده که به کشور ديگر تأديه مي گردد. در اين صورت ماليه آن بخش از عوايد ماليه دهنده قابل مجرائي مي باشد که به عوايد خارجي ماليه دهنده مربوط باشد.

۳- در صورت يکه اشخاص حقيقي مقيم افغانستان از چندين کشور خارجي عوايد داشته باشند، با نظر داشت

تعلیماتنامہ قانون مالیات بر عایدات، مجرائی مالیہ متناسب به عوایدیکه از کشور های جداگانه حاصل می نمایند، صورت می گیرد.

(۲) اشخاص حکمی مقیم افغانستان به اساس عواید قابل مالیہ که از منابع داخلی و خارجی حاصل می نمایند، با نظر داشت احکام مندرج فقره (۱) این ماده تابع پرداخت مالیات بر عایدات می گردند.

معافیت مالیات اشخاص

غیرمقیم

ماده ششم:

اشخاص غیر مقیم در صورتی از معافیت پرداخت مالیات بر عایدات مندرج فقره (۳) ماده چهارم این قانون مستفید می گردند که این معافیت ها از طرف دولت

د مالیاتو د قانون د تعلیماتنامې له په پام کې لرلو سره، د مالیې مجرائي له هغو عوایدو سره متناسبه صورت مومي چې له جلا هېوادونو څخه یې ترلاسه کوي.

(۲) په افغانستان کې مېشت حکمي اشخاص د مالیې وړ هغو عوایدو پر بنسټ چې له کورنیو او بهرنیو سرچینو څخه یې تر لاسه کوي، د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شویو حکمونو له په پام کې نیولو سره، پر عایداتو باندې د مالیاتو د ورکړې تابع ګرځي.

د غیر مېشتو اشخاصو د مالیاتو

معافیت

شپږمه ماده:

غیر مېشت اشخاص په هغه صورت کې د څلورمې مادې په (۳) فقره کې پر عایداتو باندې د مالیاتو د ورکړې درج شوي له معافیت څخه ګټه اخلي چې دغه معافیتونه د هغوی د متبوع هېواد لخوا په بالمثل

متبوع آنها به صورت بالمثل برای اشخاص افغانی غیر مقیم آن کشور پیشبینی گردیده باشد.

پرداخت مالیات و کسرات

مجاز

ماده هفتم:

(۱) اشخاص حقیقی و حکمی غیر مقیم که مصروف فعالیت های اقتصادی و تجارتي نباشند، تابع پرداخت مالیات بر عایدات به اساس عواید حاصله از منابع داخلی افغانستان از مدرک تکتانه، مفاد سهم، کرایه، حق الامتياز و انواع عواید دیگر مطابق احکام این قانون می باشند.

(۲) کسرات مجاز مندرج این قانون از عواید غیر تکتانه، مفاد سهم، کرایه و حق الامتياز اشخاص حکمی غیر مقیم در صورتی قابل تطبیق دانسته می شود که اظهار نامه

دول په هغه هېواد کې د افغانی غیر مېشتو اشخاصو لپاره اټکل شوي وي .

د مالیاتو ورکړه او مجاز

کسرات

اوومه ماده :

(۱) غیر مېشت حقیقی او حکمی اشخاص، چې په اقتصادي او سوداگریزو فعالیتونو بوخت نه وي، د افغانستان له کورنیو سرچینو څخه د ترلاسه شوو عوایدو پر بنسټ د ټکټانې، د ونډې د گټې، کرایې، حق الامتياز او نورو هر ډول عوایدو له مدرکه د دې قانون د حکمونو مطابق، پر عایداتو باندي د مالیاتو تابع دي .

(۲) د غیر مېشتو حکمی اشخاصو له ټکټانې پرته عوایدو، د ونډې له گټې، کرایې او حق الامتياز څخه پدې قانون کې درج شوي مجاز کسرات په هغه صورت کې د تطبیق وړ گڼل کېږي چې پدې قانون او پر

حقيقي و صحيح محتوى معلومات مندرج این قانون و تعليماتنامه ماليات بر عايدات را به شعبات مربوط ارائه نمایند.

ماليات فعالیت های اقتصادی

ماده هشتم:

(۱) اشخاص حقيقي و حکمی غير مقيم که در افغانستان، مصروف فعالیت های اقتصادی، تجارتي و خدماتی می باشند، مکلف اند، ماليات خویش را به اساس عوايدیکه از منابع داخل کشور حصول می نمایند، بپردازند.

(۲) کسرات ماليات بر عايدات در صورتی قابل مجرایمی و محاسبه پنداشته می شود که به عوايد حاصله از منابع داخل کشور مربوط باشد.

(۳) مالیه از عوايد طيارات و کارکنان آن که تحت بیرق دولت

عايداتو باندي د مالياتو په تعليماتنامه کې د درج شوو معلوماتو لرونکی حقيقي او صحيح اظهار ليک اړوندو څانگو ته وړاندې کړي .

د اقتصادي فعالیتونو ماليات

اتمه ماده :

(۱) هغه غير مېشت حقيقي او حکمي اشخاص، چې په افغانستان کې په اقتصادي ، سوداگريزو او خدماتي فعالیتونو باندي بوخت دي، مکلف دي خپل ماليات د هغو عوايدو پر بنسټ چې د هېواد له کورنیو سرچینو څخه یې ترلاسه کوي ، ورکړي .

(۲) پر عايداتو باندي د مالياتو کسرات په هغه صورت کې د مجرایمی او محاسبې وړ گڼل کېږي چې د هېواد له دننه سرچینو څخه په ترلاسه شوو عوايدو پورې مربوط وي .

(۳) د هغو الوتکو او د هغو د کارکوونکو له عوايدو څخه مالیه

خارجی در قلمرو افغانستان فعالیت می نمایند، به شرطی معاف پنداشته می شود که دولت خارجی به طیارات تحت بیروق افغانی و کارکنان مربوط آن در آن کشور، معافیت مشابه بدهد.

(۴) توزیع مصارف مربوط به عواید در داخل کشور بر حسب احکام این قانون و تعلیماتنامه مالیات بر عایدات صورت می گیرد.

(۵) هرگاه شخص غیرمقیم در افغانستان از طریق نمایندگی غیر مستقل فعالیت نماید، عواید قابل مالیه نمایندگی مذکور منحصراً عواید یک شخصیت حکمی جداگانه و مستقل تعیین و طور ذیل محاسبه می گردد:

۱ - تادیات یا مبالغی که به سایر بخش های فعالیت

چې د افغانستان په قلمرو کې د بهرني دولت تر بیرغ لاندې فعالیت کوي ، پدې شرط معاف کېږي چې بهرنی دولت تر افغاني بیرغ لاندې الوتکو او د هغو اړوندو کارکوونکو ته په هغه هېواد کې ورته معافیت ورکړي .

(۴) د هېواد په دننه کې په عوایدو پورې د اړوندو لگښتونو توزیع د دې قانون او پر عایداتو باندې د مالیاتو د تعلیماتنامې د حکمونو مطابق صورت مومي .

(۵) که چېرې په افغانستان کې غیر مېشت شخص د غیر مستقلي نمایندګۍ له لارې فعالیت وکړي ، د نوموړې نمایندګۍ د مالې وړ عواید ، د یوه جلا او خپلواک حکمي شخصیت د عوایدو په توګه ټاکل کېږي او په لاندې ډول محاسبه کېږي :

۱- هغه ورکړې یا مبالغ چې د غیر مېشت شخص د فعالیتونو په نورو

شخص غيرمقيم تعلق می گیرد، مطابق حکم مندرج فقره (۳) ماده سیزدهم این قانون مفاد سهم پنداشته می شود.

۲ - مجرائی تادیات یا مبالغی که به سایر تادیات شخص غیرمقیم تعلق دارد، مطابق حکم مندرج فقره (۲) ماده هجدهم این قانون مجاز نمی باشد.

۳ - مصارفی که از طرف نماینده گی غیرمستقل یا بخش دیگر فعالیت شخص غیرمقیم که مستقیماً به دریافت عواید ناخالص نمایندگی متذکره مرتبط باشد، صورت می گیرد، منحصراً مصارف شخصیت حکمی مستقل پنداشته می شود.

مالیات دول خارجی و

مؤسسات بین المللی

ماده نهم:

مکلفیت مالیاتی دول خارجی، مؤسسات بین المللی و سایر

برخو پورې اړه مومي ، د دې قانون د دیارلسمې مادې په (۳) فقره کې د درج شوي حکم مطابق د ونډې گټه گڼل کېږي .

۲- د هغو ورکړو او مبالغو مجرائي چې د غير مېشت شخص په نورو ورکړو پورې اړه لري ، د دې قانون د اتلسمې مادې په (۲) فقره کې د درج شوي حکم مطابق مجاز نده .

۳- هغه لگښتونه چې د غير مستقلي نمايندگي يا د غير مېشت شخص د فعاليت د بلې برخې لخوا چې مستقيماً د نوموړې نمايندگي د ناخالصو عوایدو په ترلاسه کولو پورې مرتبط وي، صورت مومي ، د خپلواک حکمي شخصیت د لگښتونو په توگه گڼل کېږي .

د بهرنیو دولتونو او نړیوالو

مؤسسو مالیات

نهمه ماده :

د بهرنیو دولتونو ، نړیوالو مؤسسو او د هغو د غیر مېشتو نورو

کارکنان غیر مقیم آنها بر اساس عوایدیکه از منابع داخلی حاصل می نمایند، مطابق موافقتنامه ها، قراردادها و پروتوکول هائیکه در زمینه با دولت افغانستان عقد گردیده، تثبیت می گردد.

معافیت مالیاتی مؤسسات

ماده دهم :

(۱) اعانه های حاصله و عواید از فعالیت لازم می مؤسساتیکه دارای شرایط ذیل باشند، از مالییه معاف اند:

- ۱ - مؤسسه مطابق قوانین نافذه ایجاد شده باشد.
- ۲ - مؤسسه غیر انتفاعی که صرف به منظور امور تعلیمی، کلتوری، ادبی و علمی یا خیریه ایجاد و فعالیت نماید.
- ۳ - تمویل کنندگان، سهامداران و اعضاء یا کارکنان مربوط،

کارکوونکو مالیاتی مکلفیت ، د هغو عوایدو پربنسټ چې له کورنیو سرچینو څخه یې ترلاسه کوي ، د موافقه لیکونو ، قرار دادونو او هغو پروتوکولونو مطابق چې پدې برخه کې یې د افغانستان له دولت سره عقد کړي دي ، تثبیتېږي .

د مؤسسو مالیاتی معافیت

لسمه ماده :

(۱) ترلاسه شوې اعانې او د هغو مؤسسو له لازمي فعالیت څخه لاس ته راغلي عواید چې د لاندې شرایطو لرونکي وي ، له مالیې څخه معاف دي :

- ۱ - مؤسسه د نافذه قوانینو مطابق جوړه شوې وي .
- ۲ - غیر انتفاعي مؤسسه چې یوازې د ښوونیزو ، کلتوري ، ادبي او علمي یا خیریه چارو په منظور جوړه او فعالیت وکړي .
- ۳ - تمویلونکي، ونډه لرونکي او اړوند غړي یا کارکوونکي د دې

از مفاد موسسه مندرج اجزای (۱ و ۲) این فقره حین فعالیت یا انحلال استفاده نه نمایند.

(۲) طرز معافیت فعالیت های مالیاتی مؤسسات مندرج فقره (۱) این ماده در تعلیماتنامه مالیات بر عایدات تنظیم می گردد.

معافیت مالیاتی ادارات دولتی

ماده یازدهم:

عواید ادارات دولتی و نمایندگی های آن بشمول شاروالی ها تابع مالیات بر عایدات نمی باشند. تصدیهای دولتی از این حکم مستثنی اند.

فصل دوم

تعیین عواید قابل مالیه

اصطلاحات

ماده دوازدهم:

عواید قابل مالیه: مبلغی است که از عواید شخص، شرکت

فقره (۱ و ۲) جزء کپی ددرج شوې مؤسسې له کتې څخه د فعالیت یا انحلال په وخت کې کته وانخلي .

(۲) ددې مادې په (۱) فقره کې ددرج شویو مؤسسو دمالیاتي فعالیتونو د معافیت ډول پر عایداتو باندې د مالیاتو په تعلیماتنامه کې تنظیمېږي .

د دولتي ادارو مالیاتي معافیت

یوولسمه ماده :

د بناروالیو په شمول د دولتي ادارو او د هغو د نمایندگیو عواید پر عایداتو باندې د مالیاتو تابع ندي . دولتي تصدی لډې حکم څخه مستثنی دي .

دوه یم فصل

د مالیې وړ عوایدو ټاکل

اصطلاحگاني

دوولسمه ماده :

د مالیې وړ عواید : هغه مبلغ دی چې د شخص ، سهامی شرکت ،

سهامی، شرکت محدود المسؤلیت یا سایر شخصیت های حکمی بعد از مجرائی معافیت ها و وضع کسرات مندرج این قانون باقی می ماند.

معافیت: مجرائی از عواید مالیه ده است که مطابق احکام این قانون به وی داده می شود.

کسرات: مصارف تولید و مصارف بدست آوردن و محافظه عایدات است که وضع نمودن آن از عایدات طبق احکام این قانون مجاز می باشد.

مصارف و قیمت تمام شد یکه مشخصاً بحیث معافیت یا کسرات ذکر نشده باشند، قابل وضع نیست.

زیان خالص عملیاتی: مبلغی است که بعد از مجرائی های مندرج این قانون از عایدات بیشتر باشد.

محدودالمسؤولیت شرکت یا نورو حکمی شخصیتونو له عوایدو څخه پدې قانون کې د درج شویو معافیتونو له مجرایي او دکسراتو له وضع کولو وروسته پاتې کېږي.

معافیت: د مالیه ورکوونکي له عوایدو څخه مجرایي ده چې د دې قانون د حکمونو مطابق هغه ته ورکول کېږي .

کسرات : د تولید لگښتونه او د عایداتو د لاس ته راوړلو او ساتلو لگښتونه دي چې له عایداتو څخه د هغو وضع کول د دې قانون د حکمونو مطابق مجاز دي .

هغه لگښتونه او تمامه شوې بیه چې مشخصاً د معافیت یا کسراتو په توګه ذکر شوي نه وي ، د وضع کولو وړ ندي .

عملیاتي نګه زیان: هغه مبلغ دی چې پدې قانون کې له درج شوو مجرایيو وروسته له عایداتو څخه زیات وي .

د ماليي تابع عايدات

ديارلسمه ماده :

- (۱) لاندې لاسته راغلي عايد پر عايداتو باندې د مالياتو تابع دی :
 - ۱- معاش، مزد ، فیس او کمېشن.
 - ۲- د سوداگريزو، صنعتي، ودانيزو او نورو اقتصادي فعاليتونو د معاملو ټول عوايد .
 - ۳- د منقول او غير منقول ملکيت له پلورلو څخه ترلاسه شوي عوايد .
 - ۴- ټکټ پولې ، د ونډې گټه ، کرایه، حق الامتياز، جايزې، مکافات، د قرعې او بخششيو له درکه عوايد .
 - ۵- د تضامني شرکت له عايد څخه شريکه ونډه .
 - ۶- له کار ، پانگې يا اقتصادي فعاليت څخه ترلاسه شوي نور عوايد .
 - ۷- نور هغه حالات چې په قانون کې تصريح شوي دي .
 - ۸- نور هغه عوايد چې په دې قانون

عايدات تابع ماليه

ماده سيزدهم:

- (۱) عايد حاصله ذيل تابع ماليات پر عايدات می باشد:
 - ۱- معاش، مزد ، فیس و کمېشن.
 - ۲- مجموع عوايد معاملات تجارتي، صنعتي، ساختماني و ساير فعاليت های اقتصادي .
 - ۳- عوايد حاصله از فروش ملکيت منقول و غير منقول.
 - ۴- تکت پولې، مفاد سهم، کرایه، حق الامتياز، جوايز، مکافات، عوايد از درک قرعه و بخششې ها.
 - ۵- سهم شريک از عايد شرکت تضامني
 - ۶- ساير عوايد حاصله از کار، سرمايه يا فعاليت اقتصادي.
 - ۷- ساير حالاتي که در قانون تصريح گرديده است.
 - ۸- ساير عوايد يکه در اين قانون

- پیشبینی نگرديده است.
- (۲) مفاد سهم: هر نوع توزیع عوایدی است که از طرف شرکت به شکل پول، دارائی یا هر نوع مفاد متناسب به سهم شان به سهامداران صورت گرفته و شامل موارد ذیل می باشد:
- ۱- هر نوع دارائی ملموس و غیر ملموس.
 - ۲- سهم در شرکت.
 - ۳- تخفیف در هر نوع خریداری از شرکت.
 - ۴- قرضه به سهامداران.
 - ۵- استفاده از هر نوع دارائی یک شرکت.
- (۳) هرگاه نمایندگی غیر مستقل شخص غیر مقیم در افغانستان مندرج ماده هشتم این قانون به شخص غیر مقیم یا هر شخص دیگری که با آن مرتبط باشد، مبلغی را پردازد یا پرداخت آنرا متقبل گردد، مبلغ متذکره منحیث مفاد سهم پنداشته می شود.
- کې اټکل شوي ندي .
- (۲) د ونډې گټه : د عوایدو هر ډول وېش دی چې د شرکت لخوا د پیسو ، شتمنی یا ونډه والو ته د هغوی له ونډې سره د متناسبې هر ډول گټې په شکل صورت مومي او لاندې موارد پکې شامل دي :
- ۱- هر ډول ملموسه او غیر ملموسه شتمني .
 - ۲- په شرکت کې ونډه .
 - ۳- له شرکت څخه په هر ډول پېرودنه کې تخفیف .
 - ۴- ونډه والو ته پور.
 - ۵- د یوه شرکت له هر ډول شتمنی څخه گټه اخستل .
- (۳) که چېرې ددې قانون په اتمه ماده کې درج، په افغانستان کې د غیرمېشت شخص غیرمستقله نمایندگی، غیر مېشت شخص یا هر بل شخص ته چې له هغې سره مرتبط وي، څه مبلغ ورکړي یا یې ورکړه ومني، نوموړی مبلغ د ونډې دگټې په توگه گڼل کېږي.

د مالیاتو غیر تابع عایدات

خوارلسمه ماده :

لاندې ترلاسه شوي مبالغ پر عایداتو باندې د مالیاتو تابع ندي او د حقيقي او حکمي اشخاصو په اظهار لیک کې نه شاملېږي :

۱- د دولت لخوا بخششي، تحفي، انعامونه، جائزې او مکافات .

۲- هغه بخششي، تحفي، انعامونه، جائزې او مکافات چې د بهرنيو دولتونو، نړيوالو مؤسسو يا غير انتفاعي مؤسسو لخوا د علمي، هنري، ادبي فعاليتونو، ټولنيز پرمختگ او نړيوال تفاهم د تقديرو لپاره منظور ورکول کېږي .

۳- د معلوماتو د زیاتېدو يا د کفایت او مسلکي او فني ښوونو د اصلاح او ترقي په منظور سکالرشپونه، فیلوشپونه او نورې مرستې .

۴- دروغتيايي او ټکر (تصادم) له

عایدات غیر تابع مالیات

ماده چهاردهم:

مبالغ حاصله ذیل تابع مالیات بر عایدات نبوده، شامل اظهار نامه اشخاص حقيقي و حکمي نمی گردد:

۱- بخششي ها، تحايف، انعامات، جوايز و مکافات از طرف دولت.

۲- بخششي ها، تحايف، انعامات، جوايز و مکافاتیکه از طرف دول خارجي، مؤسسات بين المللي يا مؤسسات غير انتفاعي ايکه به منظور تقدير از فعاليتهاي علمي، هنري، ادبي، پيشرفت اجتماعي و تفاهم بين المللي، اعطاء مي گردد.

۳- سکالرشپ ها، فیلوشپ ها و سائر کمک ها به منظور تزويد معلومات يا اصلاح و ترقي کفایت و تعليمات مسلکي و فني.

۴- عايد از بیمه صحی

- و تصادم و منافع بیمه
بیکاری.
- ۵ - عاید از بیمه حیات که بعد از
مرگ تادیه می گردد.
- ۶ - غرامات یا تلافی خسارات
ناشی از جرح و مریضی یا
اعاده حیثیت.
- ۷ - استقراض.
- ۸ - عاید حاصله از صدور اسناد
سهام و اسناد قرضه توسط
شرکتها.
- ۹ - حصول دارائی از طریق الحاق
شرکتهای سهامی داخلی و سائر
شخصیت های حکمی.
- ۱۰ - حصول دارائی منقول
و غیر منقول از طریق
سلب حقوق ملکیت مدیون
توسط داین.
- ۱۱ - حصول اصل قرضه
از مدیونین.
- ۱۲ - مفاد اسناد قرضه دولتی و
شاروالیها.
- بیمي څخه عايد او د بیکاری- دبیمي
گتې.
- ۵- د ژوند له بیمې څخه عاید چې
له مړینې وروسته ورکول کېږي .
- ۶- له ټپ، ناروغۍ یا د حیثیت له
اعادې څخه د راپیدا شوو زیانونو
غرامات یا تلافی .
- ۷- استقراض .
- ۸- د شرکتونو په واسطه د ونډې د
سندونو او د پور (قرضې) د سندونو
له صادرولو څخه لاسته راغلی عاید.
- ۹- د کورنیو سهامی شرکتونو او
نورو حکمي شخصیتونو د الحاق له
لارې د شتمنی ترلاسه کول .
- ۱۰- د داین په واسطه د مدیون د
ملکیت د حقوقو د سلبولو له لارې
د منقولې او غیر منقولې شتمنی
ترلاسه کول .
- ۱۱- له مدیونینو څخه د اصل پور
ترلاسه کول .
- ۱۲- د دولتي او ښاروالیو د پور د
سندونو گټه .
- ۱۳- د دې قانون د حکمونو

۱۳ - سائر مبالغ حاصله طبق احکام این قانون.

معافیت مالیاتی مواد احتراقی

ماده پانزدهم:

عواید از درک قیمت مواد غذایی، مواد احتراقی و اجناسیکه شخص تولید کننده یا اعضای فامیل وی آنرا به مصرف رسانیده یا مورد استفاده قرار داده است، از مالیات بر عایدات معاف می باشد.

مالیات بر کرایه یا اجاره اموال

غیرمنقول

ماده شانزدهم:

عواید از درک کرایه یا اجاره اموال غیر منقول که اساساً به منظور تجارت یا صنعت و سایر فعالیت های اقتصادی مورد استفاده قرار می گیرد، تابع مالیات بر عایدات می باشد. مالیه اراضی زراعتی و

مطابق نور ترلاسه شوي مبالغ .

د احتراقي موادو مالیاتي معافیت

پنخلسمه ماده :

د غذایی موادو ، احتراقي موادو او هغو جنسونو د بیې له درکه عواید چې تولیدوونکي شخص یایې د کورنۍ غړو هغه په مصرف رسولي یایې ترگتې اخستنې لاندې نیولي دي ، پرعایداتو باندې له مالیاتو څخه معاف دي .

د غیر منقولو مالونو پر کرایې یا

اجارې باندې مالیات

شپاړسمه ماده :

د غیر منقولو مالونو د کرایې یا اجارې له درکه عواید چې اساساً د سوداگری یا صنعت او نورو اقتصادي فعالیتونو په منظور ترگتې اخستنې لاندې نیول کېږي ، پرعایداتو باندې د مالیاتو تابع دي . د کرنیزو او باغي ځمکو مالیه او د څارویو مالیه د خاص قانون

تابع ده .

له معاشونو او مزدوریو څخه د

ماليې د وضع کولو مکلفیت

اوولسمه ماده :

(۱) وزارتونه ، ادارې اونورې

دولتي مؤسسې ، تصدی ، شرکتونه

او خیریه مؤسسې مکلف دي پر

معاشونو او مزدوریو باندې مالیه ، د

هغو د اجراء په وخت کې وضع او

د دولت حساب ته یې ولېږدوي .

(۲) د دولتي کارکوونکو د تقاعد

حقوق پر عایداتو باندې د مالیاتو

تابع ندي .

د مجرایي وړ لگښتونه

اتلسمه ماده :

(۱) د تولید د عادي او اړینو

لگښتونو کسر او وضع کول او د

حقيقي او حکمي اشخاصو د عوایدو

لاسته راوړل او ساتنه په لاندې ډول

مجاز دي، د مجرایي وړ دي، پدې

شرط چې د مالي کال په ترڅ کې

باغي و مالیه مواشی تابع قانون

خاص است.

مکلفیت وضع

مالیه از معاشات و دستمزد ها

ماده هفدهم:

(۱) وزارت ها، ادارات وسایر

مؤسسات دولتي، تصدی ها،

شرکت ها و مؤسسات خیریه

مکلف اند، مالیات بر معاشات و

دستمزد ها را حین اجرای آن وضع

و به حساب دولت انتقال دهند.

(۲) حقوق تقاعد کارکنان دولتي

تابع پرداخت مالیات بر عایدات

نمی باشد.

مصارف قابل مجرائي

ماده هجدهم:

(۱) کسر و وضع مصارف عادي و

ضروری تولید، بدست آوردن و

محافظه عواید اشخاص حقيقي

و حکمي قرار ذیل مجاز بوده،

قابل مجرائي می باشد، مشروط بر

اینکه در خلال سال مالی صورت گرفته یا طبق احکام این قانون بیکي از سه سال گذشته مالی متعلق باشد:

۱ - قیمت تمام شد اشیای تولیدی یا مصارف فروش و تجارت شامل مصرف بیمه حمل و نقل و امثال آن.

۲ - قیمت سامان و لوازم، مواد احتراقیه، برق، آب و سایر خدمات ضروری که جهت بدست آوردن عایدات یا در کار و تجارت مورد استفاده قرار می گیرد.

۳ - مزد، معاش، کمیشن و فیس ایکه در برابر خدمات کارکنان و مستخدمین تادیه می شود.

۴ - تکت پولی ناشی از قروض، کار و تجارت.

۵ - کرایه تادیه شده از درک اموال و ملکیتی که در کار یا تجارت ضروری بوده

بی صورت موندلی وی یا د دې قانون د حکمونو مطابق د تېرو دریو کلونو په یوه پورې اړه ولري :

۱- د حمل او نقل د بیمې او هغې ته دورته لگښت په شمول د توليدي شيانو یا د پلورنې او سوداگرۍ د لگښتونو تمامه شوې بیه .

۲- د سامانونو او لوازمو ، احتراقیه موادو ، برېښنا ، اوبو ، او نورو هغو اړینو خدمتونو بیه چې د عایداتو د لاسته راوړلو لپاره یا په کار او سوداگرۍ کې تر گټې اخستنې لاندې نیول کېږي .

۳- هغه مزد، معاش، کمیشن او فیس چې د کارکوونکو او مستخدمینو د خدمتونو په وړاندې ورکول کېږي .

۴- له پورونو، کار او سوداگرۍ څخه رامنځته شوې ټکت پولې .

۵- د مالونو او هغه ملکیت چې په کار یا سوداگرۍ کې اړین وي او تر گټې اخستنې لاندې نیول کېږي ، له درکه ورکړل شوې کرایه .

و مورد استفاده قرار می گیرد.
۶ - مصارف ترمیم و حفظ و مراقبت اموال و ملکیتی که در کار یا تجارت ضروری بوده و مورد استفاده قرار می گیرد.

۷ - اموال منقول و غیر منقول به استثنای (زمین زراعتی) که در کار تجارت مورد استفاده قرار گرفته و یا به منظور تولید عایدات در اختیار مؤلد می باشد، استهلاك آن مطابق تعلیماتنامه مالیات بر عایدات قابل مجرائی است، مجموع کسرات استهلاك مال یا ملکیت بیشتر از قیمت تمام شد آن قابل مجرائی به مالیه ده نمی باشد، هرگاه شخص حقیقی یا حکمی از تادیات در بدل حصول دارائی مطابق حکم مندرج ماده هفتاد و دوم این قانون مالیه را وضع نه نمایند، مستحق مجرائی

۶- د هغو مالونو او ملکیت چې په کار یا سوداگری کې اړین وي او تر گټې اخستنې لاندې نیول کېږي، د ترمیم، ساتنې او څارنې لگښتونه.
۷- منقول او غیر منقول مالونه د (کرنیزې ځمکې) په استثنای چې په کار او سوداگری کې تر گټې اخستنې لاندې نیول شوي یا د عایداتو د تولید په منظور د مؤلد په واک کې وي، استهلاك یې پر عایداتو باندې د مالیاتو د تعلیماتنامې مطابق، د مجرائی وړ دی، د مال یا ملکیت د استهلاك ټول کسرات د هغو له تمامې شوې بېې څخه زیات، مالیه ورکونکي ته دمجرائی وړ ندي، که چېرې حقیقی یا حکمی شخص، د شتمنی د لاسته راوړولو په بدل کې له ورکړو څخه، ددې قانون د حکمونو د دوه اویایمې مادې د حکم مطابق، مالیه وضع نکړي، د هغه د شتمنی د تمامې شوې بېې د هغې برخې د استهلاك

استهلاک آن بخش از قیمت تمام شد دارائی که از آن مالیه وضع نشده است، نمی گردد.

۸ - مالیه و محصولی که بذات خود مصرف لازمی جهت کار و تجارت یا مصرف لازمی برای داشتن مال و ملکیت به منظور عایدات ویا مصرف لازمی برای تولید عایدات باشد، مشروط براینکه مالیه آن در ظرف سال مالی تادیه شده ویا تجمع نموده باشد. مالیاتیکه طبق احکام این قانون وضع گردیده و مالیاتیکه از جمله مصارف لازمی کار و تجارت به حساب نرود، قابل مجرائی نیست، مگر اینکه در این قانون طوری دیگری پیشبینی گردیده باشد.

۹ - خسارات وارده ناشی از حریق، زلزله، و سایر حوادث غیر مترقبه به اموال منقول و غیر منقول در خلال سه سال، مشروط براینکه

چې له هغې څخه مالیه وضع شوې نده، د مجرائی مستحق نه گرځي.

۸- هغه مالیه او محصول چې په خپل ذات کې د کار او سوداګرۍ لپاره لازمی لګښت یا د عایداتو په منظور د مال او ملکیت د لرلو لپاره لازمی لګښت او یا د عایداتو د تولید لپاره لازمی لګښت وي، پدې شرط چې مالیه یې د مالي کال په موده کې ورکړل شوې وي او یا ټوله شوې وي. هغه مالیات چې د دې قانون د حکمونو مطابق وضع شوی دي او هغه مالیات چې د کار او سوداګرۍ د لازمی لګښتونوله جملې څخه ونه شمېرل شي، د مجرائی وړ ندي، خو دا چې پدې قانون کې بل ډول اټکل شوي وي.

۹- ددریو کلونو په ترڅ کې منقولو او غیر منقولو مالونو ته له حریق، زلزلې او نورو ناڅاپي پېښو څخه ورپېښ شوي زیانونه، پدې شرط چې بیه یې تثبیت وي او پدې هکله

قيمت آن تثبيت بوده و سند
مثبتہ را در اين مورد ارائه و از
طرف مؤسسات بیمه جبران
نگردیده باشد.

۱۰ - خسارۀ ناشی از قروض
غير قابل حصول در کار
يا تجارت طبق تعليماتنامۀ ماليات بر
عايدات.

۱۱ - مفاد سهم تاديه شده به پول
توسط شخصيت حکمی ايکه مطابق
قوانين نافذۀ کشور تأسيس
گردیده باشد.

۱۲ - سائر مصارف کار يا تجارت
و مصارف در اختيار داشتن
اموال منقول و غير منقول به منظور
توليد عايدات و مصارف
توليد عايدات مندرج اسناد
تقنينی مربوط.

(۲) کسر و وضع مصارف در
موارد آتی غير مجاز بوده ، قابل
مجرائی نمی باشد:

۱ - مصارف دعوت ها و اعلانات

مثبتہ سند وړاندې او د
بیمې د مؤسسولخوا جبران
شوي نه وي .

۱۰ - پر عايداتو باندي د مالياتو د
تعليماتنامې مطابق په کارياسوداگرۍ
کې له نه ترلاسه کېدو وړ پورونو
خخه رامنځته شوی زیان .

۱۱ - د هغه حکمی شخصيت په
واسطه چې د هېواد د نافذه قوانينو
مطابق تأسيس شوی وي، په پيسو
باندي د ورکړل شوې ونلې گته .

۱۲ - د کار يا سوداگرۍ نور
لگښتونه او د عايداتو د توليد په
منظور د منقولو او غير منقولو
مالونو په واک کې د لرلو لگښتونه
او په اړوندو تقنيني سندونو کې
درج د عايداتو د توليد لگښتونه .

(۲) په لاندې مواردو کې د
لگښتونو کسر او وضع کول غير
مجاز او د مجرايي وړ ندي :

۱ - د بلنو او اعلانونو لگښتونه چې
په اقتصادي او سوداگريزو فعاليتونو

که مرتبط به فعالیت های اقتصادی و تجارتي نباشد.

۲ - اشخاص حقيقي و حکمی که مطابق احکام این قانون مکلف به وضع مالیات از مفاد سهم، تکتانه، حق الامتياز، کرایه، کمیشن، دستمزد، معاشات، معاملات مندرج ماده هفتاد و دوم این قانون وسایر عواید مشابه بوده اما مالیات آنرا وضع وتادیه ننموده باشد.

۳ - بالای نمایندگی غیرمستقل یک شخص غیرمقیم در افغانستان، هرگونه مخارج که به شخص غیرمقیم یا کدام شخص مرتبط با آن تادیه ویا متقبل گردد.

مصارف غیر قابل مجرائی

ماده نهم:

(۱) کسر و وضع مصارف شخصی بشمول اقلام ذیل غیر مجاز بوده قابل مجرائی نمی باشد:

پورې مرتبط نه وي .

۲ - هغه حکمي او حقيقي اشخاص چې د دې قانون د حکمونو مطابق د ونډې له گټې، تکتانې، حق الامتياز، کرایې، کمیشن، اجورې، معاشونو، ددې قانون په دوه اويايمه ماده کې له درج شوو معاملو او نورو ورته عوایدو څخه د مالیاتو په وضع کولو مکلف دي، خو د هغو مالیات یې وضع کړي نه وي.

۳ - په افغانستان کې د یوه غیر مستقل غیر مېشت شخص پر نمایندگی باندي هر ډول هغه خرڅونه چې غیر مېشت شخص یا ورسره کوم اړوند شخص ته ورکړل یا ومنل شي .

د نه مجرائي وړ لگښتونه

نولسمه ماده :

(۱) دلاندې اقلامو په شمول د شخصي لگښتونو کسر او وضع کول غیر مجاز دي، اود مجرائي وړندي :
۱ - هغه ورکړې (تادیات) چې د

- ۱ - تادیاتیکیه به اشخاص غرض منفعت و خوشی مالیه ده یا فامیلش صورت می گیرد.
- ۲ - مصارف حفظ و مراقبت، ترمیم، تعمیر، اصلاح مفروشات و سائر مصارف حویلی یا محل رهائش مالیه ده یا فامیلش یا هر مال و ملکیتی که مختص به استفاده مالیه ده و یا فامیلش باشد.
- ۳ - تکت پولی بر دیون شخصی.
- ۴ - مصارف رفت و آمد به محل کار و مصارف سفر برای مقاصد شخصی.
- ۵ - مصرف بیمه حیات، تصادم و صحت و بیمه علیه ادعای دیگران به منظور مسئولیت مالیه ده و فامیلش.
- ۶ - مالیه ورکونکی یایی د کورنی د گتې او خوبنی په غرض اشخاصوته صورت مومي .
- ۲ - د مالیه ورکونکی یایی د کورنی د حویلی یا د اوسېدو د ځای د ساتنې او څارنې، ترمیمولو، تعمیر، دمفروشاتو د اصلاح لگښتونه او نورلگښتونه او یا هر مال او ملکیت چې د مالیه ورکونکی یایی د کورنی گتې اخستې ته مختص وي.
- ۳ - پر شخصي ديونو باندې تکت پولی.
- ۴ - د کار ځای ته د تلو راتلو لگښتونه او د شخصي مقصدونو لپاره د سفر لگښتونه .
- ۵ - د ژوند، تکر(تصادم) او روغتیا د بیمې او د مالیه ورکونکی او د هغه د کورنی دخوندیتوب په منظور، د نورو د ادعا پر خلاف د بیمې لگښت.
- ۶ - د هغو مالونو او ملکیت چې په

۶ - مصارف هر نوع بیمه غرض محافظت اموال و ملکیت که به مقاصد شخصی مورد استفاده قرار می گیرد.

(۲) کسر و وضع مصارف در موارد آتی نیز غیر مجاز بوده، قابل مجرائی نمی باشد :

۱ - قیمت تمام شد زمین، تعمیرات و اشیای دوامدار (ماشین، تجهیزات، اثاثیه ثابت، مفروشات و مصارف تمام شد الحاقیه یا اصلاحات در آنها). مصارف استهلاک مندرج جز (۷) فقره (۱) ماده هجدهم و احکام مندرج فصل سوم این قانون از این امر مستثنی است.

۲ - افزودی به ذخیره احتیاطی، ذخیره به مقصد قروض غیر قابل حصول و امثال آن.

۳ - مالیات تأدیه شده به دول خارجی از طرف اشخاص

شخصی مقصدونو تر گتې اخستې لاندې نیول کېږي، د ساتنې په غرض د هر ډول بیمې لگښت .

(۲) په لاندې مواردو کې د لگښتونو کسر او وضع کول هم غیر مجاز دي، د مجرائي وړ ندي :

۱- د ځمکې، ودانیو او دوامدارو شیانو (ماشین، تجهیزاتو، ثابتې اثاثې، مفروشاتو او د الحاقیې یا په هغې کې د اصلاحاتو تمام شوی لگښت) تمامه شوې بیه . د دې قانون د اتلسمې مادې د (۱) فقرې په (۷) جزء کې درج شوي لگښتونه او په درېیم فصل کې درج شوي حکمونه لدې امر څخه مستثنی دي .

۲- په احتیاطي زېرمې زیاتول، د نه ترلاسه کېدو وړ پورونو او هغو ته په ورته مقصد زېرمه .

۳- د غیر مېشتو اشخاصو لخوا چې د افغانستان له کورنیو سرچینو څخه عواید ترلاسه کوي، بهرنیو

غير مقيم كه از منابع داخل افغانستان عوايد حاصل می نمایند، مگر اينكه معاهده ای در مورد موجود باشد.

عوايد منابع داخلي

ماده بیستم:

(۱) عوايد منابع داخلي قرار ذیل می باشد:

۱- تكتانه قروض، تحویلی های مفادی و سرمایه گذاری ها.

۲- عوايد مفاد سهم از شرکتهای مقيم كه در افغانستان فعالیت می نمایند.

۳- عوايد معاش، حق الزحمه و دستمزد از مشاغل آزاد در مقابل خدمات.

۴- عوايد کرایه ها و حق الامتياز از اموال منقول و غير منقول.

۵- عوايد فروش دارائی منقول و غير منقول.

۶- اخذ کمیشن از فروشات

دولتونو ته وړکړل شوي ماليات ، خو دا چې پدې هکله ژمنلیک موجود وي .

د کورنیو سرچینو عوايد

شلمه ماده:

(۱) د کورنیو سرچینو عوايد په لاندې ډول دي :

۱- د پورونو ټکتانه ، کته ایزي: (مفادي) تحویلی او پانگه اچونې .

۲- له هغو مېشتو شرکتونو څخه چې په افغانستان کې فعالیت کوي، د ونډې د گټې عوايد .

۳- د خدمتونو په وړاندې دمعاش، حق الزحمې او له آزادو شغلونو څخه د مزدورۍ عوايد .

۴- د کرایو او له منقولو او غير منقولو مالونو څخه د حق الامتياز عوايد .

۵- د منقولې او غير منقولې شتمنی د پلورنې عوايد .

۶- د هر ډول بیمو په شمول له پلورنو څخه د کمېشن اخستل .

- ۷- د هېواد په دننه کې د سوداگريزو فعاليتونو عوايد .
- ۸- د هغو منقولو مالونو د پلورلو يا لېږدولو عوايد چې په سوداگريزو يا استخدامي فعاليتونو کې له هغو څخه گټه اخستل کېږي .
- ۹- د حق الامتياز، فیس او کمېشن عوايد چې د افغاني مېشت لخوا ورکول کېږي .
- ۱۰- د نفتي موادو ، معدني موادو يا نورو سرچينو له اکتشاف او استخراج څخه راپيدا شوي عوايد .
- ۱۱- د هېواد په دننه کې د نورو عايداتي سرچينو عوايد چې د دې قانون د حکمونو مطابق د مالياتو تابع گڼي .
- (۲) د دې قانون د موخو د تطبيق په منظور د نهه ويشتمې او دېرشمې مادې په استثنای د دې مادې د (۱) فقرې په (۵)
- بشمول انواع بيمه.
- ۷- عوايد فعاليت های تجارتي در داخل کشور.
- ۸- عوايد فروش يا انتقال اموال منقول که در فعاليت های تجارتي يا استخدامی از آن استفاده بعمل می آيد.
- ۹- عوايد حق الامتياز، فیس و کمیشن که توسط مقيم افغانی تأديه می گردد.
- ۱۰- عوايد ناشی از اکتشاف و استخراج مواد نفتی، مواد معدنی يا ساير منابع.
- ۱۱- عوايد ساير منابع عايداتي در داخل کشور که مطابق احکام اين قانون تابع ماليات قرار می گيرد.
- (۲) به منظور تطبيق اهداف اين قانون به استثنای مواد بيست و نهم و سی ام، اصطلاح

(دارائسی غیرمنقول) مندرج جز (۵) فقره (۱) این ماده دربرگیرنده هر نوع مفاد دریک شرکت یا نهاد دیگریکه ارزش دارائسی آن اساساً در نتیجه مالکیت مستقیم یا غیرمستقیم اشخاص دریافت می گردد، قرار ذیل است:

۱ - دارائسی غیرمنقول در افغانستان.

۲ - مفاد دارائسی غیرمنقول در افغانستان به شمول قراردادهای هایدروکارب، جواز معادن و صلاحیت نامه معادن طوریکه در فصل دوازدهم این قانون تصریح گردیده است.

(۳) به منظور تطبیق اهداف این قانون به استثنای مواد بیست و نهم و سی ام آن عواید ناشی از استخراج معادن که در جزء (۱۰) فقره (۱) این ماده

جزء کی د (غیر منقولی شتمنی) اصطلاح په یوه شرکت یا بل بنسټ کې چې د شتمنی ارزښت یې اساساً د اشخاصو د مستقیم یا غیر مستقیم مالکیت په پایله کې ترلاسه کېږي، په لاندې توګه د هر ډول ګټې په بر کې نیوونکې ده :

۱- په افغانستان کې غیر منقوله شتمني .

۲- د هایدروکارب، د کانونو د جواز او د کانونو د واک لیک د قراردادونو په شمول هغه ډول چې د دې قانون په دوولسم فصل کې تصریح شوي دي ، په افغانستان کې د غیر منقولی شتمنی ګټه .

(۳) د دې قانون د موخو د تطبیق په منظور د هغه د نهه ویشتمې او دېرشمې مادې په استثنای ، د کانونو له استخراج څخه رامنځته شوي عواید چې د دې مادې د (۱) فقرې په (۱۰) جزء کې

توضیح گردیده است ،
دربرگیرنده هر نوع فروش و
سایر معاملات مفادی
می باشد.

فصل سوم

مفاد یا زیان از درک
فروش، تبادل یا انتقال
دارائی

مفاد تابع مالیات

بر عایدات

ماده بیست و یکم:

مفاد از درک فروش یا تبادل
دارائی های ثابت و سرمایه گذاری
در پیشه و تجارت ، تابع پرداخت
مالیات بر عایدات می باشد.

مفاد قابل مالیة سال مالی

ماده بیست و دوم:

مفاد حاصله از درک فروش یا
تبادل دارائی شرکت سهامی و یا
شرکت محدود المسئولیت،

توضیح شوی دی، د هر دول
پلورنی او نورو مفادی معاملو په بر
کې نیونکي دي .

درپیم فصل

د شتمنی د پلورنی ، تبادلې
یا لېږدونې له درکه ګټه یا
زیان

پر عایداتو باندي د مالیاتو تابع

ګټه

یو ویشتمه ماده :

د ثابتو شتمنیو د پلورلو یا تبادلې له
درکه ګټه او په کسب او سوداګری-
کې پانګونه پر عایداتو باندي د
مالیاتو تابع ده .

د مالي کال د ماليې ور ګټه

دوه ویشتمه ماده :

د سهامی شرکت یا محدود المسئولیت
شرکت د شتمنی د پلورلو یا
تبادلې له درکه تر لاسه شوې
ګټه ، د هغه مالي کال د ماليې ور

مفاد قابل مالیه سال مالی می باشد که در خلال آن انتقال دارائی صورت گرفته باشد.

مالیه از انتقال ملکیت

ماده بیست و سوم:

(۱) مفاد حاصله از درک فروش، تبادل یا سایر انواع انتقال ملکیت دارائی های ذیل، مفاد قابل مالیه شناخته می شود:

۱ - واگذاری پیشه یا تجارت، به شمول سر قلفی.

۲ - فابریکه، به شمول تجهیزات، ماشین آلات، تعمیرات و اراضی و یا اجزای آنها.

۳ - تجهیزاتی که در کار و فعالیت تجارتي و حمل و نقل اشخاص و اموال استعمال می گردد.

۴ - سهام در شرکت سهامی یا محدودالمسئولیت.

(۲) مفاد حاصله از انتقال

گفته ده چې په ترڅ کې یې د شتمنی لېږدېدلو صورت موندلی وي .

د ملکیت له لېږدېدو څخه مالیه درويشتمه ماده :

(۱) د لاندې شتمنیو د پلورلو، تبادلې یا د ملکیت دنورو هر ډول لېږدېدو له درکه ترلاسه شوې گټه، د مالېې وړگټه گڼل کېږي :

۱- د سر قلفی په شمول د کسب یا سوداگری پرېنودل .

۲- د تجهیزاتو، ماشین آلاتو، ودانیو، ځمکې (اراضی) او یا د هغو د اجزاوو په شمول فابریکه .

۳- هغه تجهیزات چې په سوداگریز کار او فعالیت او د اشخاصو او مالونو په حمل او نقل کې استعمالېږي .

۴- په سهامی یا محدودالمسئولیت شرکت کې ونډې .

(۲) له میراث څخه د پیدا شوې منقولې او غیر منقولې شتمنی له

دارائی منقول و غیر منقول
ناشی از میراث از حکم
مندرج فقره (۱) این ماده
مستثنی است.

کسر و وضع مصارف از عواید
قابل مالیه

ماده بیست و چهارم:

عواید فروش، تبادل و انتقال
دارائی ها (باستثنای میراث)، به
صورت مکمل راپور
داده شده و اقلام
ذیل حین تعیین مفاد قابل
مالیه از این عواید قابل وضع
می باشد:

۱ - قیمت تمام شد دارائی و
سرمایه گذاری فروخته
شده با کسر مبلغی
که از درک استهلاک از تاریخ
تصاحب آن الی زمان معامله قابل
مجرائی باشد.

۲ - مصارف فروش به شمول
کمیشن، اعلانات، تکت و وثایق و

لپردو و خنجه لاسته راغلی گتیه د
دې مادې په (۱) فقره کې له
درج شوي حکم څخه
مستثنی ده .

له مالیه وړ عوایدو څخه د
لگښتونو کسر او وضع کول

څلېریشتمه ماده :

د شتمنیو د پلورلو، تبادلې او
لپردولو عواید (دمیراث په
استثنای)، په بشپړ ډول رپوټ
ورکول کېږي او لدې عوایدو
څخه د مالیه وړ گتیه د ټاکلو په
ترڅ کې لاندې اقلام د وضع کولو
وړ دي :

۱ - د شتمنی او پلورل شوې
پانگوني تمامه شوې بیه د هغه
مبلغ په کسر سره چې د استهلاک
له درکه د هغو د ترلاسه کولو له
نېټې څخه د معاملې تر وخته پورې د
مجرائی وړ وي .

۲ - د پلورنې لگښت د کمېشن،
اعلانونو، د وثایقو د ټکټ

سائر مصارف انتقال
دارائی ها.

تثبیت مالیه به قیمت روز

ماده بیست و پنجم:

حین هر نوع معامله انتقال
دارائی های منقول و غیر منقول
(باستثنای میراث) قیمت روز اساس
سنجش و تثبیت مالیه
می باشد.

عدم تأثیر نوع انتقال دارائی بر

مالیه دهی

ماده بیست و ششم:

نوع انتقال دارائی منقول و غیر
منقول (به استثنای میراث) بر مالیه
دهی مفاد حاصله از انتقال
مذکور تأثیر ندارد.

وضع زیان ناشی از عواید قابل

مالیه

ماده بیست و هفتم:

زیان ناشی از فروش یا
تبادلۀ دارائی های ثابت مورد

به شمول او د شتمنیو د لپردونې
نور لگښتونه .

د ورځې په بیه د مالیه تثبیتول

پنځه ویشتمه ماده :

د منقولو او غیر منقولو شتمنیو د
لپردونې د هر ډول معاملې په ترڅ
کې (د میراث په استثنا) د ورځې
بیه ، د مالیه د سنجش او تثبیت
بنسټ دی .

پرمالیه ورکونې باندي د شتمنی

دلپردونې د ډول نه اغېزه

شپږ ویشتمه ماده :

د منقولې او غیر منقولې شتمنی د
لپردونې ډول (دمیراث په استثنا) له
نوموړې لپردونې څخه دترلاسه شوې گټې
پرمالیه ورکونې باندي اغېزه نه لري.

له مالیه وړ عوایدو څخه د را

پیدا شوي زیان وضع کول

اووه ویشتمه ماده :

د مالي کال په ترڅ کې په کسب یا
سوداگری کې د گټې اخستې وړ

استفاده در پیشه یا تجارت در خلال سال مالی، از عواید قابل مالیه مؤدی قابل وضع می باشد، مشروط بر اینکه مفاد فروش یا تبادل متذکره اصلاً قابل مالیه باشد.

عدم وضع اضافی زیان از عواید قابل مالیه

ماده بیست و هشتم:

زیان ناشی از فروش یا تبادل اسناد سهم، قابل وضع نمی باشد، مگر اینکه این زیان از مفاد حاصل از فروش یا تبادل اسناد سهم که در عین سال صورت گرفته است نشأت نموده باشد. مفادیکه باینصورت بدست می آید، از زیانی که از چنانچه معامله عاید می گردد اضافه باشد، مبلغ اضافگی تابع مالیه بوده اما اگر این زیان اضافه از مفاد باشد، مبلغ

ثابتو شتمنیوله پلورنی یا تبادلې څخه را پیدا شوی زیان د مؤدی له مالیه وړ عوایدو څخه د وضع وړ دی، پدې شرط چې د نوموړې پلورنی او تبادلې گټه اصلاً د مالیه وړ وي.

له مالیه وړ عوایدو څخه د اضافی زیان نه وضع کېدل

اته ویستمه ماده :

د ونډود سندونو له پلورنی یا تبادلې څخه را پیدا شوی زیان د وضع کولو وړندی، خوداچې دغه زیان د ونډې د سندونو له پلورنی یا تبادلې څخه له تر لاسه شوې گټې څخه چې په عین کال کې یې صورت موندلی دی راپیدا شوی وي. هغه گټه چې پدې ډول له تر لاسه کېږي له هغه زیان څخه چې له دغه ډول معاملې څخه عایدېږي، زیاته وي، اضافگی مبلغ د مالیه تابع دی، خو که دغه زیان له گټې څخه

اضافگی زیان قابل موضوعی
نمی باشد.

سنجش مالیه از تزئید ارزش
دارائی

ماده بیست و نهم:

طرز تثبیت و سنجش مالیه
تزئید ارزش دارائی قرارذیل
است :

۱ - مفاد مندرج ماده بیست و
سوم این قانون که در خلال (۱۸)
ماه یا بیشتر از آن ملکیت شخص
باشد، باداشتن یک و یا
چند شرط ذیل تثبیت و سنجش
می گردد:

- انتقال (باستثنای میراث)
طور فروش صورت نگرفته
باشد.

- دارائی، انتقال یافته، دارائی
سرمایوی باشد.

- دارائی، حین فروش یا
انحلال پیشه یا تجارت
انتقال یافته باشد.

اضافه وی، د زیان اضافگی مبلغ د
موضوعی وړندې .

د شتمنی د ارزښت له زیاتېدو
څخه د مالیه سنجش

نهه ویشتمه ماده :

د شتمنی د ارزښت د زیاتېدو د
مالیه د تثبیت او سنجش ډول په
لاندې توگه دی :

۱- د دې قانون په درویشتمه ماده
کې درج شوې گڼه چې په (۱۸)
میاشتو یا له هغې څخه په زیاته موده
کې د شخص ملکیت وي، د
لاندې یوه یا څو شرطونو په لرلو
سره تثبیت او سنجول کېږي :

- لېږدېدنې (دمیراث په استثنای) د
پلورنې په ډول صورت نه وي
موندلی .

- لېږدول شوې شتمنی، پانگه ایزه
شتمنی وي .

- شتمنی، د پلورنې یا دکسب او
سوداگری د انحلال په ترڅ کې
لېږدول شوې وي .

۲- مالیات بر عایدات شخص در خلال سال مالی که طبق یکی از شرایط مندرج جزء (۱) این ماده انتقال یابد، عبارت از حاصل ضرب عواید قابل مالیه اش از تمام منابع با نرخ مخصوص موضوعه مندرج جزء (۳) این ماده می باشد.

۳- نرخ مخصوص موضوعه مندرج این ماده قرار ذیل دریافت می گردد:

- مفاد حاصله از انتقال دارائی (به استثنای میراث) تقسیم تعداد سال های می شود که دارائی در ملکیت وی بوده باشد.

- مفاد متوسط سالانه یا مفاد حاصله از این روش با سایر عواید قابل مالیه جمع و مطابق نرخ جدول مندرج ماده چهارم این قانون سنجش و مالیه

۲- د مالی کال په ترڅ کې د شخص پر عایداتو باندې مالیات چې د دې مادې په (۱) جزء کې له درج شویو شرایطو څخه د یوه مطابق ولېږدول شي، د دې مادې په (۳) جزء کې درج له موضوعه مخصوص نرخ سره له ټولو سرچینو څخه د هغه د مالیې وړ عوایدو له حاصل ضرب څخه عبارت دي.

۳- پدې ماده کې درج موضوعه مخصوص نرخ په لاندې ډول ترلاسه کېږي:

- د شتمنی له لېږدېدو څخه ترلاسه شوې گټه (دمیراث په استثنای)، د هغو کلونو پر شمېر باندې تقسیمېږي چې شتمني دهغه په ملکیت کې وي.

- کلنی متوسطه گټه یا لدې تگلارې څخه ترلاسه شوې گټه له مالیې وړ نورو عوایدو سره جمع او د دې قانون په څلورمه ماده کې د درج شوي جدول د نرخ مطابق، سنجش او ترلاسه شوې (حاصله)

حاصلہ تقسیم مبلغیکہ بر آن
سنجش شدہ است، نرخ مطلوب را
تثبیت می نماید، هرگاه نرخ
مطلوب کمتر از دو فیصد بوده،
در آن صورت نرخ قابل
تطبيق دو فیصد می باشد.

مالیات فروش اموال منقول و

غیر منقول

ماده سی ام:

(۱) بارعایت حکم مندرج
ماده بیست و سوم این
قانون قیمت اموالیکه
از طریق فروش یا
انتقال اموال منقول
و غیر منقول توسط شخص حقیقی
حاصل می گردد، به عوض
مالیات بر عایدات تابع پرداخت
یک فیصد مالیه هنگام انتقال
ملکیت قرار می گیرد.

(۲) بارعایت حکم مندرج
ماده بیست و سوم این
قانون قیمت اموالیکه

مالیه پر هغه مبلغ باندې تقسیمېږي
چې سنجش پرې شوی دی، مطلوب
نرخ تثبیتوي، که چېرې مطلوب
نرخ په سلو کې له دوو څخه لږ
وي، په هغه صورت کې د تطبيق وړ
نرخ په سلو کې دوه دی .

د منقولو او غیر منقولو مالونو

د پلورنې مالیات

دېرشمه ماده :

(۱) ددې قانون په درويشتمه ماده
کې د درج شوي حکم له په پام کې
نيولو سره، دهغو مالونو بیه چې د
حقيقي شخص لخوا د پلورنې يا د
منقولو او غیر منقولو مالونو د لېږد
له لارې ترلاسه کېږي، د ملکیت
دلېږدېدو په وخت کې پر عایداتو
باندې د مالیاتو په عوض،
په سلو کې د یوې مالیه د ورکړي
تابع ګرځي.

(۲) ددې قانون په درويشتمه ماده
کې د درج شوي حکم له په پام کې
نيولو سره، دهغو مالونو بیه چې د

از طریق فروش یا انتقال اموال منقول توسط شخص حکمی حاصل می گردد، به عوض مالیات بر عایدات تابع پرداخت یک فیصد مالیه هنگام انتقال قرار می گیرد. این مالیات پیش پرداخت محسوب شده، حین ارائه بیلانس و اظهارنامه در مالیه مجرائی داده می شود.

فصل چهارم

شرکت ها

اصطلاحات

ماده سی و یکم:

(۱) شراکت: اتحاد دو یا بیشتر از دو شخص است که مطابق اساسنامه مربوط مشترکاً کار یا تجارت نموده و نفع یا زیان آنرا تقسیم می نمایند.

(۲) شریک: شخصی است که در

خرخلاق یا د منقول مالونو د لیرد له لارې د حکمي اشخاصو په واسطه لاسته راځي، پر عایداتو باندې د مالیاتو په عوض د لېږدېدو په وخت کې په سلو کې یو مالیه د ورکولو تابع گرځي، دغه ډول مالیات منځکې ورکړه (پیش پرداخت) گڼل کېږي او په مالیه کې د بېلانس او اظهارنامه په وړاندې کولو سره مجرائی ورکول کېږي.

څلورم فصل

شرکتونه

اصطلاحگاني

یودېرشمه ماده :

(۱) شراکت : د دوو یا له دوو څخه د زیاتو اشخاصو یووالی (اتحاد) دی چې د اړوندې اساسنامه مطابق په گډه سره کار او سوداګري کوي او گټه یا زیان یې ویشي.

(۲) شریک : هغه شخص دی چې

- په شرکت کې ونډه ولري .
- (۳) د شراکت اساسنامه: د قواعدو ټولګه ده چې شریکانو هغه منلي او پر بنسټ یې شرکت اداره کوي .
- (۴) تضامني شرکت : هغه شرکت دی چې له شریکانو څخه هر یو په انفرادي یا ټولیزه توګه د شرکت د ټولو پورونو او د یونو په ورکړه مکلف دي .
- (۵) ګډ تضامني شرکت : هغه شرکت دی چې یو یا څو شریکان پکې د شرکت د پورونو او دیونو په نسبت د تضامني او غیر محدود مسئولیت لرونکي وي او پاتې شریکان ، په شرکت کې د هغوی د ونډې تر اندازې پورې د محدود مسئولیت لرونکي وي .
- (۶) محدودالمسئولیت شرکت : هغه شرکت دی چې شریکان پکې منفرداً د شرکت د پورونو او دیونو په نسبت مسئول نه وي او د هر شرکت سهم داشته باشد.
- (۳) اساسنامه شراکت : مجموع قواعدیست که شرکا آنرا قبول نموده و باساس آن شرکت را اداره می نمایند.
- (۴) شرکت تضامنی: شرکتی است که هر یک از شرکا طور انفرادی یا دسته جمعی مکلف به تادیه تمام قروض و دیون شرکت می باشند.
- (۵) شرکت تضامنی مختلط: شرکتی است که در آن یک یا چند شریک نسبت به قروض و دیون شرکت دارای مسئولیت تضامنی و غیر محدود بوده و متباقی شرکا دارای مسئولیت محدود باندازه سهم شان در شرکت می باشند.
- (۶) شرکت محدودالمسئولیت: شرکتی است که در آن شرکا منفرداً نسبت به قروض و دیون شرکت مسئول نبوده و

مسئولیت هر شریک محدود باندازه سهم وی در شرکت می باشد.

(۷) شرکت سهامی: شرکتی است که سرمایه آن معین و منقسم به اسهام بوده و اندازه مسئولیت هر شریک به اندازه سهم آن محدود باشد.

احکام قابل تطبیق بالای شرکت های محدودالمسئولیت و تضامنی مختلط

ماده سی و دوم:

(۱) شرکت محدودالمسئولیت تابع احکام قابل تطبیق این قانون در مورد شرکتهای سهامی می باشد. به منظور این قانون، شرکای همچو شرکت، سهامداران و توزیع مفاد آن، مفاد سهم پنداشته می شود.

(۲) شرکت تضامنی مختلط تابع احکام قابل تطبیق این قانون در مورد شرکت های تضامنی می باشد.

شریک مسئولیت په شرکت کې د هغه د ونډې تر اندازې پورې محدودوی .

(۷) سهامی شرکت: هغه شرکت دی چې پانگه یې ټاکلې او په ونډو وېشل شوې وي او د هر شریک د مسئولیت اندازه د هغه د ونډې تر اندازې پورې محدوده وي .

پر محدودالمسئولیت او تضامنی مختلطو شرکتونو باندي د تطبیق وړ حکومونه

دوه دېرشمه ماده :

(۱) محدودالمسئولیت شرکت، د سهامی شرکتونو په هکله ددې قانون د تطبیق وړ حکمونو تابع دی. د دې قانون په منظور، د دغه ډول شرکت شریکان ، ونډه لرونکي او د گټې وېش نې ، د ونډې گټه گنل کېږي .

(۲) تضامنی مختلط شرکت، د تضامنی شرکتونو په هکله د دې قانون د تطبیق وړ حکمونو تابع دی.

د تضامني شرکت مالیات

دري دبرشمه ماده :

تضامني شرکت د حکمي شخصیت په توگه پدې قانون کې درج پر عایداتو باندې د مالیاتو تابع ندی . شریکان د حقيقي اشخاصو په توگه په انفرادي ډول پر عایداتو باندې د مالیاتو تابع دي .

د تضامني شرکت عایدات د شریکانو د انفرادي عایداتو په صورت چې د هغو هر یو مکلف دی د شرکت له عایداتو څخه خپله ونډه په خپلو د ماليې وړ عوایدو کې داخله کړي ، پر عایداتو باندې د مالیاتو د ورکړې تابع دي .

دنگه (خالصو) عوایدو ټاکل

څلور دبرشمه ماده :

تضامني شرکت مکلف دی هر کال ټولو ترلاسه شوو مبالغو ، اړوندو لگښتونو او ورکړو (تأدیاتو) څخه رپوټ ورکړي او خپل خالص عواید په انفرادي توگه وټاکي .

مالیات شرکت تضامني

ماده سی و سوم:

شرکت تضامني منحیث شخصیت حکمي تابع مالیات بر عایدات مندرج این قانون نمی باشد. شرکا منحیث اشخاص حقيقي طور انفرادی تابع مالیات بر عایدات می باشند.

عایدات شرکت تضامني بصورت عایدات انفرادی شرکا که هر یک آن مکلف است سهم خود را از عایدات شرکت در عواید قابل مالیه خود داخل نماید، تابع پرداخت مالیات بر عایدات می باشد.

تعیین عواید خالص

ماده سی و چهارم:

شرکت تضامني مکلف است، سالانه از تمام مبالغ حاصله، مصارف و تأدیات مربوط راپور داده و عواید خالص خود را طور انفرادی تعیین نماید.

شرکت مکلف است به صورت جداگانه از سهم هر شریک در موارد ذیل گزارش دهد:

- ۱ - مفاد خالص یا زیان خالص.
- ۲ - مفاد یا زیان از درک فروش یا تبادل اموال و ملکیت منقول و غیر منقول.
- ۳ - معاش، تکت پولی، مفاد سهم، پیشگی و امثال آن.

تقسیم مبالغ حاصله

ماده سی و پنجم:

مبالغ حاصله، مصارف و مفاد خالص شرکت تضامنی چنین پنداشته می شود که طبق شرایط مندرج اساسنامه مربوط، توسط شرکا تقسیم گردیده است.

فصل پنجم

قواعد محاسبه

ترتیب و نگهداری اسناد

ماده سی و ششم:

اشخاص حقیقی و حکمی دارای

شرکت مکلف دی په جلا ډول د هر شریک له ونډې څخه په لاندې مواردو کې رپوټ ورکړي :

- ۱- خالصه گټه یا خالص زیان .
- ۲- د مالونو او منقول او غیر منقول ملکیت د پلورنې یا تبادلې له درکه گټه یا زیان.
- ۳- معاش ، تکت پولی ، د ونډې گټه ، پیشگی او هغو ته ورته .

د ترلاسه شوو مبالغو وېش

پنځه دېرشمه ماده :

دتضامني شرکت ترلاسه شوي مبالغ، لگښتونه اوخالصه گټه داسې گڼل کېږي چې په اړونده اساسنامه کې ددرج شوو شرایطومطابق، د شریکانو په واسطه ویشل شوي دي.

پنځم فصل

د محاسبې قواعد

د سندونو ترتیبول او ساتنه

شپږ دېرشمه ماده :

د مالې وړ عوایدو لرونکي حقیقي

عواید قابل مالیه مکلف اند، تمام اسناد و دفاتر و صورت حساب معاملات اموال منقول و غیر منقول و عواید خود را در سال مالی مربوط ترتیب و نگهداری نموده، در صورت مطالبه به دسترس مؤظفین مربوط وزارت مالیه قرار دهند.

طریقه بعدی محاسبه

ماده سی و هفتم:

شرکتهای سهامی و محدود المسئولیت مکلف اند عواید خود را توسط طریقه بعدی محاسبه که عواید و مصارف را وقتیکه قابل تادیه می شود، در نظر می گیرد، تثبیت نمایند.

طریقه نقدی محاسبه

ماده سی و هشتم:

مالیه دهنده مکلف است، عواید قابل مالیه خود را طبق طریقه نقدی محاسبه حینیکه تادیه عواید و مصارف صورت می گیرد، تثبیت

او حکمی اشخاص مکلف دی د خپلو منقولو او غیر منقولو مالونو او عوایدو ټول سندونه او دفترونه او د معاملو صورت حساب په اړوند مالي کال کې ترتیب او وساتي او د غوښتنې په صورت کې یې د مالیې وزارت د اړوندو مؤظفینو په واک کې ور کړي .

د محاسبې وروستی طریقه

اووه دېرشمه ماده :

سهامي او محدودالمسئولیت شرکتونه مکلف دي خپل عواید د محاسبې د وروستی طریقی په واسطه چې عواید او لگښتونه کله چې د ورکړې وړ ګرځي، په پام کې نیسي، تثبیت کړي .

د محاسبې نقدی طریقه

اته دېرشمه ماده :

مالیه ورکوونکی مکلف دی، خپل د مالیې وړ عواید د محاسبې د نقدی طریقی مطابق، هغه وخت چې د عوایدو او لگښتونو ورکړه صورت

نماید. مالیه دهنده می تواند به موافقه وزارت مالیه جهت تثبیت عواید خود طریقه بعدی را نیز تعیین نماید. شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت از این امر مستثنی بوده، وضع استهلاکات مطابق تعلیماتنامه مالیات بر عایدات صورت می گیرد.

شکل و محتوای اسناد و

دفاتر

ماده سی و نهم:

وزارت مالیه، به منظور اداره سالم مالیات بر عایدات، تثبیت عواید واقعی و ارائه راپور درست از آن، شکل و محتوای اسناد و دفاتر مالیات دهنده را تثبیت نماید.

مومی، تثبیت کری. مالیه ورکونکی کولای شی دمالی وزارت په موافقه د خپلو عوایدو د تثبیت لپاره وروستی طریقه هم وټاکي. سهامی او محدودالمسئولیت شرکتونه لدې امر څخه مستثنی دي، د استهلاکاتو وضع پر عایداتو باندي د مالیاتو د تعلیماتنامې مطابق صورت مومي .

د سندونو او دفترونو ډول او

محتوي

نهمه دېرشمه ماده :

د مالی وزارت کولای شي پر عایداتو باندي د مالیاتو د سالمې ادارې، د واقعي عوایدو د تثبیت او له هغو څخه د سم رپورت د وړاندي کولو په منظور، د مالیاتو ورکونکي د سندونو او دفترونو ډول او محتوي تثبیت کری .

د کال آخره موجودي

څلورېنتمه ماده :

اجناس ، محصولات او هغه مواد چې په کار او سوداګرۍ کې تر ګټې اخستنې لاندې نیول کېږي ، د هر مالي کال په آخر کې موجودي کېږي او بیه اېښودنه یې د تمامې شوې بېي یا د بازار د بېي (هره یوه چې لږ وي) پر بنسټ صورت مومي . هغه مالیه ورکونکي چې په صنایعو ، سوداګرۍ یا په نورو کارونو بوخت وي، مکلف دی د خپلو اجناسو ، محصولاتو او اړوندو موادو موجودي د مالې وزارت د ترتیب شوې کړنلارې مطابق اجراء کړي .

د سوداګریزو دوو یا زیاتو

مؤسسو د عوایدو تثبیت

یو څلورېنتمه ماده :

په هغه صورت کې چې دوه یا زیاتې سوداګریزې مؤسسې یا اقتصادي

موجودی اخیر سال

ماده څهلم :

اجناس، محصولات و موادیکه در کار و تجارت مورد استفاده قرار می گیرد، در اخیر هر سال مالی موجودی گردیده و قیمت گذاری آن به اساس قیمت تمام شد یا قیمت بازار (هر یک که کمتر است) صورت می گیرد. مالیه دهنده ایکه در صنایع، تجارت یا سائر کارها مصروف بوده مکلف است موجودی اجناس، محصولات و مواد مربوط شانرا طبق طرزالعمل مرتبه وزارت مالیه اجراء نماید.

تثبیت عواید دو یا بیشتر

مؤسسات تجارتي

ماده څهلم ویکم :

در صورتیکه دو یا بیشتر مؤسسات تجارتي یا فعالیت های اقتصادی،

طور مستقیم یا غیر مستقیم ملکیت عین اشخاص حقیقی یا حکمی بوده یا تحت تصرف آنها قرار داشته باشد، وزارت مالیه می تواند، به مقصد معلوم نمودن عواید قابل مالیه و جلوگیری از فرار آن، مبلغ حاصله، کسرات، اعتبارات یا مجرائی ها را بین آنها تقسیم و توزیع نماید.

فصل ششم

احکام خاص در مورد شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت

مجرائی زیان عملیاتی

مادهٔ چهل و دوم:

(۱) در صورتیکه شرکت سهامی یا شرکت محدودالمسئولیت در یک سال مالی زیان خالص عملیاتی داشته باشد، این زیان از عواید قابل مالیه اش در خلال سه سال بعدی و هر سال

فعالیتونه، به مستقیمه یا غیرمستقیمه توگه دعین حقیقی یا حکمی اشخاصو ملکیت وی یایی تر تصرف لاندې وی، د مالیې وزارت کولای شي، د مالیې وړ عوایدو د معلومولو اوله تېښتې (فرار) څخه یې دمخنیوې په مقصد، ترلاسه شوی مبلغ، کسرات، اعتبارات یا مجرائی گانې دهغو ترمنځ تقسیم اوو وېشي.

شپږم فصل

د سهامی او محدود-

المسئولیت شرکتونو په

هکله خاص حکمونه

د عملیاتی زیان مجرائی

دوه څلورېننتمه ماده :

(۱) په هغه صورت کې چې سهامی شرکت یا محدودالمسئولیت شرکت په یوه مالی کال کې عملیاتی خالص زیان ولري، دغه زیان په دريو راوړسته کلونو کې او هر کال د زیان درېیمه (ثلث)

ثلث زیان آن مجرائی داده می شود. حکم مندرج فقره (۴) ماده چهل و هفتم این قانون از این امر مستثنی است.

(۲) هرگاه شرکت مقیم کشور به منظور حصول عواید از منبع ای که خارج از افغانستان فعالیت دارد، عواید قابل مالیه خود را مطابق حکم مندرج ماده دوازدهم این قانون یا خساره خالص عملیاتی مندرج فقره (۱) این ماده را با نظر داشت فعالیت های که به منظور تولید عواید از یک منبع در داخل افغانستان و فعالیت های آن که به منظور تولید عواید از یک منبع در خارج افغانستان می باشد، به طور جداگانه ثبت و ارائه نماید، زیان خالص عملیاتی از فعالیت های که

برخه دهغه له مالیې وړ عوایدو څخه مجرائي ورکول کېږي . د دې قانون د ۱ ووه څلویښتمې مادې په (۴) فقره کې درج شوی حکم لدې امر څخه مستثنی دی .

(۲) که چېرې په هېواد کې مېشت شرکت له هغې سرچینې څخه چې له افغانستان څخه بهر فعالیت لري د عوایدو د ترلاسه کولو په منظور ، خپل د مالیې وړ عواید د دې قانون په دوو لسمه ماده کې د درج شوي حکم مطابق یا د دې مادې په (۱) فقره کې درج شوی عملیاتي خالص زیان د هغو فعالیتونو له په پام کې نیولو سره چې په افغانستان کې دننه له یوې سرچینې څخه د عوایدو د تولید په منظور او دهغه فعالیتونه چې له افغانستان څخه په بهر کې د عوایدو د تولید په منظور وي ، په جلا توگه ثبت او وړاندې کړي ، له هغو فعالیتونو څخه عملیاتي خالص زیان چې له افغانستان څخه په بهر

در منبع خارج از افغانستان عاید می گردد، از همان عواید منبع خارجی قابل کسر بوده و انتقال می یابد. زیان متذکره از عواید قابل مالیه که منبع آن در داخل افغانستان می باشد، قابل کسر نیست.

توزیع دارائی های شرکت به

سهمداران

مادهٔ چهل و سوم:

توزیع دارائی های شرکت سهامی یا محدودالمسئولیت به سهمداران یا شرکای شرکت توسط سهمدار یا شریک به حیث تنقیص در قیمت تمام شد سهم یا تنقیص در سرمایه اش پنداشته می شود. مفاد سهم و سهم وقت انحلال از این امر مستثنی است.

توزیع دارائی ها حین انحلال

شرکت

ماده چهل و چهارم:

توزیع دارائی ها حین انحلال

سرچینه کې رامنځته کېږي، د هماغې بهرنۍ سرچینې له عوایدو څخه دکسر وړ دی اولېږدول کېږي. نوموړی زیان له هغو مالیه وړ عوایدو څخه چې سرچینه یې په افغانستان کې وي، دکسر وړ ندی .

ونډو لرونکو ته د شرکت د

شتمنیو وېشل

دري څلورېنښتمه ماده :

د ونډه لرونکي یا شریک په واسطه د شرکت ونډو لرونکو یا شریکانو ته دسهامی یا محدودالمسئولیت شرکت د شتمنیو وېش د ونډې د تمامی شوي بېي د تنقیص یا بې په پانگه کې دتنقیص په توگه گڼل کېږي. د ونډې گټه او د انحلال د وخت ونډه لدې امر څخه مستثنی ده .

د شرکت د انحلال پر وخت

شتمنیو وېش

څلور څلورېنښتمه ماده :

د ونډه لرونکي یا شرکت په واسطه

شرکت سهامی یا محدودالمسئولیت توسط سهامدار یا شرکت مطابق مندرجات فصل سوم این قانون بحیث وجه فروش یا تبادلہ دارائی ها پنداشته می شود.

مبلغ یا سایر دارائی های توزیع شده باسناد نرخ روز، منفی قیمت تمام شد سهم سهامدار یا مبلغ سرمایه شرکت (که توزیع از آن صورت می گیرد) عبارت از عواید قابل مالیه سهامدار یا شریک می باشد.

توزیع دارائی های شرکت سهامی یا محدودالمسئولیت در صورت انحلال جزئی یا کلی به حیث مفاد یا زیان شرکت پنداشته نمی شود.

توزیع پول یا سایر دارائی ها

ماده چهل و پنجم:

پول یا سایر دارائی های که توسط شرکت سهامی یا محدودالمسئولیت از عواید

دسهامی یا محدودالمسئولیت شرکت انحلال په وخت کې د شتمنیو وپش، د دې قانون د درېیم فصل د مندرجاتو مطابق د شتمنیو د پلورنې یا تبادلې د وجهې په توگه گڼل کېږي .

مبلغ یا نورې وپشل شوې شتمنی د ورځې د نرخ پر بنسټ منفي د ونډه لرونکي د ونډې تمامه شوې بیه یا د شرکت د پانگې مبلغ (چې وپش له هغه څخه صورت مومي) ، د ونډه لرونکي یا شریک له مالیه وړ عوایدو څخه عبارت دي .

د جزئی یا کلی انحلال په صورت کې دسهامی یا محدودالمسئولیت شرکت د شتمنیو وپشل، د شرکت د گټې یا زیان په توگه نه گڼل کېږي .

د پیسو یا نورو شتمنیو وپش

پنځه څلوېښتمه ماده :

پیسې یا نورې هغه شتمنی چې د سهامی یا محدودالمسئولیت شرکت په واسطه له ترلاسه شوو عوایدو

حاصلہ بہ سهامداران یا شرکا
توزیع می گردد، مفاد سهم
پنداشته شده، شامل حالات ذیل
می باشد:

۱ - مفاد سهم تادیه شده به
پول توسط شرکت سهامی یا
محدودالمسئولیتی که مطابق
قوانین کشور ایجاد گردیده،
از عواید شرکتی که آنرا تادیه
می نماید، به استثنای حکم
جزء (۲) فقره (۲) ماده هجدهم
این قانون، قابل مجرائی
می باشد.

۲ - هرگاه مفاد سهم بصورت
اسناد سهم یا قرضه
و امثال آن تادیه گردد،
از عایدات شرکت سهامی یا
محدودالمسئولیت قابل وضع
نمی باشد.

۳ - مفاد سهمیکه بشکل
پول تادیه می شود، حین
حصول، عایدات قابل

خنه ونده لرونکو یا شریکانو ته
وبشل کبری، د ونهې گتبه
گنل کبری، لاندې حالات پکې
شامل دي:

۱- دهغه سهامی یا محدودالمسئولیت
شرکت په واسطه چې د هېواد د
قوانینو مطابق جوړ شوی له ترلاسه
شوو عوایدو خنخه په پیسو باندي د
ورکړل شوې ونهې گتبه، دهغه
شرکت له عوایدو خنخه چې ورکوي
پې، د دې قانون د اتلسمې مادې د
(۲) فقرې د (۲) جزء په استثنی، د
مجرائی وړ ده.

۲- که چېرې د ونهې گتبه، د
ونهې یا پور یا هغو ته د ورته
سندونو په ډول ورکړل شي، د
سهامی یا محدودالمسئولیت شرکت
له عایداتو خنخه د وضع کولو
وړنده.

۳- د هغې ونهې گتبه چې د پیسو
په ډول ورکول کېږي، د ترلاسه
کېدو په وخت کې، د ترلاسه

مالیه حاصل کنندہ محسوب می گردد. مفاد سهمیکه بشکل اسناد سهم قرضه و امثال آن تادیه می گردد، حین حصول، بحیث عواید قابل مالیه حاصل کنندہ محسوب نمی شود.

وضع نمودن مالیه

ماده چهل و ششم:

(۱) اشخاص حکمی انتفاعی یا غیر انتفاعی ایکه مطابق قوانین کشور ایجاد شده باشند، مکلف به وضع مالیات بر عایدات بطور ذیل می باشند:

۱ - وضع مالیه از معاشات و دستمزد های کارکنان مربوط مطابق احکام این قانون.

۲ - وضع بیست فیصد مالیه از عواید تکت پولی، مفاد سهم، حق الامتیاز، جوایز، مکافات، عواید از درک قرعه و بخششی ها، حق الخدمت، مطابق

کرونیکی د مالیه و عایداتو په توگه گنل کېږي. د ونډې هغه گټه چې د پور د ونډو د سندونو یا هغو ته د ورته په ډول ورکول کېږي، د ترلاسه کېدو په وخت کې، د ترلاسه کوونکي د مالیه وړ عوایدو په توگه نه گنل کېږي.

د مالیه وضع کول

شپږ څلوېښتمه ماده:

(۱) هغه انتفاعی یا غیر انتفاعی حکمی اشخاص چې د هېواد د قوانینو مطابق جوړ شوي وي، په لاندې توگه پر عایداتو باندې د مالیاتو په وضع کولو مکلف دي:

۱ - د دې قانون د حکمونو مطابق د اړوندو کارکوونکو له معاشونو او مزدوریو څخه د مالیه وضع کول.

۲ - د دې قانون د حکمونو مطابق له تکت پولی، د ونډې له گټې، حق الامتیاز، جایزو، مکافاتو، د قرعی او بخشیشي گانو، له درکه عوایدو حق الخدمت څخه په

- سلو کي د شلو ماليې وضع کول .
- (۲) په دې ماده کې درج وضع شوې ماليه د راتلونکې مياشتې تر لسمې نېټې پورې دولت ته ورکول کېږي .
- (۳) حکمي اشخاص چې د دې قانون د حکمونو مطابق له معاشونو او مزدوريو څخه د ماليې وضع کول اجراء کوي ، مکلف دي د مالي کال په تېرېدو سره د راتلونکې کال د لومړۍ مياشتې په ترڅ کې هغو اشخاصو ته چې ماليه يې له معاش او مزد څخه وضع شوېده ، په هغه ترتيب سره چې د ماليې وزارت يې تجويز وي، د ماليې د وضع کولو ، د معاش د اندازې او په نورو مواردو کې له جزئياتو څخه په ليکلي توگه خبر ورکړي .
- (۴) هغه شخص چې ماليه وضع کوي ، مکلف دی د مياشتنيو ورکړو (تأدياتو) او د ماليې د وضع کولو جزئيات د ماليې وزارت ته د راتلونکې مياشتې تر لسمې نېټې
- احکام اين قانون .
- (۲) ماليه وضع شده مندرج اين ماده الی تاریخ دهم ماه بعد به دولت تاديه می گردد .
- (۳) اشخاص حکمی که وضع ماليه از معاشات و دستمزد ها را مطابق احکام قانون اجرا می نمایند، مکلف اند با گذشت سال مالی در خلال ماه اول سال بعد به اشخاصی که ماليه از معاش و مزد شان وضع گردیده، به ترتیبی که وزارت ماليه تجويز می نماید جزئيات را در مورد وضع ماليه، اندازه معاش و ساير موارد ديگر، کتباً اطلاع دهند .
- (۴) شخصی که ماليه را وضع می نماید، مکلف است جزئيات تاديات و ماليه وضع شده ماهانه را به وزارت ماليه الی تاریخ دهم ماه بعد

به ترتیبی که وزارت مالیه تجویز می نماید، گزارش دهد.

(۵) هرگاه مقدار صحیح مالیه از یک منبع مطابق به احکام این قانون وضع گردیده باشد، طوری پنداشته می شود که مالیات بر عایدات کاملاً رفع گردیده است.

(۶) اشخاص حقیقی ای که عواید بیشتر از یک منبع داشته باشد، مکلف به خانه پری و ارائه اظهارنامه بوده، مالیه آن طبق احکام این قانون سنجش گردیده و مبلغ وضع شده قبلی از مالیات، قابل مجرائی دانسته می شود.

مجرائی استهلاک و زیان

ماده چهل و هفتم:

(۱) تشبثات منظور شده که مطابق احکام قانون سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی ثبت و

پورې په هغه ترتیب سره چې د مالیې وزارت یې تجویز وي ، رپوټ ورکړي .

(۵) که چېرې له یوې سرچینې څخه د مالیې صحیح مقدار د دې قانون د حکمونو مطابق وضع شوی وي ، داسې گڼل کېږي چې پر عایداتو باندې مالیات بشپړ رفع شوي دي .

(۶) هغه حقیقی اشخاص چې له یوې څخه له زیاتو سرچینو څخه عواید ولري ، د اظهار لیک په ډکولو او وړاندې کولو مکلف دي، مالیه یې د دې قانون د حکمونو مطابق سنجول کېږي او د مخه وضع شوي مبلغ له مالیاتو څخه د مجرائی وړ گڼل کېږي .

د استهلاک او زیان مجرائی

اووه څلوېښتمه ماده :

(۱) هغه منظور شوي تشبثات چې د کورنۍ او بهرنۍ خصوصي پانگې اچونې د قانون د حکمونو مطابق

راجستر شده باشند ، از تاریخ اول سرطان سال ۱۳۸۳ حسب آتی مستحق مجرای استهلاک تعمیرات و تجهیزات پنداشته می شوند. حکم مندرج جزء (۷) فقره (۱) ماده هجدهم از این امر مستثنی است:

۱- برای تعمیر، مدت چهار سال.

۲- برای تجهیزات، مدت دو سال.

(۲) استهلاک مجاز تعمیرات و تجهیزات در هر سال مالی به صورت مساویانه سنجش و مجرائی داده می شود. هر گاه سرمایه ثابت تشبث در مدت کمتر از نصف سال مالی در اختیار وی قرار داشته باشد، از نصف مجرائی استهلاک سالانه در همان سال مستفید می گردد، در صورتی که سرمایه ثابت بیشتر از شش ماه در اختیار وی قرار داشته باشد،

ثبت اوراجستر شوي وي، د ۱۳۸۳ کال د چنگابن له لومړۍ نېټې څخه په لاندې ډول د ودانیو او تجهیزاتو د استهلاک د مجرائي مستحق گڼل کېږي . د اتلسمې مادې د (۱) فقرې په (۷) جزء کې درج شوی حکم لدې امر څخه مستثنی دی :

۱- د ودانی لپاره، څلور کاله موده .

۲- د تجهیزاتو لپاره، دوه کاله موده.

(۲) د ودانیو او تجهیزاتو مجاز استهلاک په هر مالي کال کې په مساویانه توگه سنجش او مجراء ورکول کېږي. که چېرې د تشبث ثابت پانگه، دمالي کال له نیمایي څخه کمه موده د هغه په واک کې وي، په هماغه کال کې دکلني استهلاک له نیمائې مجرائي څخه گټه اخستی شي او په هغه صورت کې چې ثابت پانگه له شپږو میاشتو څخه زیات دهغه په واک کې پاتې شي داستهلاک له

از مجرائی کامل استهلاك در همان سال مستفيد می شود. (۳) تشبثات منظور شده که در طول سال مالی مواجه به زیان خالص عملیاتی گردیده باشند، به ملاحظه دفتر و اسناد قانونی به استثنای تشبثات مندرج ماده چهل و دوم این قانون از اول سرطان سال ۱۳۸۳ در هر سال بعدی الی رفع کامل زیان وارده، از عواید قابل مالیه شان مجرای قابل حاصل می نمایند. محاسبه زیان وارده تشبثات های منظور شده، مطابق حکم مندرج ماده چهل و دوم این قانون صورت می گیرد. مصارف استهلاكات مندرج این قانون و سایر مصارف مربوط به میعاد معافیت مالیاتی و مصارف میعاد قبل از منظوری

بشپری مجرای خحه به هماغه کامل کی برخن کبری. (۳) هغه منظور شوي تشبثات چې د مالي کال په اوږدو کې له عملیاتي خالص زیان سره مخامخ شوي وي، د قانوني دفتر او سندونو په کتنې سره، د دې قانون په دوه څلویښتمه ماده کې د درج شوو تشبثاتو په استثنای د ۱۳۸۳ کال د چنگاښ له لومړۍ څخه په هر را وروسته کال کې د رامنځته شوي زیان تر بشپړ رفع کېدو پورې، له خپلو مالي وړ عوایدو څخه مجرای ترلاسه کوي. د منظورو شوو تشبثونو د وارده زیان محاسبه د دې قانون په دوه څلویښتمه ماده کې د درج شوي حکم مطابق صورت مومي. پدې قانون کې د درج شوي استهلاك لگښتونه او د مالیاتي معافیت په میعاد (مودې) پورې اړوند نور لگښتونه او له منظوری د مخه میعاد لگښتونه،

د عملیاتی خالص زیان په محاسبه کې نه شاملېږي. کي نه شاملېږي.

د عملیاتی خالص زیان په محاسبه کې نه شاملېږي.

فصل هفتم

اووم فصل

مالیات شرکت های بیمه

د بیمې د شرکتونو مالیات

احکام قابل تطبیق در مورد

د بیمې د شرکتونو په هکله د

شرکت های بیمه

تطبیق وړ حکمونه

ماده ۴۰ و هشتم:

اته څلورېنیمه ماده :

احکام مندرج مواد این فصل در مورد شرکت های بیمه قابل تطبیق می باشد، مشروط بر اینکه حاوی شرایط ذیل باشند:

ددې فصل په موادو کې درج شوي حکمونه د بیمې د شرکتونو په هکله د تطبیق وړ دي ، پدې شرط چې د لاندې شرطونو لرونکي وي :

۱ - مطابق قوانین افغانستان بشکل شرکت های سهامی تأسیس شده باشد.

۱- د افغانستان د قوانینو مطابق د سهامی شرکتونو په ډول جوړ شوي وي .

۲ - فعالیت شرکت، بیشتر از یک ساحه بیمه، مانند بیمه حادثات و زیان، بیمه حیات و سائر فعالیت های بیموی را در بر داشته باشد.

۲- د شرکت فعالیت، د بیمې له یوې ساحې څخه زیات لکه د پېښو او زیان بیمه ، د ژوند بیمه او نورو بیموي فعالیتونو په شان په بر کې ولري .

۳ - برای هر ساحه بیمه و سائر

۳- د خپلې بیمې د هرې ساحې او

فعالیت‌های خود دارای محاسبه و ذخایر جداگانه باشد.

عوايد تابع ماليات بر عايدات

شرکت های بیمه

مادهٔ چهل و نهم:

عوايد ذیل شرکت‌های بیمه، تابع مالیات بر عایدات می باشد:

۱ - عوايد تکت پولی، مفاد سهم، کرایه و سائر عوايدیکه از سرمایه گذاری و ملکیت بدست می آید.

۲ - عوايد حاصله از فعالیت‌های غیر بیمه.

۳ - عوايد حاصله از حق بیمه در مقابل حریق، سرقت، حادثات مریضی، خسارات یا زیانیکه بیمه آن برای یک مدت معین بوده و بیمه شونده نتواند بعد از انقضای میعاد آن ادعای پولی نماید.

فعالیت‌نو لپاره د جلا محاسبی او زېرمې لرونکي وي .

د بیمې د شرکتونو پر عايداتو

باندي د مالیاتو تابع عوايد

نهه څلوېښتمه ماده :

د بیمې د شرکتونو لاندې عوايد پر عایداتو باندي د مالیاتو تابع دي :

۱- د تکت پولی، د ونډې د کتې، د کرایې عوايد او نور هغه عوايد چې له پانګونې او ملکیت څخه لاسته راځي .

۲- له غیر بیمې فعالیتونو څخه ترلاسه شوي عوايد .

۳- د حریق، غلا، د ناروغۍ د پېښو، زیانونو یا هغه زیان په مقابل کې د بیمې له حق څخه ترلاسه شوي عوايد چې بیمه ئې د یوې ټاکلې مودې لپاره وي او بیمه کېدونکی ونه کړای شي د هغې د مودې له تېریدو وروسته پولې ادعا وکړي.

۴ - عواید حاصله معاملات
سرمايو.

معافیت مالیاتی بیمه شدگان

ماده پنجاهم:

حق بیمه که به موجب عقد
قرار داد تحریری اخذ
شده و تادیه نهائی مفاد مشخص را
به بیمه شدگان یا اشخاص منتفع
شان ایجاب نماید، از مالیات بر
عایدات معاف اند.

تادیات غیر قابل مجرائی

شرکت های بیمه

ماده پنجاه و یکم:

مصارف و تادیات ذیل
مربوط به بیمه که حق بیمه آن
مطابق حکم مندرج ماده
پنجاهم این قانون از مالیات
معاف است، قابل مجرائی
نمی باشد:

۱ - کمیشن و سائر مصارف
صدر بیمه.

۴ - له پانگه ایزو معاملو خخه
ترلاسه شوي عواید .

د بیمه شوو مالیاتی معافیت

پنخوسمه ماده :

د بیمې هغه حق چې د لیکلي
قرار داد د عقد په موجب اخستل
شوی او بیمه شوو یا د هغو منتفعو
اشخاصوته د مشخصې گټې وروستی.
ورکړه ایجاب کړي ، پر عایداتو
باندي له مالیاتو خخه معاف دی .

د بیمې د شرکتونو د نه مجرائی

وړ وړکړې

یو پنخوسمه ماده :

په بیمې پورې اړوند لاندې لگښتونه
او وړکړې چې د بیمې حق یې د
دې قانون په پنخوسمه ماده کې د
درج شوي حکم مطابق له مالیاتو
خخه معاف دي ، د مجرائی
وړ ندي:

۱ - د بیمې د صادرېدو کمیشن او
نور لگښتونه .

۲ - تادیه منافع بیمه به مشترکین یا اشخاص ذینفع آن.

تادیات قابل مجرائی

شرکت های بیمه

ماده پنجاه و دوم:

(۱) مصارف و تادیات ذیل شرکتهای بیمه از عواید شان قابل مجرائی است:

۱ - مبلغ تادیه شده ناشی از بیمه که حق بیمه از درک آن تابع مالیات باشد.

۲ - کمیشن و سائر مصارف صدور که حق بیمه از درک آن تابع مالیات باشد.

۳ - مصارف بیمه مجدد که حق بیمه از درک آن تابع مالیات باشد.

۴ - افزودی به ذخایر غرض جبران خساره ادعا ها، مشروط بر اینکه چنان ذخایر از صد فیصد حق بیمه حمل و نقل و پنجاه فیصد

۲ - مشترکینو یا نورو ذینفعو اشخاصو ته بی بیمی دکتو ورکړه.

د بیمی د شرکتونو د مجرائی

وړ ورکړې

دوه پنخوسمه ماده :

(۱) د بیمی د شرکتونو لاندې لگښتونه او ورکړې د هغو له عوایدو څخه د مجرائی وړ دي :

۱ - له هغې بیمې څخه را پیدا شوی ورکړل شوی مبلغ چې د بیمې حق دهغه له درکه د مالیاتو تابع وي .

۲ - کمیشن او د صادرېدو نورو لگښتونه چې د بیمې حق د هغو له درکه د مالیاتو تابع وي .

۳ - د بیا بیمې لگښتونه چې د بیمې حق د هغو له درکه د مالیې تابع وي.

۴ - د ادعاگانو د زیان د جبران په غرض په زېرمو کې زیاتوالی ، پدې شرط چې هغه ډول زېرمې د حمل او نقل د بیمې د حق له سل په سلو کې او د هغو زیانونو او پېښو د

حق بیمه سایر امکانات خساره و حادثات ايکه در ظرف سال مالی بدست آمده است، تجاوز نکند.

۵ - افزودی به ذخایر زیان عملیات بیمه ايکه حق بیمه مربوط به آن تابع مالیه باشد، مشروط براینکه این ذخایر از دوچند مبلغ سرمایه گذاری شده در ساحه بیمه متذکره تجاوز نکند.

۶ - سایر مصارف ضروری کار و عملیات مندرج فصل (۲) این قانون و مصارف مندرج ماده پنجاه و یکم این قانون از این امر مستثنی است.

(۲) انتقال یا تادیه از ذخایر مندرج اجزای (۴ و ۵) فقره (۱) این ماده عواید قابل مالیه را در سال مالی مربوط تشکیل می دهد. انتقال یا تادیه ناشی از ادعاها یا خسارات حقیقی یا تادیات

امکانات د بیمې د حق له پنځوس په سلو کې څخه چې د مالي کال په اوږدو کې لاسته راغلي ، تجاوز ونکړي.

۵- د هغې بیمې د عملیاتو د زیان په زېرمو زیاتېدل چې په هغې پورې د بیمې اړوند حق د مالیه تابع وي ، پدې شرط چې دغه زېرمې دنوموړې بیمې په ساحه کې د پانگې اچول شوي مبلغ له دوه چنده څخه تجاوز ونکړي.

۶- د دې قانون په دوه یم فصل کې درج شوي دکار او عملیاتو نور اړین لگښتونه او د دې قانون په یو پنځوسمه ماده کې درج شوي لگښتونه لدې امر څخه مستثنی دي.

(۲) ددې مادې د(۱) فقرې په (۴ او ۵) جز کې له درج شویو زېرمو څخه لېږدو نه یا ورکړه ، په اړوند مالي کال کې دمالیه وړعواید جوړوي. له ادعاگانو یا حقیقي زیانونو یا په پیسو باندي د ونډې له

مفاد سهم به پول، از این امر مستثنی است.

تثبیت عواید قابل مالیه شرکت

های خارجی بیمه

ماده پنجاه و سوم:

عواید ناشی از حق بیمه که توسط شرکت خارجی بیمه یا شرکت بیمه مجدد از داخل افغانستان بدست می آید، طور ذیل تابع پرداخت مالیات بر عایدات می باشد:

۱ - اندازه مبلغ حق بیمه ای که شرکت در خلال سال مالی از داخل کشور بدست می آورد، معلوم گردد.

۲ - اندازه مبلغ مجموعی حق بیمه ای که شرکت در خلال سال مالی از ممالک مختلف بدست آورده است، تعیین گردد.

۳ - اندازه عواید خالص شرکت ناشی از فعالیتهايش در سایر

گفتی خنجه را پیدا شوې لېږدونه او ورکړه له دې امر څخه مستثنې ده .

د بیمې د بهرنیو شرکتونو د

مالیې وړ عوایدو تثبیت

دري پنځوسمه ماده :

د بیمې له هغه حق خنجه را پیدا شوي عواید چې د بیمې د بهرنیو شرکت یا د بیا بیمې شرکت په واسطه د افغانستان له دننه څخه لاس ته راځي ، په لاندې توګه پر عایداتو باندې د مالیاتو تابع دي:

۱- د بیمې د هغه حق د مبلغ اندازه چې شرکت یې د مالي کال په ترڅ کې د هېواد له دننه څخه لاس ته راوړي ، معلومه شي.

۲- د بیمې دهغه حق د ټول مبلغ اندازه چې شرکت د مالي کال په ترڅ کې له مختلفو هېوادونو څخه لاس ته راوړي دي ، وټاکل شي.

۳- په نورو هېوادونو کې له خپلو فعالیتونو څخه د شرکت دخالصو عوایدو

کشور ها قبل از تادیه مالیات بر عایدات ومفاد سهم تثبیت گردد.

۴ - مبلغ معینه مندرج جز (۱) تقسیم مبلغ معینه مندرج جز (۲) ضرب مبلغ معینه مندرج جز (۳) این ماده عبارت از عواید قابل مالیه می باشد.

فصل هشتم

مالیه بانک ها، شرکت های

سهامی، قرضه و سرمایه

گذاری

مفاد تابع پرداخت مالیات

ماده پنجاه و چهارم:

عایدات بانکها، شرکتهای سهامی، قرضه و سرمایه گذاری از درک مفاد سهم، تکت پولی، تخفیف یا تنزیل، کرایه، حق الزحمه، فیس، کمیشن و مفاد از معاملات سرمایوی تابع پرداخت مالیات بر عایدات می باشد.

اندازه پر عایداتو باندي د مالیاتو اود ونهې دگتې له ورکړې دمخه، تثبیت شي.

۴- په (۱) جز کې درج شوي ټاکلی مبلغ په (۲) جز کې پر درج شوي ټاکلي مبلغ باندي تقسیم ، په (۳) جز کې له درج شوي ټاکلي مبلغ سره ضرب، د مالې له ور عوایدو څخه عبارت دي.

اتم فصل

د بانکونو ، سهامی

شرکتونو ، پور او پانگې

اچونې مالیه

د مالیاتو د ورکړې تابع گټه

څلور پنځوسمه ماده:

له پانگه ییزو معاملو څخه د ونهې د گټې، تکت پولی، تخفیف یا تنزیل، کرایې، فیس، کمیشن او گټې له درکه د بانکونو، سهامی شرکتونو د پور او پانگې اچونې عایدات ، پر عایداتو باندي د مالیاتو تابع دي.

د اړينو لگښتونو مجرائي

پنځه پنځوسمه ماده :

د دې قانون په څلور پنځوسمه ماده کې له درج شويو عوايدو څخه د کار اړين لگښتونه د مجرايي وړ دي .

د پانگه بيزو معاملو له درکه زيانونه او د پورونو او په پيسو باندې د ونډې د گټې د ورکړې له درکه د زيانونو په وړاندې پر زېرمې باندې زياتوالي هم د مجرايي وړ دي .

پر زېرمې باندې زياتوالي

شپږ پنځوسمه ماده :

د پورونو له درکه د زيانونو په وړاندې پر زېرمې باندې زياتوالي په هغه شرط د مجرايي وړ دي چې د مالي کال په پای کې د نه ورکړل شوو اصلو پورونو په سلو کې له پنځه ويشتو څخه تجاوز ونکړي. (له هغې پرته چې د زېرمې په موخه وي) له نوموړې زېرمې څخه هره لېږدېدنه يا ورکړې د هغه مالي

مجرائي مصارف ضروري

ماده پنجاه و پنجم:

مصارف ضروري کار از عوايد مندرج حکم ماده پنجاه و چهارم اين قانون قابل مجرائي می باشد.

خسارات از درک معاملات سرمايوي و افزودي به ذخيره در مقابل خسارات از درک قروض و تاديئه مفاد سهم به پول نیز قابل مجرائي می باشد.

افزودی به ذخیره

ماده پنجاه و ششم:

افزودی به ذخیره در مقابل خسارات از درک قروض به شرطی قابل مجرائي می باشد که از بیست و پنج فیصد اصل قروض تأديه نشده در اخير سال مالي تجاوز نکند. هر انتقال يا تاديات از ذخيره متذکره (باستثنای آنکه مطابق به هدف ذخيره باشد)

عایدات قابل مالیه سالی را که در آن انتقال یا تادیات صورت گرفته، تشکیل می دهد.

تزئید یا تنقیص در

ارزش

ماده پنجاه و هفتم:

تزئید یا تنقیص در ارزش اسناد سهم، قرضه وامثال آن منحیث دارائی طبق احکام این قانون تا زمانیکه از طریق فروش یا تبادل صورت واقعیست را بخود نگرفته باشد، مدار اعتبار نیست. زمانیکه مفاد یا زیان از طریق فروش و تبادل دارائی متذکره تحقق یابد این مفاد یا زیان عایدات و یا زیان سالی را تشکیل می دهد که در آن فروش و یا تبادل صورت گرفته است.

کال چې پکې لېږدېدني يا ورکړو صورت موندلی دی ، د مالې د ورکړې وړ عایدات جوړوي.

په ارزښت کې زیاتوالی یا

لېږوالی

اووه پنځوسمه ماده :

د شتمنی په توگه د ونډې ، پور او هغو ته د ورته سندونو په ارزښت کې زیاتوالی یا لېږوالی د دې قانون د حکمونو مطابق ، تر هغه وخته پورې چې د پلورنې یا تبادلې له لارې یې ځانته د واقعیت څېره نیولې نه وي ، د اعتبار وړ ندی . کله چې گټه یا زیان د نوموړې شتمنی د پلورنې یا تبادلې له لارې تحقق ومومي ، دغه گټه یا زیان دهغه کال عایدات یا زیان جوړ وي چې پکې پلورنې یا تبادلې صورت موندلی دی .

نهم فصل

د عایداتو له سرچینو څخه د

مالیاتو وضع کول

د ماليې وضع کول او لېږدول

اته پنځوسمه ماده :

هغه حقيقي او حکمي انتفاعي او غیر انتفاعي اشخاص چې د کارکوونکو شمېرې د کال په یوې میاشتې کې دوه تنه یا له هغو څخه زیات وي او ټول وزارتونه، تصدی، بناروالی او نورې دولتي ادارې مکلف دي د دې قانون په څلورمه ماده کې د درج شویو حکمونو له په پام کې نیولو سره، له ورکړې وړټولو معاشونو او مزدوریو څخه مالیه وضع او د دولت د عوایدو حساب ته یې ولېږدوي .

د کورونو او ودانیو مالیه

نهمه پنځوسمه ماده :

(۱) هغه کورونه او ودانی چې د سوداگریزو یا کاري

فصل نهم

وضع نمودن مالیات از منابع

عایدات

وضع و انتقال مالیه

ماده پنجاه و هشتم:

اشخاص حقيقي و حکمي انتفاعي و غیر انتفاعي ايکه تعداد کارکنان شان در یکی از ماه های سال دو نفر یا بیشتر از آن باشد و کلیه وزارت ها، تصدی ها، شاروالی ها و سایر ادارات دولتی مکلف اند از تمام معاشات و مردهای قابل تأدیبه با نظر داشت احکام مندرج ماده چهارم این قانون مالیه وضع و به حساب عواید دولت انتقال نمایند.

مالیه کرایه منازل و ساختمان ها

ماده پنجاه و نهم:

(۱) منازل و ساختمان های که به منظور انجام فعالیت های

تجارتی و یا دفاتر کاری به اشخاص حقیقی یا حکمی به کرایه داده می شود، از کرایه آن تابع پرداخت مالیات موضوعی قرار ذیل می باشند:

۱- در صورتیکه کرایه ماهوار آن از ده هزار افغانی الی یکصد هزار افغانی باشد، ده فیصد.

۲- در صورتیکه کرایه ماهوار بیشتر از یکصد هزار افغانی باشد، پانزده فیصد.

(۲) مستأجرین منازل و ساختمانهای مندرج فقره (۱) این ماده مکلف اند مالیه عواید را مطابق طرز العملی که توسط وزارت مالیه وضع می گردد، تأدیه نمایند.

(۳) مالیه مندرج این ماده که منحصتاً مسؤلیت مالیاتی مؤجر توسط مستأجر وضع می گردد، کرایه الی پنداشته

دفتر و نو د فعالیتونو د سرته رسولو په منظور، حقیقی یا حکمی اشخاصو ته په کرایه ورکول کېږي، په لاندې ډول د هغو له کرایې څخه د موضوعی مالیو د ورکړې تابع دي :

۱- که چېرې میاشتنی کرایه له لسو زرو افغانیو څخه تر سلو زرو افغانیو پورې وي، په سلو کې لس.

۲- که چېرې میاشتنی کرایه له سلو زرو افغانیو څخه زیاته وي، په سلو کې پنځلس.

(۲) ددې مادې په (۱) فقره کې د درج شوو کورونو او ودانیو مستأجرین مکلف دي د عوایدو مالیه د هغې کړنلارې مطابق چې د مالیې وزارت په واسطه وضع کېږي، ورکړي.

(۳) پدې ماده کې درج شوې مالیه چې د مؤجر د مالیاتي مسؤلیت په توګه د مستأجر په واسطه وضع کېږي، هغه کرایه ګڼل کېږي چې

می شود که به مؤجر تادیبه شده است. این مالیه پیش پرداخت مسؤلیت مالیاتی مؤجر محسوب و حین تادیبه مالیه مجرائی داده می شود. در صورت بروز منازعه میان مؤجر و مستأجر در رابطه به تادیبه کرایه، مستأجر می تواند سند مالیات وضع شده را منعیث سند تادیبه کرایه به مقامات مربوطه ارائه نماید.

(۴) تادیباتی که در بدل استفاده از جایداد حاصل می گردد، شامل انواع ذیل می باشد:

- انواع واحد پولی، اموال، خدمات و هر گونه نفعی که شخص یا اشخاص از طریق به کرایه دادن ملکیت بدست می آورند.
- مصارف ترمیمات و بازسازی که به مصرف مستأجر، در ملکیت صورت می گیرد.

مؤجر ته ورکړل شوې ده . دغه مالیه د مؤجر د مالیاتی مسؤلیت د دمخه ورکړه حسابېږي او د مالیه د ورکړې په وخت کې مجرایي ورکول کېږي . د کرایې د ورکړې په اړه د مؤجر او مستأجر ترمنځ د شخړې د رامنځته کېدو په صورت کې ، مستأجر کولای شي د وضع شوو مالیاتو سند د کرایې د ورکړې د سند په توګه اړوندو مقاماتو ته وړاندې کړي .

(۴) هغه ورکړې چې له جایداد څخه د ګټې اخستنې په بدل کې ترلاسه کېږي ، لاندې ډولونه پکې شامل دي:

- هر ډول پولی واحد ، مالونه ، خدمتونه او هر ډول ګټه چې شخص یا اشخاص یې د ملکیت د په کرایې ورکولو له لارې لاسته راوړي.
- د هغو ترمیماتو او بیاجوړونې لګښتونه چې د مستأجر په لګښت ، په ملکیت کې صورت مومي .

(۵) در صورتی که کرایه ملکیت کمتر از ارزش واقعی آن باشد، وزارت مالیه می تواند کرایه را مطابق نرخ روز توسط هیئت با صلاحیت تثبیت نماید.

(۶) دفاتر رهنمای معاملات مکلف اند یک کاپی از قرارداد منعقد ملکیت را حین عقد قرارداد به وزارت مالیه تسلیم نمایند، در صورت تأخیر یا تزویر در اسناد توسط رهنمای معاملات، وزارت مالیه به منظور رسیدگی، موضوع را رسماً به وزارت عدلیه خبر می دهد.

(۷) هر گاه ثابت گردد که کرایه، بیست فیصد کمتر از نرخ روز تثبیت گردیده، با نظر داشت حکم فقره (۵) این ماده، اجراءات صورت می گیرد.

در صورت اختلاف در مورد تثبیت کرایه،

(۵) به هغه صورت کپی چې د ملکیت کرایه د هغه له واقعي ارزښت څخه لږ وي، د ماليې وزارت کولای شي کرایه د ورځې د نرخ مطابق د واکمن هیئت په واسطه تثبیت کړي.

(۶) د معاملو د لارښوونې دفترونه مکلف دي د قرار داد د عقدولو په وخت کې د منعقد قرارداد یوه کاپي د ماليې وزارت ته ورکړي، د معاملو د لارښوونې لخوا د ځنډ یا په سندونو کې د تزویر په صورت کې، د ماليې وزارت د څېړنې په منظور، موضوع رسماً د عدليې وزارت ته خبر ورکوي.

(۷) که چېرې ثابت شي چې کرایه د ورځې له نرخ څخه په سلو کې شل لږ تثبیت شوې ده، د دې مادې د (۵) فقرې د حکم له په پام کې نیولو سره اجراءات صورت مومي.

د کرایي د تثبیت په هکله د اختلاف په صورت کې، مؤجر مکلف دی

مؤجر مکلف است ثابت نماید که نرخ تعیین شده از طرف وزارت مالیه صحت ندارد، این حکم زمانی قابل تطبیق پنداشته می شود که وزارت مالیه دلایل و اسنادی را بدست می آورد که مقدار کرایه مندرج قرار داد کمتر از آن است، که پرداخته می شود. در این صورت وزارت مالیه می تواند مؤجر را به پرداخت مجازات نقدی دو چند مبلغ ایکه در قرارداد کتمان شده است، مکلف نماید.

(۸) هر گاه مالیه قابل پرداخت، طی پانزده روز بعد از تاریخ معینه تأدیه نگردد، اجراءات ذیل صورت می گیرد:

۱- انتقال حق شخص مؤجر در

ثابته کپی چي د مالي وزارت لخوا تاکل شوی نرخ صحت نه لري ، دغه حکم هغه وخت د تطبیق ور گنل کپري چي د مالي وزارت داسي دلایل او سندونه لاسته راورپي چي په قرار داد کي د درج شوې کرایي مقدار له هغه څه څخه لږ دی چي ورکول کپري. پدي صورت کي د مالي وزارت کولای شي مؤجر دهغه مبلغ په دوه چنده چي په قرارداد کي پت شوی دی، د نغدي مجازاتو په ورکړه مکلف کړي.

(۸) که چېرې د ورکړې وړ مالیه له تاکلي نېټې وروسته په پنځلسو ورځو کي ورنکړل شي ، لاندې اجراءات صورت مومي:

۱- له جايداد څخه د گټې اخستني

یک توافقنامه کرایه یا قرارداد های مشابه آن، جهت حصول پول در بدل استفاده از جایداد طوری عملی می گردد که حق فوق الذکر بعد از یادداشت تحریری وزارت مالیه به صفت نماینده دولت مؤقتاً به وزارت مالیه منتقل گردد.

۲- هر گاه مستأجر، مالیه قابل تأدیبه را در خلال (۳۰) روز بعد از دریافت یادداشت وزارت مالیه تحویل ننماید، حق مؤجر در قرارداد کرایه و یا قرارداد های مشابه به آن، جهت اخراج کرایه نشین نسبت عدم پرداخت کرایه طوری عملی می گردد که حق مذکور به وزارت مالیه منحیث نماینده دولت منتقل گردد. این حالت تا زمانی باقی می ماند که وزارت مالیه عواید ناشی از کرایه وهرمالیه اضافی قابل تادیبه

به بدل کې د پیسو د ترلاسه کولو لپاره، دکرایې په یوه موافقه لیک یا قرارداد کې د مؤجر شخص حق داسې عملی کېږي چې پورته ذکر شوی حق، د دولت داستازي په صفت د مالې وزارت له لیکلي یاددښت وروسته مؤقتاً مالې وزارت ته ولېږدول شي .

۲- که چېرې مستأجر ، د ورکړې وړ مالیه د مالې وزارت د یاددښت له ترلاسه کولو وروسته په (۳۰) ورځو کې تحویل نکړي ، د کرایې په قرارداد یا ورته قراردادونو کې د مؤجر حق ، دکرایې د نه ورکولو له امله دکرایه کښېناستونکي د ایستلو لپاره پداسې ډول عملی کېږي چې نوموړی حق د دولت د استازي په توگه د مالې وزارت ته ولېږدېږي . دغه حالت ترهغه وخته پورې پاتې کېږي چې دمالې وزارت له کرایې او ددې قانون په شپاړسم فصل کې درج دورکړې وړ هر ډول اضافي

مندرج فصل شانزدهم این قانون را
حصول نماید.

میعاد پرداخت مالیات و

انتقال

ماده شصتم:

کارفرمائیکه مطابق حکم
مندرج ماده پنجاه و هشتم
این قانون مکلف به وضع نمودن
مالیات می باشد، مبلغ وضع
شده را الی دهم ماه بعدی به
حساب معینه بانکی ایکه از طرف
وزارت مالیه معرفی می شود،
تحویل بانک می نماید. کارفرما
مکلف است راپور وضع مالیات
را مطابق تعلیماتنامه مالیات بر
عایدات به شعبات مربوط مالیاتی
ارائه نماید.

تهیه صورت حساب

ماده شصت و یکم:

(۱) کارفرما مکلف است، مطابق
رهنمود وزارت مالیه صورت

مالی خنجه را پیدا شوی عواید
ترلاسه کری.

د مالیاتو د ورکری او لېږدېدو

وخت

شپېتمه ماده :

هغه کار فرما چې د دې قانون په
اته پنځوسمه ماده کې د درج شوي
حکم مطابق، د مالیې په وضع کولو
باندې مکلف دی، وضع شوی مبلغ
د راتلونکې میاشتې تر لسمې پورې
هغه ټاکلي بانکي حساب ته چې د
مالیې وزارت لخوا ورپیژندل کېږي،
په بانک کې تحویلوي. کار فرما
مکلف دی د مالیاتو د وضع کولو
رپوټ پر عایداتو باندې د مالیاتو د
تعلیماتنامې مطابق اړوندو مالیاتي
ادارو ته وړاندې کری.

د صورت حساب برابرول

یو شپېتمه ماده :

(۱) کار فرما مکلف دی د مالیې
وزارت د لارښود مطابق د اړوندو

حساب معاش و مالیه کارکنان مربوط را طور انفرادی تهیه والی اخیرماه اول سال بعدی به وزارت مالیه یا شعبات مالیاتی و کارکنان مربوط ارائه نماید.

(۲) کارفرمای مندرج فقره (۱) این ماده مکلف است راپور توحیدی سالانه مالیات وضع شده از معاشات و مزدها را با توضیح، محل و وقتیکه از طرف وزارت مالیه تثبیت می گردد، ارائه نماید.

میعاد ارائه صورت

حساب

ماده شصت و دوم:

- (۱) مؤدی مکلف است راپور صورت حساب معاش و مالیه سالانه خویش را یک و نیم ماه بعد از ختم سال مالی به شعبات مالیاتی مربوطه ارائه نماید.
- (۲) هرگاه مؤدی واجد شرایط آتی

کارکونکو د معاش او مالیی صورت حساب په انفرادي توگه برابر او د راتلونکي کال د لومړۍ میاشتي تر پایه پورې یې د مالیی وزارت یا مالیاتي خانگو او اړوندو کارکونکو ته وړاندې کړي.

(۲) ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوی کارفرما مکلف دی له معاشونو او مزدوریو څخه د وضع شوو کلیو مالیاتو توحیدی رپورت د خای او وخت په څرگندولو سره چې د مالیی وزارت لخوا تثبیتېږي، وړاندې کړي.

د صورت حساب دوړاندې

کولو وخت

دوه شپږمه ماده:

- (۱) مؤدی مکلف دی د خپل کلي معاش او مالیی د صورت حساب رپورت، د مالي کال له پایته رسېدو یوه نیمه میاشت وروسته، اړوندو مالیاتي خانگو ته وړاندې کړي.
- (۲) که چېرې د لاندې شرایطو

صورت حساب معاش و مالیه سالانه خود را بعد از تصدیق کارفرما به شعبات مالیاتی در خلال یک و نیم ماه بعد از ختم سال مالی ارائه نماید، از ترتیب اظهار نامه جداگانه معاف می باشد:

۱ - مالیه ده عاید دیگری غیر از معاش یا مزدیکه مالیات از آن وضع گردیده در خلال سال مالی نداشته باشد.

۲ - مالیه ده در خلال سال مالی توسط بیشتر از یک کارفرما استخدام نشده باشد.

۳ - مالیه وضع شده با نورم مندرج فقره (۳) ماده چهارم این قانون مطابقت داشته باشد.

ارائه اظهارنامه

ماده شصت و سوم:

مؤدی که از معاشات یا مردهای تابع وضع مالیات

لرونکی مؤدی د خپل کلني معاش اوماليې صورت حساب ، د کارفرما له تصدیق وروسته د مالي کال له پایته رسېدو وروسته د یوې نیمې میاشتي په ترڅ کې وړاندې کړي ، د جلا اظهارلیک له وړاندې کولو څخه معاف دی :

۱ - مالیه ورکوونکی له معاش یا مزد پرته چې مالیه ور څخه وضع شوې وي ، د مالي کال په ترڅ کې بل عاید و نلري .

۲ - مالیه ورکوونکی د مالي کال په اوږدو کې له یوه کارفرما څخه د زیاتو لخوا استخدام شوی نه وي.

۳ - وضع شوې مالیه ددې قانون د څلورمې مادې په (۳) فقره کې له درج شوي نورم سره مطابقت ولري.

د اظهارلیک وړاندې کول

دري شپېتمه ماده :

هغه مؤدی چې د مالیاتو د وضع له تابع معاشونو او مزدوریو څخه له

از بیشتر از یک کارفرما دارای عواید بوده یا هم غیر از معاشات و مزد ها از سایر منابع عواید داشته باشد، مکلف است اظهار نامه مالیات بر عایدات خود را مطابق احکام این قانون ارائه نماید. مبالغ وضع شده مالیه به مؤدی قابل مجرائی می باشد.

فصل دهم

مالیه معاملات انتفاعی

مالیه عرضه خدمات و معاملات

انتفاعی

ماده شصت و چهارم:

مالیه انتفاعی: عبارت از مالیه است که از سرجمع عواید ناخالص (فروشات) قبل از وضع هر نوع کسرات مطابق نورم مندرج ماده شصت و ششم این قانون اخذ می گردد. (۱) شخص حکمی که اجناس و

یوه کارفرما له زیاتو خخه د عوایدو لرونکی وي او یا هم له معاشونو او مزدوریو پرتو له نورو سرچینو خخه عواید ولري، مکلف دی پرعایداتو باندي د مالیاتو خپل اظهارلیک د دې قانون د حکمونو مطابق وړاندي کړي. د ماليې وضع شوي مبالغ مؤدي ته د مجرائي وړ دي.

لسم فصل

د انتفاعي معاملو مالیه

د خدمتونو د وړاندي کولو او

انتفاعي معاملو مالیه

څلور شپېتمه ماده:

انتفاعي مالیه: له هغې ماليې خخه عبارت ده چې د ناخالصو عوایدو له سرجمع (خرڅلاو) خخه د هر ډول کثراتو له وضع کولو دمخه، ددې قانون په (۶۶) ماده کې د درج شوي نورم مطابق اخستل کېږي. (۱) هغه حکمي شخص چې اجناس

خدمات را در مقابل قیمت عرضه می نماید، مکلف به پرداخت مالیه معاملات انتفاعی می باشد.

(۲) شخص حقیقی که اجناس یا خدمات را در مقابل قیمت عرضه می نماید و عاید آن در هر ربع مبلغ هفت صد و پنجاه هزار افغانی و یا بیشتر از آن باشد، مکلف به پرداخت مالیه معاملات انتفاعی می باشد. اشخاص مندرج فقره های (۲، ۳، ۴ و ۵) ماده شصت و ششم این قانون از این حکم مستثنی است.

(۳) اشخاصی که به توريد اموال می پردازند، تابع دو فیصد مالیه معاملات انتفاعی قیمت تمام شد اموال وارده به شمول محصول گمرکی بوده و منحیث پیش پرداخت مالیات معاملات انتفاعی وی پنداشته می شود.

(۴) مالیه مندرج فقره (۳) این ماده در گمرک اخذ می شود که اموال

او خدمتونه د بیې په مقابل کې وړاندې کوي، دانتفاعي ماليې په ورکړه مکلف دی.

(۲) هغه حقيقي شخص چې اجناس یا خدمتونه د بیې په وړاندې عرضه کوي او عاید یې په هره ربع کې اووه سوه پنځوس زره یا له هغو څخه زیات وي، د انتفاعي معاملو د ماليې په ورکړه مکلف دی.

ددې قانون د (۶۶) مادې په (۲)، ۳، ۴ او ۵) فقره کې درج شوي اشخاص، لدې حکم څخه مستثنی دي.

(۳) هغه اشخاص چې د مالونو په واردولو لاس پورې کوي، دانتفاعي معاملو د گمرکي محصول په شمول د واردو شوو مالونو د تمامې شوې بیې د دوه فیصده ماليې تابع دي.

(۴) ددې مادې په (۳) فقره کې درج شوي مالیه، په هغه گمرک کې اخستل

کېږي چې مالونه په هغه کې محصولېږي. (۵) له یوه کاري واحد څخه د ترلاسه شوو عوایدو سرجمع، د تجزیې وړ ندی. (۶) که چېرې د خدمتونو او مالونو له وړاندې کولو څخه ترلاسه شوي عواید، پرنفدو پیسو، جنس یا خدمت پر وړاندې کولو باندې مشتمل وي، دپلورنې له درکه دجنس یا د ترلاسه شوي خدمت ارزښت، د ورځې له نرخ څخه عبارت دی.

د انتفاعي معاملو له ماليې څخه

معافیت

پنځه شپېتمه ماده:

لاندې عواید د انتفاعي معاملو له ماليې څخه معاف دي:

۱- د ټکټانې د تحصیل له درکه ترلاسه شوي عواید.

۲- د اسعارو له تبادلې د بانکي حساب او پس انداز له فعالیت، پراماناتو باندې له معاملي یا له بانکي حساب څخه دهغو له اخستلو، د

در آن محصول می گردد.

(۵) سرجمع عواید حاصله از یک واحد کاری، قابل تجزیه نمی باشد.

(۶) هرگاه عواید حاصله از عرضه خدمات و اموال مشتمل بر پول نقد، جنس یا ارائه خدمت باشد، ارزش جنس و ارائه خدمت حاصله از درک فروش، عبارت از نرخ روز می باشد.

معافیت از مالیة معاملات

انتفاعی

ماده شصت و پنجم:

عواید ذیل از مالیة معاملات انتفاعی معاف می باشد:

۱- عاید حاصله از درک تحصیل ټکټانه.

۲- فیس حاصله از تبادلۀ اسعار، فعالیت حساب بانکی و پس انداز معامله روی امانات یا اخذ آن

از حساب بانکی، صدور چک یا تضمین نامه ها، بانکداری از طریق انترنت، تهیه رهن یا قرضه، ارائه کربدت تدریجی.

۳- قرارداد نقدی موکول به تاریخ معین در آینده.

۴- عقد قرارداد موکول به آینده با انتقال فزیکي جنس مندرج قرارداد.

۵- حق الیمه از درک تهیه هرگونه بیمه یا بیمه مجدد.

۶- مفاد سهمیکه توسط سهامدار از شرکت سهامی یا محدودالمسئولیت یا تضامنی از درک سهام یا تکتانه شراکت سهامدار اخذ می گردد.

۷- عاید حاصله از درک صادرات اجناس و خدمات.

۸- عاید حاصله از درک عرضه خدمات مندرج مواد

چک یا تضمین لیکونو له صادرولو، د انترنت له لاری له بانکداری، د رهن یا پور له برابرولو، د تدریجی کربدت له وړاندې کولو څخه ترلاسه شوی فیس.

۳- په راتلونکې کې ټاکلې نېټې ته موکول نغدې قرارداد.

۴- په قرارداد کې د درج شوي جنس له فزیکي لېږد سره، راتلونکې ته د موکول قرارداد عقد.

۵- د هر ډول بیمې یا بیا بیمې د برابرولو له درکه حق الیمه.

۶- دهغه سهم گټه چې د سهم لرونکي په واسطه له سهامې یا محدودالمسئولیت یا تضامني شرکت څخه د سهم لرونکي د سهامو یا د شراکت د ټکتانې له درکه اخستل کېږي.

۷- د اجناسو او خدمتونو د صادراتو له درکه ترلاسه شوی عاید.

۸- ددې قانون په (۱۷ یا ۴۶) ماده کې ددرج شوو خدمتونو د وړاندې

کولو له درکه ترلاسه شوی عاید. ۹- حقيقي شخص ته د اوسېدنې د جايداد له کرایې يا اجارې څخه ترلاسه شوی عاید، په هغه صورت کې چې مستأجر له جايداد څخه د خپلې اوسېدنې د ځای په توگه، د مالي کال له شپږو میاشتو څخه زیاته گټه اخستې وي.

۱۰- د حقيقي شخص د جايداد له پلورنې څخه ترلاسه شوی عاید، د هغه د سوداگریزو فعالیتونو له معمولي بهیر څخه بهر پلورنې یوازې په هغه صورت کې د حقيقي شخص د سوداگریزو فعالیتونو له معمولي بهیر څخه بهر گڼل کېږي چې دغه ډول پلورنې په منظمه او دوامداره توگه صورت ونه مومي.

د انتفاعي معاملو د ماليې اندازه

شپږ شپېتمه ماده:

(۱) ددې مادې له (۲) څخه تر (۵) فقره کې د درج شوو اشخاصو په استثنی، ددې قانون د (۶۴) مادې

(۱۷ یا ۴۶) این قانون. ۹- عاید حاصله از کرایه یا اجاره جايداد رهايشی به شخص حقيقي درصورتی که مستأجر از جايداد منحيث اقامتگاه رهايشی خویش برای اضافه تر از شش ماه سال مالی استفاده نموده باشد.

۱۰- عاید حاصله از فروش جايداد شخص حقيقي خارج روند معمولی فعالیت های تجارتي وی. فروشات صرف درصورتی خارج از روند معمولی فعالیت های تجارتي شخص حقيقي پنداشته می شود که چنین فروشات بصورت منظم و دوامدار صورت نگیرد.

اندازه ماليه معاملات انتفاعی

ماده شصت و ششم:

(۱) دو فیصد عواید حاصله (قبل از وضع کسرات) از هر نوع فعالیت های

انتفاعی اشخاص مندرج فقره های (۱ و ۲) ماده شصت و چهارم این قانون به استثنای اشخاص مندرج فقره های (۲ الی ۵) این ماده.

(۲) دو فیصد عواید حاصله (قبل از وضع کسرات) از خدمات هتل ها یا مهمان خانه ها و رستوران های که ماهوار کمتر از حد مندرج فقره (۲) ماده شصت و چهارم این قانون عاید داشته باشد.

خدمات هتل یا مهمانخانه به مفهوم این قانون عبارت از تهیه خوابگاه و ارائه خدمات (نان، نوشابه، لباس شویی و خدمات منبراتی) می باشد که اشخاص مؤقتاً به حیث مسافر در آنجا اقامت دارند.

(۳) پنج فیصد عواید حاصله (قبل از وضع کسرات) از خدمات هتل ها یا مهمان خانه ها و

په (۱ او ۲) فقره کي د درج شوو اشخاصو له هر ډول انتفاعي فعالیتونو څخه (د کسراتو له وضع کولو دمخه) د ترلاسه شوو عوایدو په سلو کي دوه .

(۲) د هغو هوټلونو یا مېلمستونونو او رستورانونو له خدمتونو څخه چې په میاشت کې ددې قانون د (۶۴) مادې په (۲) فقره کې له درج شوي حد څخه لږ عاید ولري او (دکسراتو له وضع دمخه) د ترلاسه شوو عوایدو په سلو کې دوه.

د هوټل یا مېلمستون خدمتونه ددې قانون په مفهوم عبارت دي، له هغو اشخاصو ته چې مؤقتاً هلته د مسافر په توګه استوګنه لري، د خوب د خونې برابرول او د خدمتونو (ډوډی، څښاک، جامو پرېمینیځلو او منبراتي خدمتونو)، وړاندې کول.

(۳) دهغو هوټلونو یا مېلمستونونو او رستورانونو له خدمتونو څخه چې په میاشت کې ددې قانون د (۶۴)

رستورانٔ های که عواید شان بیشتر از حد مندرج فقره (۲) ماده شصت و چهارم این قانون باشد.

خدمات رستورانٔ به مفهوم این قانون عبارت از خدمات تهیه غذا یا نوشابه توسط تأسیسات که در آنجا تسهیلات صرف عاجل غذا به مراجعین فراهم می گردد و رسانیدن غذای تهیه شده و یا به معنی فروش غذای طبخ شده که در محوطه رستورانٔ آماده شده باشد.

(۴) پنج فیصد عواید حاصله (قبل از وضع کسرات) از خدمات سالون ها و کلوب های برگزاری محافل.

(۵) ده فیصد عواید حاصله (قبل از وضع کسرات) از درک خدمات مخابرات، ترانسپورت هوایی، هتل ها و رستورانٔ های دارای خدمات بالا.

ماده (۲) فقره کی له درج شوي حد څخه زیات وي، (دکسراتو له وضع د منځه) د ترلاسه شوو عوایدو په سلو کې پنځه.

د رستورانٔ خدمتونه ددې قانون په مفهوم عبارت دي له د خوړو یا څښاک د برابرولو خدمتونه د هغو تأسیساتو په واسطه چې هلته مراجعینو ته د خوړو د بیړني خوړلو اسانتیاوي برابرې اود برابر شوو خوړو رسول یا د پخو شوو خوړو د خرڅلاو په معني چې د رستورانٔ په انگر کې چمتو شوي وي.

(۴) دمخفلونو د جوړولو دسالونونو او کلوبونو له خدمتونو څخه د ترلاسه شوو عوایدو (دکسراتو له وضع د منځه) په سلو کې پنځه.

(۵) دمخابراتو، هوایي ترانسپورت، د لوړو خدمتونو لرونکو هوټلونو او رستورانونو د خدمتونو له درکه، له ترلاسه شوو عوایدو څخه (دکسراتو له وضع د منځه) په سلو کې لس.

خدمات مخابراتی و خطوط هوایی به مفهوم این قانون عبارت از خدمات مخابراتی (تهیه هر نوع خدمات تیلیفونی، انترنت و فکس) می باشد و خدمات مسافربری که مبداء پرواز آن افغانستان باشد.

(۶) هرگاه مالیه دهنده مندرج فقره های (۳، ۴ و ۵) این ماده ادعا نماید که یک یا چند ماه عواید ناشی از عرضه خدمات تابع مالیه مندرج این فقره ها را نداشته، مکلف است، موضوع را کتباً ضمیمه اظهارنامه مالیاتی به وزارت مالیه اطلاع و تسلیم نماید. هرگاه ادعا مورد تأیید قرار گیرد، تابع پرداخت مالیه مندرج فقره های فوق نمی باشد. در صورتیکه ادعای مذکور خلاف حقیقت ثابت

مخابراتی او د هوایی کربنو خدمتونه ددې قانون په مفهوم عبارت دي له مخابراتي خدمتونه، (دهردول تيلفوني، انترنت او فکس خدمتونو برابرول دي) د مسافر بری هغه خدمتونه چې د الوتنې مبداء يې افغانستان وي.

(۶) که چېرې ددې مادې په (۳، ۴ او ۵) فقره کې درج شوی مالیه ورکونکی ادعا وکړي چې یوه یا څو میاشتې په دغو فقرو کې د درج شوې مالیه تابع خدمتونو له وړاندې کولو څخه راپیدا شوي عواید نلري، مکلف دی موضوع په لیکلې توګه د مالیاتي اظهارلیک په ضمیمه د مالیې وزارت ته خبر او تسلیم ورکړي، که چېرې ادعا دتأیید وړ وګرځي، په پورتنیو فقرو کې د درج شوې مالیه تابع ندی، په هغه صورت کې چې نوموړې ادعا د حقیقت خلاف ثابته شي، ددې مادې په (۳، ۴ او ۵)

گردد، علاوه بر پرداخت مالیه مندرج فقره های (۳، ۴ و ۵) این ماده مطابق حکم مندرج فقره (۲) ماده نود و هشتم این قانون مکلف به تادیبه مالیه اضافی نیز می باشد.

(۷) وزارت مالیه جهت تطبیق بهتر این ماده و تعیین معیارهای آن طرزالعمل وضع و اجرا می نماید.

تطبیق مالیه معاملات انتفاعی

ماده شصت و هفتم:

(۱) مالیه معاملات انتفاعی از سرجمع عواید حاصله، بدون نظر داشت اینکه مالیه دهنده در طول سال جاری یا سالهای قبلی مفاد یا زیان نموده است قابل تادیبه می باشد.

(۲) مبلغ ایکه از درک مالیه معاملات انتفاعی پرداخته شده است، حین سنجش عواید قابل سال مربوط به حیث قلم مصرف،

فقره کی د درج شوې مالیې پر ورکړه برسېره، ددې قانون د اته نوي یمې مادې په (۲) فقره کې د درج شوي حکم مطابق، داضافي ماليې په ورکړه هم مکلف دی.

(۷) د ماليې وزارت ددې مادې د بڼه تطبیق اود هغې د معیارونو د ټاکلو لپاره، کړنلاره وضع او اجراء کوي.

د انتفاعي معاملو د ماليې تطبیق:

اووه شپيتمه ماده:

(۱) دانتفاعي معاملو مالیه، د ترلاسه شوو عوایدو له سرجمع څخه، ددې له په نظر کې نیولو پرته چې مالیه ورکونکي د روان کال یا دمخه کلونو په اوږدو کې ګټه یازیان کړی دی، دورکړې وړ ده.

(۲) هغه مبلغ چې د انتفاعي معاملو د ماليې له درکه، ورکړل شوی دی، د ماليې وړ اړوندو عوایدو د سنجولو په وخت کې، د لګښت د

قلم په توگه، د مجرايي وړ دی. (۳) ددې قانون د (۶۴) مادې په (۳) فقره کې درج شوي ماليه، د انتفاعي معاملو د ماليې د مکلفیتونو د سنجولو په وخت کې، د مجرايي وړ ده. که چېرې ورکړل شوی مبلغ د هماغه کال د ورکړې وړ انتفاعي معاملو له ماليې څخه زیات وي، اضافي مبلغ په وروستیو دورو کې د مجرايي وړ ندی.

یوو لسم فصل

ثابت مالیات

قابل مجرائی می باشد. (۳) مالیة مندرج فقره (۳) ماده شصت و چهارم این قانون، حین سنجش مکلفیت های مالیة معاملات انتفاعی، قابل مجرائی می باشد. هرگاه مبلغ تادیه شده بیشتر از مالیة معاملات انتفاعی قابل تادیه همان سال باشد، مبلغ اضافی در دوره های بعدی قابل مجرائی نمی باشد.

فصل یازدهم

مالیات ثابت

د ثابتو مالیاتو تابع انتفاعي

فعالیتونه

اته شپېتمه ماده:

هغه اشخاص چې ددې فصل په حکمونو کې درج شوي انتفاعي فعالیتونه سرته رسوي، پر عایداتو باندې د مالیاتو او انتفاعي معاملو د مالیاتو په عوض د ثابتو

فعالیت های انتفاعی تابع مالیات

ثابت

ماده شصت و هشتم:

اشخاصی که فعالیت های انتفاعی مندرج احکام این فصل را انجام می دهند، تابع پرداخت مالیات ثابت، به عوض مالیات بر عایدات و مالیة

مالیاتو د ورکړې تابع دي .

د ثابتو مالیاتو د ورکړې وخت

نهه شپېتمه ماده :

د مالي کال په ترڅ کې ثابتېه ماليه د ورکړې وړ ده ، خو دا چې په قانون کې بل ډول اټکل شوي وي .

د وارداتي مالونو ثابته ماليه

اویایمه ماده :

(۱) هغه اشخاص چې د سوداگریز جواز لرونکي دي او د مالونو په واردولو لاس پورې کوي ، د هغو د گمرکي محصول په شمول د واردو شوو مالونو د تمامې شوې بېي په سلو کې د دوو ثابتې ماليې تابع دي . ورکړل شوې ماليه د هغوی پر کلنيو عایداتو باندې د مالیاتو د دمخه ورکړې په توگه گنل کېږي او دغه ډول ورکړې ، د دې قانون د حکمونو مطابق ، د نوموړو اشخاصو د تادیاتي مکلفیت په وړاندې په پام کې نیول کېږي .

معاملات انتفاعی می باشند.

میعاد تادیه مالیه ثابت

ماده شصت و نهم:

مالیه ثابت درخلال سال مالی قابل تادیه می باشد، مگر اینکه در قانون طور دیگری پیشبینی گردیده باشد.

مالیه ثابت اموال وارداتي

ماده هفتادم:

(۱) اشخاصی که دارای جواز تجارتي بوده و به توريد اموال می پردازند، تابع دو فیصد مالیه ثابت قیمت تمام شد اموال وارده به شمول محصول گمرکی آن می باشند. مالیه تادیه شده منحيث پیش پرداخت مالیات بر عایدات سالانه وی پنداشته شده و چنین تادیات درمقابل مکلفیت تادیاتي شخص مذکور مطابق احکام این قانون مد نظر گرفته می شود.

(۲) اشخاصی که بدون داشتن جواز تجارتی به توريد امـوال می پردازند، تابع پرداخت سه فیصد مالیه ثابت قیمت تمام شد امـوال وارده به شمول محصول گمرکی آن به عوض مالیات بر عایدات پنداشته می شود.

(۳) اشخاصی که جواز نامه تجارتی مؤقت داشته، به توريد امـوال تجارتی میپردازند و اظهار نامه مالیاتی را به وزارت مالیه ارائه نمیدارند، تابع پرداخت سه فیصد مالیه ثابت قیمت تمام شد امـوال وارده به شمول محصول گمرکی آن به عوض مالیات بر عایدات پنداشته می شوند.

(۴) مالیات مندرج فقره های

(۲) هغه اشخاص چې د سوداگریز جواز له لرلو پرته د مالونو په واردولو لاس پورې کوي ، پر عایداتو باندي د مالیاتو په عوض د هغو د گمرکي محصول په شمول د وار دو شوو مالونو د تمامې شوې بيې په سلو کې د دريو ثابتې ماليې د ورکړې تابع دي .

(۳) هغه اشخاص چې مؤقت سوداگریز جواز لري او د سوداگریزو مالونو په واردولو لاس پورې کوي او مالیاتي اظهارليک د ماليې وزارت ته نه وړاندي کوي ، پر عایداتو باندي د مالیاتو په عوض د هغو د گمرکي محصول په شمول د وار دو شوو مالونو د تمامې شوې بيې په سلو کې د دريو ثابتې ماليې د ورکړې تابع گنل کېږي .

(۴) د دې مادې په فقرو کې درج

این ماده در گمرکی اخذ می شود که اموال در آنجا محصول می گردد.

ماليه ثابت عراده جات

ماده هفتاد و یکم:

اشخاصی که به مقصد فعالیت تجارتي توسط وسايط نقلیه دست داشته، به انتقال اموال و حمل و نقل اشخاص می پردازند، قبل از تجديد جواز سير، ذیلاً مکلف به پرداخت ماليه سالانه پنداشته می شوند:

۱ - عراده باربری به اساس تن:

- از یک الی دو تن، مبلغ دوهزارو ششصد افغانی.

- بیشتر از دو الی سه تن، مبلغ سه هزارو چهارصد افغانی.

- بیشتر از سه الی چهارتن، مبلغ چهار هزارو دوصد افغانی.

- بیشتر از چهار الی پنج تن، مبلغ

شوي ماليات په هغه گمرک کې اخستل کېږي چې مالونه هلته محصول کېږي .

د عراده جاتو ثابته ماليات

يو اويايمه ماده :

هغه اشخاص چې په لاس کې د شتو وسايطو په واسطه د سوداگريز فعالیت په مقصد د مالونو په لېږدولو او د اشخاصو په حمل او نقل لاس پورې کوي ، د جواز سير له نوي کولو دمخه په لاندې توگه د کلني ماليې په ورکړه مکلف گڼل کېږي :

۱- بار وړونکې عراده د ټن په اساس:

- له يوه څخه تر دوو ټنو پورې ، دوه زره او شپږ سوه افغانی .

- له دوو څخه زيات تر دريو ټنو پورې، درې زره او څلور سوه افغانی.

- له دريو څخه زيات تر څلورو ټنو پورې ، څلور زره او دوه سوه افغانی.

- له څلورو څخه زيات تر پنځو ټنو

- پورې ، پنځه زره افغانۍ.
- له پنځو څخه زیات تر شپږو تنو پورې ، شپږ زره افغانۍ .
- له شپږو څخه زیات تر اتو تنو پورې، اووه زره او پنځه سوه افغانۍ .
- له اتو څخه زیات تر لسو تنو پورې ، نهه زره افغانۍ .
- له لسو څخه زیات تر دوو لسو تنو پورې، لس زره او پنځه سوه افغانۍ .
- له دوو لسو څخه زیات تر څوار لسو تنو پورې، دوولس زره افغانۍ.
- له څوار لسو څخه زیات تر شپاړسو تنو پورې، ديارلس زره او پنځه سوه افغانۍ.
- له شپاړسو څخه زیات تر اتلسو تنو پورې ، پنځلس زره افغانۍ .
- له اتلسو څخه زیات تر شلو تنو پورې، شپاړس زره او پنځه سوه افغانۍ .
- له شلو څخه زیات تر پنځه ويشتو تنو پورې، اتلس زره او پنځه سوه افغانۍ .
- پنج هزار افغانۍ.
- بیشتر از پنج الی شش تن، مبلغ شش هزار افغانۍ.
- بیشتر از شش الی هشت تن، مبلغ هفت هزارو پنجصد افغانۍ.
- بیشتر از هشت الی ده تن، مبلغ نه هزار افغانۍ.
- بیشتر از ده الی دوازده تن ، مبلغ ده هزارو پنجصد افغانۍ.
- بیشتر از دوازده الی چهارده تن، مبلغ دوازده هزار افغانۍ.
- بیشتر از چهارده الی شانزده تن، مبلغ سیزده هزارو پنجصد افغانۍ.
- بیشتر از شانزده الی هجده تن، مبلغ پانزده هزار افغانۍ.
- بیشتر از هجده الی بیست تن، مبلغ شانزده هزارو پنجصد افغانۍ.
- بیشتر از بیست الی بیست و پنج تن، مبلغ هجده هزارو پنجصد افغانۍ.

- له پنځه ويشتو تنو څخه زيات، په اتلس زره او پنځه سوه افغانيو برسپره يو تن پنځه سوه افغانی .
- د ترلېر د اګسل د پاسه د مجاز وزن له مجموع څخه زيات، له پنځه سوه کيلوګرامه څخه اضافه، يو تن، دوه سوه افغانی.
- ۲- مسافر وړونکي عراده جات :
- له دريو څخه تر پنځو تنو پورې په ظرفيت تکسي ، دوه زره افغانی .
- د پنځو تنو له ظرفيت پورته تکسي په دوه زره افغانيو برسپره ، يوه څوکۍ دوه سوه افغانی .
- څوارلس څوکۍ مکرو بس ، دوه زره او شپږ سوه افغانی .
- له پنځلسو څخه تر يوويشتو څوکيو پورې هر ډول بس ، څلور زره افغانی .
- له دوه ويشتو څخه تر نهه ويشتو څوکيو پورې ، شپږ زره افغانی .
- له دېرشو څخه تر نهه دېرشو څوکيو پورې ، اووه زره افغانی .
- بيشتر از بيست و پنج تن، فی تن مبلغ پنجصد افغانی بر علاوه مبلغ هجده هزارو پنجصد افغانی .
- از مجموع وزن مجاز بالای اکسل تریلر بالاتر از پنجصد کیلو گرام فی تن اضافه، مبلغ دو صد افغانی.
- ۲- عراده جات مسافر بری:
- تکسی به ظرفیت سه الی پنج نفر مبلغ دو هزار افغانی .
- تکسی بالاتر از ظرفیت پنج نفر بر علاوه دو هزار افغانی ، فی چوکی ، مبلغ دو صد افغانی .
- مکرو بس چهارده چوکی ، مبلغ دو هزارو ششصد افغانی .
- انواع بس از پانزده الی بیست و یک چوکی ، مبلغ چهار هزار افغانی .
- از بیست و دو الی بیست ونه چوکی ، مبلغ شش هزار افغانی .
- از سی الی سی ونه چوکی ، مبلغ هفت هزار افغانی .

- له څلوېښتو څخه تر نهه څلوېښتو
څوکیو پورې اوو زره او پنځه سوه
افغانی .
- له پنځوسو څخه تر شپېتو څوکیو
پورې ، اته زره افغانی .
- له شپېتو څوکیو څخه زیاتې،
پر اتو زرو افغانیو بر سپره ، یوه
څوکی دوه سوه افغانی .
- ۳- عراده جات د سلنډر په
حساب:
- څلور سلنډره عراده جات، یوه
عراده ، یو زر او پنځه سوه افغانی .
- شپږ سلنډره عراده جات ، یوه
عراده ، دوه زره افغانی .
- اته سلنډره عراده جات ، یوه
عراده، درې زره افغانی .
- له اتو سلنډرو څخه زیات
عراده جات، پر درې زره افغانیو
برسپره یوسلنډر ، پنځه سوه
افغانی .
- ۴- ریکشا :
- د موټر سایکل ریکشا ، یوه
- از چهل الی چهل ونه چوکی،
مبلغ هفت هزارو پنجمصد
افغانی .
- از پنجاه الی شصت چوکی ،
مبلغ هشت هزار افغانی .
- بیشتر از شصت چوکی، بر علاوه
مبلغ هشت هزار افغانی، فی چوکی
مبلغ دو صد افغانی .
- ۳ - عراده جات به حساب
سلنډر:
- عراده جات چهار سلنډر، فی
عراده مبلغ یکهزارو پنجمصد افغانی .
- عراده جات شش سلنډر ، فی
عراده مبلغ دو هزار افغانی .
- عراده جات هشت سلنډر فی
عراده مبلغ سه هزار افغانی .
- عراده جات بیشتر از هشت
سلنډر بر علاوه سه هزار افغانی،
فی سلنډر مبلغ پنجمصد
افغانی .
- ۴ - ریکشا:
- ریکشای موټر سایکل ، فی

عراده، پنځه سوه افغانۍ.

- رېکشا يوه عراده، يوزر افغانۍ.

د قراردادې موضوعي ماليه

دوه اويايمه ماده:

(۱) هغه اشخاص چې د سوداگريز جواز لرونکي ندي او هغه اشخاص چې د منظورې شوې اساسنامې مغاير مواد، لوازم، خدمتونه او ودانيزې چارې له دولتي ادارو، بنارواليو، دولتي تصديو، خصوصي بنسټونو او نورو اشخاصو سره قرارداد وکړي، پر عايداتو باندې د مالياتو په عوض د ثابتې ماليې د اووه فيصده په ورکړه مکلف گڼل کېږي. دغه ماليه له ورکړې وړ و جوهر و خځه وضع کېږي.

(۲) د جواز لرونکي اشخاص چې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوي خدمتونه او مواد له نوموړو بنسټونو سره ترسره کوي، د دوه فيصده قراردادې ماليې تابع دي.

عراده پنجصد افغانۍ.

- رېکشا، فی عراده مبلغ یکهزار افغانۍ.

ماليه موضوعي قراردادې

ماده هفتاد و دوم:

(۱) اشخاصی که دارنده جواز تجارتي بوده و اشخاصی که مغاير اساسنامه منظور شده مواد، لوازم، خدمات و امور ساختمانی را با ادارات دولتي، شاروالی ها، تصدیهای دولتي، نهادهای خصوصي وسایر اشخاص قرار داد نمایند، مکلف به تادیه هفت فیصد ماليه ثابت به عوض مالیات بر عایدات پنداشته می شوند. این مالیه از وجوه قابل پرداخت وضع می گردد.

(۲) اشخاص دارنده جواز که خدمات و مواد مندرج فقره (۱) این ماده را با نهادهای متذکره انجام می دهند تابع دو فیصد مالیه قراردادى می باشند. مالیه

مندرج این فقره درمقابل مکلفیت های مالیاتی بعدی قابل محاسبه و مجرائی می باشد.

(۳) مالیات مندرج فقره (۱ و ۲) این ماده توسط اشخاص تأدییه کننده حین تأدییه وضع و الی ده روز به حساب مربوط اداره مالیاتی انتقال نماید. قراردادکننده های مندرج این ماده مکلف اند حین عقد قرارداد کاپی آنرا همزمان به اداره مالیاتی مربوط بفرستند. اشخاص حقیقی که طبق حکم مندرج فقره (۱) ماده هفدهم این قانون، معاشات تابع مالیه را اخذ می نمایند، از این حکم مستثنی اند.

مالیه ثابت عواید نمایشات

ماده هفتاد و سوم:

(۱) مالیه ثابت صرف بالای

پدې فقره کې درج شوي مالیه، د وروستیو مالیاتی مکلفیتونو په وړاندې، د محاسبې او مجرائی وړ ده.

(۳) ددې مادې په (۱ او ۲) فقره کې درج شوي مالیات، د تأدییه کورونکو اشخاصو په واسطه د ورکړې په وخت کې وضع او تر لسو ورځو پورې دې د مالیاتی ادارې اړوند حساب ته ولېږدوي. پدې ماده کې درج شوي قرارداد کورونکي مکلف دي، د قرارداد د عقد په وخت کې د هغه کاپي په یوه وخت مالیاتی اړونده ادارې ته واستوي. هغه حقیقی اشخاص چې ددې قانون د اولسمې مادې په (۱) فقره کې د درج شوي حکم مطابق، د مالیې وړ معاشونه اخلي، لدې امر څخه مستثنی دي.

د نندارو د عوایدو ثابته مالیه

دري او یایمه ماده :

(۱) ثابته مالیه یوازي په افغانستان

اشخاص حقيقي مقيم افغانستان و اشخاص حقيقي و حکمی غیر مقيم افغانستان تطبیق می گردد.

(۲) اشخاص مندرج فقره (۱) این ماده که خدمات تفریحی مانند تیاتر، نمایش فلم، رادیو یا تلویزیون موسیقی یا مسابقات ورزشی را در داخل افغانستان عرضه می نمایند، تابع مالیه ثابت معادل ده فیصد عواید حاصله از فروش تکت می باشند. مالیه ثابت متذکره، بعوض مالیات بر عایدات و مالیه معاملات انتفاعی وضع می گردد. این مالیه طبق حکم مندرج فقره (۹) ماده هشتاد و هشتم این قانون تأدیه می گردد، مالیه در دفتر مالیاتی محلی که خدمات در آنجا عرضه می گردد، قابل تأدیه می باشد. سایر اشخاصی که خدمات تفریحی را اجراء یا فراهم می نمایند، مطابق احکام این قانون تابع مالیات بر عایدات

کې پر مېشتو حقيقي اشخاصو او په افغانستان کې پر نه مېشتو حقيقي او حکمی اشخاصو باندې تطبیقېږي.

(۲) ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوي اشخاص، چې تفریحی خدمتونه لکه تیاتر، د فلم ننداره، رادیو یا تلویزیون، موسیقی یا ورزشي مسابقې د افغانستان په دننه کې وړاندې کوي، د تکت له پلورلو څخه د لاسته راغلو عوایدو، د لسو فیصدو معادل ثابتې مالیې تابع دي. نوموړې ثابته مالیه، پر عایداتو باندې د مالیاتو اود انتفاعي معاملو د مالیې په عوض وضع کېږي دغه مالیه ددې قانون د اته اتمې مادې په (۹) فقره کې د درج شوي حکم مطابق، ورکول کېږي. مالیه د سیمې په مالیاتي دفتر کې چې خدمتونه هلته وړاندې کېږي د ورکړي وړ ده. نور هغه اشخاص چې تفریحی خدمتونه اجراء یا برابروي، ددې قانون د حکمونو مطابق، پر عایداتو

وماليه معاملات انتفاعي
قرار می گیرند.

ماليه ثابت تشبثات کوچک
(اصناف)

ماده هفتاد و چهارم:

(۱) اشخاص حقیقی که
مصرف کار و فعالیت واجد
شرایط ذیل باشند، طبق حکم
مندرج ماده هفتاد و پنجم این قانون
مکلف به پرداخت مالیه ثابت
می باشند:

۱- اشخاص حقیقی که عواید
داشته، تابع مالیه موضوعی
و معاف مندرج احکام این
قانون نباشد.

۲- مجموع عواید اشخاص حقیقی
که در سال مالی کمتر از سه
میلیون افغانی گردد.

(۲) اشخاص حقیقی مندرج فقره
(۱) این ماده مکلف به خانه پری و
ارائه اظهارنامه مالیات برعایدات ،
مطابق حکم مندرج فقره (۶) ماده

باندي د مالیاتو اود انتفاعي معاملو د
ماليې تابع گرځي.

د کوچنیو تشبثاتو (اصنافو)
ثابته مالیه

څلور او پاييمه ماده:

(۱) هغه د لاندې شرایطو لرونکي
حقيقي اشخاص چې په کار او
فعالیت بوخت وي، ددې قانون په
(۷۵) ماده کې د درج شوي حکم
مطابق، د ثابتې ماليې په ورکړه
مکلف دي:

۱- هغه حقيقي اشخاص چې
عواید لري، ددې قانون په
حکمونو کې د درج شوې موضوعي
او معاف ماليې تابع نه وي.

۲- دهغو حقيقي اشخاصو د عوایدو
مجموع چې په مالي کال کې له
دریو میلیونو افغانیو څخه لږ وي.

(۲) ددې مادې په (۱) فقره کې
درج شوي حقيقي اشخاص، ددې قانون
داته اتيایمې مادې په (۶) فقره کې د درج
شوي حکم مطابق، پر عایداتو باندي

هشتاد و هشتم این قانون می باشند.
مالیه ثابت قابل تأدیه مطابق حکم
مندرج ماده هفتاد و پنجم این
قانون، محاسبه می گردد.

تعیین مالیات ثابت بالای فعالیت
های اقتصادی کوچک

(اصناف)

ماده هفتاد و پنجم:

(۱) هرگاه اشخاص حقیقی
در خلال سال مالی از درک
منابع تابع مالیه موضوعی
مندرج احکام این قانون
و سایر منابع الی مبلغ شصت هزار
افغانی عاید داشته باشد، از مالیه
معاف می باشد.

(۲) هرگاه اشخاص مندرج فقره
(۱) این ماده در خلال سال مالی
به استثنای عوایدی معاف از مالیه و
عوایدیکه تابع مالیه موضوعی
قرار می گیرد بیشتر از شصت
هزار الی مبلغ یکصد و پنجاه هزار
افغانی عاید داشته باشد

دمالیاتو داظهارلیک په ډکولو او وړاندې
کولو مکلف دي. د ورکړې وړ ثابته مالیه،
ددې قانون په پنځه اویایمه ماده کې ددرج
شوي حکم مطابق، محاسبه کېږي.

پر کوچنیو اقتصادي فعالیتونو
(اصنافو) باندې د ثابتو مالیاتو

ټاکل

پنځه اویایمه ماده:

(۱) که چېرې حقیقی اشخاص د
مالي کال په ترڅ کې ددې قانون په
حکمونو کې د درج شوې موضوعي
ماليې تابع سرچینو او نورو سرچینو
له درکه تر شپېتو زرو افغانیو پورې
عاید ولري، له ماليې څخه
معاف دي.

(۲) که چېرې ددې مادې په (۱)
فقره کې درج شوي اشخاص، د
مالي کال په ترڅ کې، له ماليې څخه
د معاف عوایدو او هغو عوایدو چې
دموضوعي ماليې تابع گرځي، په
استثنای، له شپېتو زرو څخه زیات تر
یو سلو پنځو سو زرو افغانیو پورې

مكلف به پرداخت ماليه ثابت مبلغ پنجصد افغانی در هر ربع سال می باشد.

(۳) هرگاه اشخاص مندرج فقره (۱) این ماده در خلال سال مالی به استثنای عواید معاف از مالیه و عوایدیکه تابع مالیه موضوعی قرار می گیرد، بیشتر از مبلغ یکصد و پنجاه هزار افغانی الی مبلغ پنجصد هزار افغانی عاید داشته باشد، مكلف به پرداخت مالیه ثابت مبلغ یکهزار و پنجصد افغانی بر علاوه مبلغ ثابت مندرج فقره (۲) این ماده در هر ربع سال می باشد.

(۴) هرگاه اشخاص در خلال سال مالی به استثنای عواید معاف از مالیه یا عواید موضوعی تابع مالیه موضوعی مندرج احکام این قانون بیشتر از مبلغ پنجصد هزار افغانی الی مبلغ سه میلیون افغانی عاید داشته باشد مكلف به پرداخت سه

عاید ولری، د کال په هره ربع کې د پنځه سوه افغانیو ثابتې مالې په ورکړه، مکلف دي.

(۳) که چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوي اشخاص، د مالي کال په ترڅ کې له مالې څخه د معاف عوایدو او هغو عوایدو چې د موضوعي مالې تابع گرځي په استثنای، له یو سلو پنځو سو زرو افغانیو څخه زیات تر پنځه سوه زرو افغانیو پورې عاید ولري، ددې مادې په (۲) فقره کې پر درج شوي ثابت مبلغ برسېره، د یو زرو پنځه سوه افغانیو ثابتې مالې په ورکړه مکلف دي.

(۴) که چېرې اشخاص د مالي کال په ترڅ کې له مالې څخه د معاف عوایدو یا ددې قانون په حکمونو کې درج د موضوعي مالې تابع موضوعي عوایدو په استثنای له پنځه سوه زرو افغانیو څخه زیات تر دریو میلیونو افغانیو پورې عاید ولري، له

فیصد مالیه ثابت از عواید ناخالص خود میباشد یا می تواند مطابق حکم مندرج فقره (۳) ماده چهارم این قانون از عواید قابل مالیه خود مالیات بر عایدات پردازد، انتخاب میعاد تطبیق مالیات بر عایدات مالیه معاملات انتفاعی یا مالیه ثابت مؤدی از مدت سه سال کمتر نمی باشد.

تعديل معافیت ها

ماده هفتاد و ششم:

(۱) تعديل معافیت ها و نورمهای مالیاتی مندرج احکام این قانون به پیشنهاد وزارت مالیه و منظوری مقامات ذیصلاح صورت می گیرد.

(۲) وضع مالیه و معافیت های مالیاتی بدون موافقه وزارت مالیه جواز ندارد.

خپلو ناخالصو عوایدو څخه د درې فیصده ثابتې مالې په ورکړه مکلف دي یا کولی شي ددې قانون د څلورمې مادې په (۳) فقره کې د درج شوي حکم مطابق، د مالې ورکړې وړخپلو عوایدو څخه پر عایداتو باندې مالیات ورکړي، دانتفاعي معاملو دمالې پر عایداتو باندې دمالیاتو یا دمؤدي دثابتي مالې دتطبیق د وخت ټاکل، له دريو کلونو څخه لږ نه وي.

د معافیتونو تعديل

شپږ اويايمه ماده :

(۱) ددې قانون په حکمونو کې د درج شوو مالیاتي معافیتونو اونورو تعديل، دمالې وزارت په وړاندیز او دواکمنو مقامونو په منظوری صورت مومي.

(۲) د مالې وضع کول او مالیاتي معافیتونه، د مالې وزارت له موافقې پرته جواز نه لري.

فصل دوازدھم
مقررات مالیاتی جهت
وضع مالیات بالای
دارنده جواز معدن، صلاحیت
نامه معدن یا قرارداد
هایدروکاربن

تعريفات

ماده هفتاد و هفتم:

(۱) اصطلاحات آتی در این فصل
معانی ذیل را دارد:
۱ - قرارداد هایدروکاربن ها:
عبارت از یک قرارداد تفحص
یا قرارداد خدمات مندرج هر
قانون ایکه درمورد هایدروکاربن ها
دراغانستان تطبیق گردد، می باشد.
هایدروکاربن ها عبارت از
نفت و گاز و سایر مشتقات آن
می باشد.

۲ - صلاحیت نامه معادن: عبارت
از اجازه نامه است که مطابق
احکام قانون معادن از طرف

دولسم فصل
دکان دجواز، دکان دواک لیک
یا د هایدروکاربن د قرارداد
پر لرونکی باندي د
مالیاتو د وضع کولو لپاره
مالیاتی مقررات

تعريفونه

اووه اویایمه ماده:

(۱) لاندې اصطلاحگانې پدې فصل
کې لاندنې معناوې لري:
۱ - د هایدروکاربنونو قرارداد :
د پلټنې له یوه قرارداد یا په هر هغه
قانون کې د درج شویو خدمتونو له
قرارداد څخه عبارت دی چې په
افغانستان کې هایدروکاربنونو په
هکله تطبیق شي. هایدروکاربنونه
له نفتو او گاز او دهغو له نورو
مشتقاتو څخه عبارت دي.

۲ - د کانونو واک لیک: له هغه
اجازه لیک څخه عبارت دی چې د
کانونو د قانون د حکمونو مطابق د

وزارت معادن به منظور اکتشاف معادن سنگ، بهره برداری دایمی معادن سنگ، بهره برداری مواد بیکاره قبلاً استخراج شده، بهره برداری حرفه ئی، تجارت، پروسس، حمل و نقل و یا تغییر شکل دهی مواد منرالی اعطا می گردد.

۳- جوازنامه: عبارت از سند است که به منظور اکتشاف یا بهره برداری از معادن مطابق قانون معادن اعطاء می گردد.

۴- دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن و یا قرار داد هایدروکاربن: به مؤدی اطلاق می گردد که دارنده جوازنامه و صلاحیت نامه معدن بوده و یا یکی از جوانب ذیدخل در قرارداد هایدروکاربن باشد.

۵- دارائی دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن و یا قرار داد هایدروکاربن: عبارت از دارائی

کانونو وزارت لخوا د ډبرو د کانونو، د اکتشاف، د ډبرو دکانونو د دایمی گتې اخستې، د دمخه استخراج شوو بیکاره موادو د گتې اخستې، حرفه یې گتې اخستې، سوداگری، پروسس، حمل او نقل یا دمنرالی موادو ډول ته د بدلون ورکولو په منظور، ورکول کېږي.

۳- جواز لیک: له هغه سند څخه عبارت دی چې د کانونو د اکتشاف یا گتې اخستې په منظور، دکانونو د قانون مطابق، ورکول کېږي.

۴- د کان د جواز، دکان د واک لیک یا د هایدرو کاربن د قرارداد لرونکی: پر هغه مؤدی باندې اطلاقېږي چې د کان د جوازلیک او واک لیک لرونکی وي او یا د هایدرو کاربن په قرارداد کې له اړوندو اړخونو څخه یو وي.

۵- د کان د جواز، د کان د واک لیک یا د هایدرو کاربن د قرارداد د لرونکي شتمني: له هغې شتمني څخه

عبارت ده چي :

- له (۱۲) مياشتو څخه زيات اغېزناک عمر ولري.

- د کان په جواز ، د کان په واک ليک يا د هايډرو کاربن په قرارداد کې په درج شويو فعاليتونو کې د مستقيمي گټې اخستې په منظور پروډل يا ودان شوي وي .

(۲) يوه حلقه شاه چي د کان د جواز ، د کان د واک ليک يا د هايډرو کاربن د قرارداد لرونکي په ذريعه د هايډرو کاربونونو د پلټې ، پر مختيا يا توليد په منظور کيندل شوي وي ، د نوموړي شخصيت د شتمني په توگه گڼل کېږي او ټول هغه لگښتونه چي د کان د جواز ، د کان د واک ليک يا د هايډرو کاربن د قرارداد دلرونکي، بل شخص چي له نوموړي شخصيت سره د قرارداد پربنسټ شاه و کني په ذريعه يا د شاه په بندولو لگېدلې وي ، د شاه د کيندلو د لگښتونو

است که:

- عمر مؤثر بيشتر از (۱۲) ماه داشته باشد .

- به منظور استفاده مستقيم در فعاليت های مندرج جواز معدن، صلاحيت نامه معدن يا قرارداد هايډروکاربن خريداري و يا اعمار شده باشد.

(۲) یک حلقه چاه که ذریعه دارنده جواز معدن، صلاحيت نامه معدن يا قرار داد هايډروکاربن به منظور تفحص، انکشاف يا توليد هايډروکاربن ها حفرگرديده باشد، منحيث دارائی شخصيت مذکور پنداشته شده و تمام مخارج که درجريان حفر چاه ذريعه دارنده جواز معدن، صلاحيت نامه معدن يا قرارداد هايډروکاربن، شخص ديگرايکه به اساس قرارداد به شخصيت مذکور چاه را حفر نمايد، يا مسدود نمودن چاه به مصرف رسيده باشد،

منحيث مصارف حفر چاه پنداشته می شود. هرگاه مصارف حفر یا قرارداد حفر چاه بیشتر از یک سال مالی ادامه یابد، طوری محسوب می گردد که شخصیت مذکور دارائی جداگانه را در هر سال بدست آورده و ارزش هر دارائی مساوی به مصارف حفر چاه و یا قرارداد حفر چاه در همان سال می باشد.

اولویت فصل دوازدهم

ماده هفتاد و هشتم:

مواد مندرج فصول این قانون به استثنای احکام مندرج این فصل بالای دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن به همان شیوه ای که بالای یک مؤدی معمولی تطبیق می گردد، قابل تطبیق بوده، مگر اینکه ذریعه یک ماده این فصل تغییر نماید.

په توگه گنبل کېږي، که چېرې د څاه د کیندلو یا د څاه د کیندلو د قرارداد لگښتونه له یوه مالي کال څخه زیات دوام ومومي، داسې گنبل کېږي چې نوموړي شخصیت په هر کال کې جلا شتمني لاسته راوړې او د هرې شتمني ارزښت، د څاه کیندلو یا د څاه د کیندلو د قرارداد د هماغه کال له لگښتونو سره برابر دی.

د دوولسم فصل اولویت

اته او یایمه ماده:

پدې فصل کې ددرج شوو حکمونو په استثنای، ددې قانون په فصلونو کې درج شوي مواد، دکان د جواز، دکان دواک لیک یا دهایدروکاربن دقرارداد پر لرونکي په همغه شان چې پر یوه معمولي مؤدي باندي تطبیقېږي، د تطبیق وړ دي، خودا چې د دې فصل د یوې مادې په ذریعه بدلون ومومي.

د کان د جواز لرونکو مالیاتی

مکلفیتونه

نهه او یایمه ماده:

(۱) د کان د جواز ، د کان د واک لیک یا د هایډرو کاربن د قرارداد لرونکی ، له واک لیکونو، جوازونو او قراردادونو څخه د هر یوه په اعتبار د جلا مؤدی په توګه ګڼل کېږي .

(۲) که چېرې د کان د جواز ، د کان د واک لیک یا د هایډرو کاربن د قرارداد لرونکی ، د هایډرو کاربن له یوه څخه په زیاتو قراردادونو کې ذیدخل اړخ او یا د کان د جواز ، د کان د واک لیک یا له یوه څخه د زیاتو او یا له پورته دواړو مواردو څخه د مرکب لرونکی وي، داسې حسابېږي چې هغه د هایډرو کاربن ، د کان د جواز او د کان د واک لیک د اړوندو سوداګریزو فعالیتونو پربنسټ د مجزا شخص په توګه ګڼل کېږي .

مکلفیت های مالیاتی دارندگان

جواز معدن

ماده هفتاد ونهم:

(۱) دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هایډروکاربن به اعتبار هر یک از صلاحیت نامه ها، جوازها و قراردادها ، منحیث مؤدی جداگانه پنداشته می شود.

(۲) هرگاه دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هایډروکاربن، جناح ذیدخل در اضافه تراز یک قرارداد هایډروکاربن، یا دارنده بیشتراز یک جواز معدن، صلاحیت نامه معدن و یا مرکب از هر دو مورد فوق باشد، اینطور محسوب می گردد که وی منحیث شخص مجزابه اساس فعالیت های تجارتي مربوط هر قرارداد هایډروکاربن، جواز معدن و صلاحیت نامه معدن پنداشته می شود.

(۳) هرگاه قرارداد هايديروکاربن، جواز معدن و صلاحيت نامه معدن تمديد گردد، تمديد آنها منحیث بخش از قرارداد اصلي هايديروکاربن، جواز و صلاحيت نامه معدن به منظور تطبيق این ماده، محسوب می گردد.

(۴) هرگاه دارنده جواز معدن، صلاحيت نامه معدن و یا قرار داد هايديروکاربن، جناح ذیدخل دراضافه تراز یک قرارداد هايديروکاربن و یا دارنده بیشتر از یک جواز یا صلاحيت نامه معدن و یا مرکب از هر دو مورد فوق بوده و متقبل مصارف اضافه تراز یک قرارداد هايديروکاربن، جواز و یا صلاحيت نامه معدن گردد، مصارف متذکره میان بخش های مختلف فعالیت نظر به نحوه استفاده و بکاربرد مصارف، تقسیم می گردد.

(۳) که چبرې د هايديرو کاربن قرارداد، د کان جواز او د کان واک لیک تمديد شي، د هغو تمديد د هايديرو کاربن د قرارداد، د کان د جواز او واک لیک د اصلي برخې په توگه، د دې مادې د تطبيق په منظور گڼل کېږي.

(۴) که چبرې د کان د جواز، د کان د واک لیک یا د هايديرو کاربن د قرارداد لرونکی د هايديروکاربن له یوه څخه په زیاتو قراردادونو کې ذیدخل اړخ او یا د کان د جواز، یا د کان د واک لیک له یوه څخه زیاتو یا له پورته دواړو مواردو څخه د مرکب لرونکی وي اودهايديرو کاربن د قرارداد، د کان د جواز یا واک لیک له یوه څخه د زیاتو د لگښتونو متقبل شي، نوموړي لگښتونه د فعالیت دمختلفو اړخونو ترمنځ له لگښتونو څخه د گټې اخستې او د کارولو ډول ته په کتنې سره وېشل کېږي.

د انتفاعي معاملو ماليه

اتيایمه ماده:

ددې قانون په لسم فصل کې درج د انتفاعي معاملو ماليه پرلاندې عوایدو باندې د تطبیق وړ نده :

۱- د کاني موادو د پلورنې له مدرکه (هغه ډول چې د ۱۳۸۴ کال د کاني موادو په قانون کې تعريف شوي دي) د کان د جواز ، د کان د واک لیک یا د هایډرو کاربن د قرارداد د لرونکي عواید چې دکان د جواز یا واک لیک تابع دي .

۲- د هایډرو کاربن د پلورنې له مدرکه ، د کان د جواز ، د کان د واک لیک یا د هایډرو کاربن د قرارداد د لرونکي عواید چې د هایډرو کاربن د قرارداد تابع دي.

۳- د کان د جواز ، د کان د واک لیک یا د هایډرو کاربن د قرارداد د پلورنې یا لېږدونې له مدرکه د کان د جواز ، د کان د واک لیک یا د

ماليه معاملات انتفاعي

ماده هشتادم:

ماليه معاملات انتفاعي مندرج فصل دهم اين قانون بالای عواید ذیل قابل تطبیق نمی باشد:

۱- عواید دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هایډروکاربن از مدرک فروش مواد معدنی (طوريکه در قانون مواد معدنی سال ۱۳۸۴ تعريف گردیده است) که تابع جواز و یا صلاحیت نامه معدن می باشد.

۲- عواید دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هایډروکاربن از مدرک فروش هایډروکاربن که تابع قرارداد هایډروکاربن می باشد.

۳- عواید دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هایډروکاربن از مدرک فروش یا انتقال جواز معدن، صلاحیت نامه

هایدرو کاربن د لرونکي عواید.

د استهلاك وضع کېدل

یو اټیایمه ماده :

(۱) د دې قانون د اتلسمې مادې د (۱) فقرې د (۷) جزء پر خلاف، د کان د جواز ، دکان دواک لیک یا د هایدرو کاربن د قرارداد لرونکي چې دخپلي شتمني د ترلاسه کولو په منظور ، د ودانۍ یا د ودانۍ د اشغال د حق په استثنی لگښتونه مني، کولای شي د شتمني د ترلاسه کولو لگښتونه د برابرې فیصدۍ پر بنسټ هر کال له لاندې مواردو څخه لږ مجرایي ترلاسه کړي:

۱- د شتمني اغېزناک عمر(د استهلاك دوره) .

۲- د کسراتو د مجرایي پنځه کاله له هغه کال څخه چې شتمني پکې ترلاسه شوې ده، پیل کېږي .

(۲) ددې قانون د اتلسمې مادې د (۱) فقرې د (۷) جزء پر خلاف د

معدن و یا قرارداد هایدرو کاربن.

وضع استهلاك

ماده هشتاد ویکم :

(۱) برخلاف جزء (۷) فقره (۱) ماده هجدهم این قانون ، دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هایدرو کاربن که به منظور حصول دارائی خویش به استثنای تعمیر یا حق اشغال تعمیر، متقبل مصارف می گردد، می تواند مصارف حصول دارائی را به اساس فیصدی مساویانه، هر سال کمتر از موارد ذیل مجرائی حاصل نماید:

۱ - عمر مؤثر دارائی (دوره استهلاك) .

۲ - پنج سال مجرائی کسرات از سالیکه دارائی در آن حصول گردیده است، آغاز می گردد.

(۲) برخلاف جزء (۷) فقره (۱) ماده هجدهم این قانون یک دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن

يا قرار داد هايڊروکاربن که به منظور اعمار يا حصول دارائى يعنى تعمير يا حصول حقوق جهت اشغال تعمير ، متقبل مصارف بدون کرایه سالانه می گردد، مصارف متذکره را به اساس فیصدی مساویانه در جریان (۱۵) سال وضع نموده می تواند. وضع کسرات در سال ایکه مصارف را در آن متقبل گردیده است، آغاز می گردد.

(۳) یک دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن و یا قرار داد هايڊروکاربن ایکه متقبل مصارف حصول صلاحیت نامه معدن، جواز معدن و یا قرارداد هايڊروکاربن می گردد، مصارف حصول صلاحیت نامه، جواز معدن یا قرار داد هايڊروکاربن را به اساس فیصدی مساویانه هر سال

يا د هايڊروکاربن د قرارداد لرونکی چې د شتمنی د ودانولو يا ترلاسه کولو يعنى وداني يا د ودانی د نیولو (اشغال) لپاره د حقوقو د ترلاسه کولو په منظور له کلنی کرایې پرته لگښتونو متقبل کېږي، ذکر شوي لگښتونه د برابرې فیصدی پر بنسټ د (۱۵) کلونو په بهیر کې وضع کولای شي. د کسراتو وضع کول له هغه کال څخه چې لگښتونه پکې متقبل شوی دی، کېږي، پیل کېږي .

(۳) د کان د جواز ، د کان د واک لیک یا د هايڊرو کاربن د قرارداد لرونکی چې د کان د واک لیک ، د کان د جواز یا د هايڊرو کاربن د قرارداد د ترلاسه کولو د لگښتونو متقبل کېږي ، د کان د واک لیک، د کان د جواز یا د هايڊرو کاربن د قرارداد د ترلاسه کولو لگښتونه د برابرې فیصدی پر بنسټ ، هر کال له هغو کلونو څخه چې

از سال های که صلاحیت نامه، جواز و قرارداد فوق الذکر مورد تطبیق قرار می گیرند، وضع نموده می تواند.

(۴) ارزش استهلاک دارائی دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرارداد هایدروکاربن در هر زمان منحیث مصارف اصلی منفی هر نوع کسرات مصارف اعمار یا حصول دارائی متذکره که مطابق این ماده مجاز دانسته شده، محسوب می گردد. هرگاه شخصیت فوق الذکر، دارائی خویش را بیشتر از ارزش بعد از وضع استهلاک آن بفروش رساند، قیمت اضافی از عواید قابل مالیه شخص مذکور محسوب می گردد. هرگاه دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرارداد هایدروکاربن

پورته ذکر شوی واک لیک، جواز او د هایدرو کاربن قرارداد تر تطبیق لاندې نیول کېږي، وضع کولای شي.

(۴) د کان د جواز، د کان د واک لیک یا د هایدرو کاربن د قرارداد د لرونکي د شتمنی د استهلاک ارزښت، په هر وخت کې د اصلي لگښتونو په توګه منفي د ذکر شوې شتمنی د ودانولو یا ترلاسه کولو د لگښتونو هر ډول کسرات چې د دې مادې مطابق مجاز ګڼل شوي دي، محسوبېږي. که چېرې پورته ذکر شوی شخصیت، خپله شتمني له ارزښت زیاته، دهغې له استهلاک وروسته وپلوري، اضافي بیه د نوموړي شخص له مالېې وړ عوایدو څخه محسوبېږي. که چېرې د کان د جواز، د کان د واک لیک یا د هایدرو کاربن د قرارداد لرونکی خپله شتمني له ارزښت څخه په ټیټه د هغې د

دارائی خویشرا کمتر از ارزش بعد از وضع استهلاك آن بفروش رساند، می تواند مجرائی تفاوت ارزش بعد از استهلاك و قیمت فروش را در سالیکه دارائی در آن بفروش رسیده، بدست بیاورد.

مصارف اعمار سرکها

ماده هشتاد و دوم:

(۱) این ماده بالای دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن که متقبل مصارف اعمار سرک جهت پیش برد فعالیت های که مطابق جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن می گردد، تطبیق می شود.

(۲) شخصیت که در فقره (۱) این ماده تشریح گردید، می تواند مصارف اعمار سرک را در ظرف پانزده سال، با کسر مصارف سالی که در آن سرک تکمیل می گردد،

استهلاك له وضع کولو وورسته وپلوري، کولای شي له استهلاك او د پلورنې له بیې د وورسته ارزښت د توپیر مجرائی په هغه کال کې چې شتمنې پکې پلورل شوې ده، لاس ته راوړي.

د سرکونو د جوړولو لگښتونه

دوه اتیایمه ماده:

(۱) دغه ماده دکان د جواز، دکان دواک لیک یا د هایدرو کاربن د قرارداد پر هغه لرونکي باندې چې د هغو فعالیتونو د پر مخیولو لپاره چې د کان د جواز، د کان د واک لیک یا د هایدرو کاربن د قرارداد مطابق، د سرک جوړولو لپاره لگښتونه مني، تطبیقېږي.

(۲) هغه شخصیت چې د دې مادې په (۱) فقره کې تشریح شوی دی، کولای شي د سرک د جوړولو لگښتونه لکه څرنګه چې د دې مادې په (۱) فقره کې څرګنده شوې ده، دهغه کال د لگښتونو په

چنانیکه در فقره (۱) این ماده توضیح گردیده است، وضع نماید.

(۳) این فقره بالای دارنده جواز معدن، صلاحیت نامۀ معدن یا قرارداد هایدروکاربن که مطابق جواز معدن، صلاحیت نامۀ معدن و یا قرارداد هایدروکاربن، حقوق خویش را به شخص دیگر بفروش میرساند و در نتیجه شخص فروشنده سرک را که در فقره (۱) این ماده تشریح گردیده است، استفاده ننموده و حاصل کننده جواز معدن، صلاحیت نامۀ معدن یا قرارداد هایدروکاربن ها از سرک متذکره استفاده می نماید، تطبیق می گردد. در چنین حالت، شخص حاصل کننده جواز معدن، صلاحیت نامۀ معدن یا قرارداد هایدروکاربن مستحق وضع مصارف کسر ناشده اعمار سرک برای سالهای باقیمانده کسرات

کسر سره چپي سرک پکي بشپري، د پنخلسو کلونو په موده کې، وضع کړي.

(۳) دغه فقره د کان د جواز، د کان د واک لیک یا د هایدروکاربن د قرارداد په لرونکي باندې چپي د کان د جواز، د کان د واک لیک یا د هایدروکاربن د قرارداد مطابق خپل حقوق په بل شخص باندې پلوري او په پایله کې پلورونکی شخص له هغه سرک څخه چپي د دې مادې په (۱) فقره کې تشریح شوی دی گټه نه اخلي او د کان د جواز، د کان د واک لیک یا د هایدروکاربنونو د قرارداد ترلاسه کونکی له نوموړي سرک څخه گټه اخلي، تطبیقېږي. پداسې حالت کې دکان د جواز، د کان د واک لیک یا د هایدروکاربنونو ترلاسه کونکی شخص د کسراتو د پاتې کلونو لپاره د سرک د جوړولو د نه کسر شوو لگښتونو د وضع کولو

می باشد. سال های متباقی کسر مصارف سرک با منفی نمودن تعداد سالهای که مالک و یا مالکین قبلی آن به اساس این ماده مستحق استهلاک بودند، از پانزده سال محاسبه می گردد.

(۴) در صورتیکه فقره (۳) این ماده بالای اعمار سرک ایکه در فقره (۱) این ماده توضیح گردیده است، تطبیق گردد، شخصی که حقوق خویش را مطابق جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرارداد هایدروکاربن بفروش میرساند، مطابق حکم این ماده مستحق مجرائی مصارف اعمار سرک در سالیکه حقوق مذکور در آن فروخته شده و یا در سال های بعدی آن نمی باشد.

مصارف قبل از تولید

ماده هشتاد و سوم:

(۱) برخلاف ماده هجدهم این

مستحق دی. دسرک دلگبنتونو دکسریپاتی کلونه دهغو کلونودشمبر په منفی کولو سره چې پخواني مالک یا مالکان یې ددې مادې پربنسټ داستهلاک مستحق وو، له پنځلسو کلونو څخه محاسبه کېږي. (۴) په هغه صورت کې چې د دې مادې (۳) فقره دهغه سرک پر جوړولو باندې چې د دې مادې په (۱) فقره کې تشریح شوی دی تطبیق شي، هغه شخص چې خپل حقوق دکان دجواز، دکان د واک پانې یا دهایدرو کاربن دقرارداد مطابق پلوري، ددې مادې دحکم مطابق په هغه کال کې چې نوموړي حقوق پکې پلورل شوي یا دهغه په راوړوسته کلونو کې دسرک د جوړولو دلگبنتونو دمجرائیې مستحق ندی .

له تولید د مخه لگبنتونه

دري اتيایمه ماده :

(۱) د دې قانون د اتلسمې مادې

قانون، دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن و یا قرارداد هایدروکاربن صرف مصارف قبل از تولید را به اساس فیصدی مساویانه در هر سال طی میعاد وصول مصارف قبل از تولید مجرائی گرفته می تواند، در صورتی که :

۱ - "مصارف قبل از تولید" عبارت از مصارف است که دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن و یا قرارداد هایدروکاربن قبل از تولید تجارتي مواد معدنی در مدت فعالیت مربوط به جواز معدن، صلاحیت نامه معدن متقبل شده باشد. با آنها، مصارف قبل از تولید دربرگیرنده مصارف حصول دارائی دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن و یا قرارداد

پرخلاف د کان د جواز ، د کان د واک لیک یا د هایدرو کاربن د قرارداد لرونکی یوازې له تولید څخه د مخه لگښتونه د برابرې فیصدی پربنسټ په هر کال کې له تولید څخه د دمخه لگښتونو د رسېدو په موده کې په هغه صورت کې مجرائی اخستی شي چې :

۱ - "له تولید څخه دمخه لگښتونه" له هغو لگښتونو څخه عبارت دي چې د کان د جواز ، د کان د واک لیک یا د هایدرو کاربن د قرارداد لرونکي د کان په جواز، د کان په واک لیک یا د هایدرو کاربن په قرارداد پورې د اړوندو فعالیتونو په موده کې د سوداگریزو کاني موادو له تولید څخه دمخه متقبل شوی وي. لدې سره سره له تولید څخه د مخه لگښتونه ، د کان د جواز، د کان د واک لیک یا د هایدرو کاربن د قرارداد د لرونکي د شتمنی د ترلاسه کولو لگښتونه ،

هایدروکاربن معادن یا مصارف
اعمار سرک نمی باشد.

۲ - "میعاد وصول دوباره مصارف
قبل از تولید" در فعالیت های
استخراج معادن و یا هایدروکاربن
که ذریعه دارنده جواز معدن،
صلاحیت نامه معدن یا قرار داد
هایدروکاربن در یکی از ساحات
تعریف شده در جواز معدن
و یا صلاحیت نامه معدن
عبارت از مدت کمتر از میعاد
ذیل باشد:

- پانزده سال.

- تعداد سالهای باقیمانده در جواز
یا صلاحیت نامه.

- "میعاد وصول دوباره مصارف
قبل از تولید" برای یک شرکت
هایدروکاربن عبارت از تعداد
سالهای باقیمانده در قرارداد
می باشد.

(۲) دارنده جواز معدن ،
صلاحیت نامه معدن یا قرارداد

د کانونو یا د سرک د جورولو
لگنبتونه په بر کې نه نیسي.

۲- د کانونو یا د هایدرو کاربن د
استخراج په فعالیتونو کې « له تولید
خنخه د دمخه لگنبتونو د بیا رسېدو
موده » چې د کان د جواز ، د کان
د واک لیک یا د هایدرو کاربن د
قرارداد لرونکي په ذریعه د کان په
جواز یا د کان په واک لیک کې له
تعریف شوو ساحو خنخه په یوې کې
د لاندې میعاد له لږې مو دې خنخه
عبارت وي :

- پنځلس کاله .

- په جواز یا واک لیک کې د پاتو
کلونو شمېر .

۳- د هایدروکاربن دیووه
شرکت لپاره "له تولید
خنخه د دمخه لگنبتونو
د بیا رسېدو موده" په قرارداد کې د
پاتو کلونو شمېر دی .

(۲) د کان د جواز ، د کان د واک
لیک یا د هایدرو کاربن د قرارداد

هایدروکاربن طوری پنداشته می شود که فعالیت های تولیدات تجارتي مواد معدنی و هایدروکاربن ها را در یکی از موارد ذیل (هر کدام آنها که نخست واقع گردد) آغاز نموده است:

۱- در سالی که وزارت مالیه و وزارت معادن یادداشت کتبی را مبنی بر اینکه وزارت خانه های متذکره به استناد یادداشت تحریری شخصیت فوق الذکر پذیرفته اند که شخصیت متذکره فعالیت های تجارتي را آغاز نموده است، صادر نمایند.

۲- در صورتیکه یک دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن دارای صلاحیت نامه معادن باشد، از سالی که فروشات مواد معدنی شش فیصد بیش از مصارف قبل از تولید را تشکیل دهد که وی در سال قبلی

لرونکی داسی گنبل کپری چې د کاني موادو او هایدرو کاربونونو سوداگریز فعالیتونه یې له لاندې مواردو څخه په یوه کې (له هغو څخه هر یو چې لومړی واقع شي) پیل کړيدي:

۱- په هغه کال کې چې د مالې وزارت او د کانونو وزارت، پدې هکله چې ذکر شوو وزارتخانو د پورتنی ذکر شوي شخصیت د لیکلي یادښت په استناد، منلې ده چې ذکر شوي شخصیت سوداگریز فعالیتونه پیل کړيدي، لیکلی یادښت صادر کړي.

۲- په هغه صورت کې چې د کان د جواز، د کان دواک لیک یا د هایدرو کاربن د قراردادو لرونکی، د کانونو د واک لیک لرونکی وي، له هغه کال څخه چې د کاني موادو پلورنه، له تولید څخه ددمخه لگښتونو په سلو کې له شپږو څخه زیات تشکیل کړي چې هغه په تېر

کال کې متقبل شوی دي .

۳- په هغه صورت کې چې یو ذکر شوی شخصیت د هایډرو کاربن د قرارداد لرونکی وي ، هغه کال چې پکې د هایډرو کاربونونو د پلورنې له درکه عواید تر هغې وړاندې د نوموړي شخصیت په واسطه د متقبل شوو له تولید څخه د دمخه لگښتونو د ټاکلي حد له فیصدي څخه د لگښتونو د ټاکلي حد فیصدي د (۱۰۰) پر عدد باندې د هایډرو کاربن د کلونو د تقسیم له لارې لاسته راځي .

(۳) که چېرې د کان د جواز ، د کان د واک لیک، د هایډرو کاربن د قراردادو لرونکی ، د کان په جواز، د کان په واک لیک یا د هایډرو کاربن په قرارداد کې درج شوي خپل حقوق په بل شخصیت چې هغه هم د کان د جواز، د کان د واک لیک یا د هایډرو کاربن د قرارداد لرونکی دی وپلوري ،

متقبل شده است.

۳- در صورتیکه یک شخصیت متذکره دارای قرارداد هایډروکاربن باشد، سالی که در آن عواید بابت فروش هایډروکاربن ها از فیصدي حد معين مصارف قبل از تولید متقبل شده توسط شخصیت مذکور قبل از آن فیصدي حد معين مصارف از طریق تقسیم تعداد سال های هایډروکاربن بر عدد (۱۰۰) بدست می آید.

(۳) هرگاه یک دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن و یا قرار داد هایډروکاربن حقوق مندرج جواز، صلاحیت نامه یا قرارداد هایډروکاربن خویش را به شخصیت دیگری که وی نیز دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هایډروکاربن معادن

است، بفروش برساند، شخصیت اولی می تواند مصارف متقبله قبل از تولید خویش را در مصارف حصول حقوق جواز، صلاحیت نامه یا قرارداد که مطابق فقره (۱) قبلاً وضع نشده باشد، علاوه نماید.

وضع کسرات جهت اعانه به یک صندوق پولی برای تمویل بودجه مکلفیت های

محیطی و اجتماعی

ماده هشتاد و چهارم:

دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن هر مقدار پول را که باید در رابطه به مکلفیت محیطی و اجتماعی تادیه گردد، مطابق ماده هشتاد و دوم قانون مواد معدنی منتشره جریده رسمی شماره (۸۵۹) سال ۱۳۸۴ و یا به اساس یک پلان لازمی هر قانون ایکه بالای

لومرنی شخصیت کولای شی خپل له تولید خخه ددمخه متقبله لگنبتونه د جواز، واک لیک یا د قرارداد د حقوقو د ترلاسه کولو په لگنبتونو کې چې د (۱) فقرې مطابق د مخه وضع شوي نه وي، ورزیات کړي.

د چاپیریالی او ټولنیزو مکلفیتونو د بودجې د تمویل لپاره یوه پولی صندوق ته د اعانې په منظور د

کسراتو وضع کول

څلور اټیایمه ماده:

د کان د جواز، د کان د واک لیک یا د هایدروکاربن د قرارداد لرونکی هره اندازه پیسی چې بنایي د چاپیریالی او ټولنیز مکلفیت په اړه ورکړل شي. د ۱۳۸۴ کال د رسمی جریدې په (۸۵۹) گڼه کې خپور شوي د کاني موادو د قانون د دوه اټیایمي مادې مطابق، یا د هر هغه قانون د لازمی پلان پر بنسټ

هایدروکاربن ها قابل تطبیق باشد، وضع نماید.

پول متذکره به نهاد تأدیبه می گردد که هیچگونه رابطه مستقیم یا غیر مستقیم با شخصی که مطابق این ماده دعوی وضع همچو مصارف نماید، نداشته باشد.

شخصیت فوق الذکر، از طریق یک نهاد مالی منظور شده توسط د افغانستان بانک، تضمین نامه بانکی تأدیبات را به وزارت مالیه درمورد مقدار قابل کسر و اینکه مقداری به امانت گذاشته شده را طوریکه در مقررات مواد معدنی دولت و یا به اساس پلان که مطابق هر قانون هایدروکاربن قابل تهیه شده، به مصرف نمی رساند، فراهم می نماید.

چې پر هایدرو کاربونونو باندي د تطبیق وړ وي، وضع کړي.

نوموړې پیسې هغه بنسټ ته ورکول کېږي چې له هغه شخص سره چې د دې مادې مطابق، ددغه ډول لگښتونو د وضع دعوي وکړي هېڅ ډول مستقیمه یا غیر مستقیمه رابطه ونه لري.

پورته ذکر شوی شخصیت، د د افغانستان بانک لخوا د یوه منظور شوي مالي بنسټ له لارې د ورکړو بانکي تضمین لیک د مالي وزارت ته د کسر وړ مقدار په هکله او دا چې په امانت اېښودل شوی مقدار هغه ډول چې د دولت د کاني موادو په مقرراتو کې یا دهغه پلان پر بنسټ چې د هایدرو کاربن د هر قانون مطابق د برابرېدو وړ شوی دی، په مصرف نه رسوي، برابر وي.

د زیان لېږدېدل او د موافقه

لیکونو دوام

پنځه اټایمه ماده :

(۱) د دې قانون دوه څلورېنښتمه ماده چې د عملیاتي خالص زیان پر تشخیص باندې یو محدودیت تطبیقوي د کان د جواز ، د کان د واک لیک یا د هایدرو کاربن د قرارداد پر یوه لرونکي باندې نه تطبیقېږي ، که چېرې د کان د جواز، د کان د واک لیک یا د هایدرو کاربن د قرارداد یو لرونکی هغسې چې د دې قانون په اووه څلورېنښتمه ماده کې تعریف شوي دي ، د خالص عملیاتي زیان متقبل شي ، په هغه صورت کې نوموړی زیان د راتلونکي کال لپاره د مجرایي وړ لگښتونو په توګه ، ګڼل کېږي .

(۲) د دې مادې د (۳) فقرې مطابق ، د مالیې وزارت پدې قانون کې درج شوي حکمونه په

انتقال زیان و دوام

موافقتنامه ها

ماده هشتاد و پنجم:

(۱) ماده څه ل و دوم این قانون که یک محدودیت را بالای تشخیص زیانخالص عملیاتي تطبیق می نماید، بالای یک دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن تطبیق نمی گردد. هرگاه یک دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن متقبل زیانخالص عملیاتي طوریکه در ماده څه ل و هفتم این قانون تعریف شده است، گردد، در آن صورت زیان مذکور منحیث مصارف قابل مجرائی برای سال بعد محسوب می گردد.

(۲) مطابق فقره (۳) این ماده، وزارت مالیه احکام مندرج این قانون را در

زمانیکه دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن و یا قرار داد هاییدروکاربن جانب ذیدخل دریکسی از جواز معدن، صلاحیت نامه معادن یا قرارداد هاییدروکاربن برای میعاد ذیل باشد، تطبیق می نماید:

۱ - برای مدت پنج سال، در صورتی که دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن و یا قرار داد هاییدروکاربن دارنده صلاحیت نامه معادن باشد، پنج سال متذکره از همان سالی که شخصیت مذکور صلاحیت نامه را اخذ می نماید، آغاز می گردد.

۲ - برای مدت هشت سال، در صورتی که دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن و یا قرار داد هاییدروکاربن دارنده جواز معدن بوده،

هغه وخت کي چي د کانونو د جواز، د کان د واک ليک يا د هاییدروکاربن دقرار داد لرونکی، د کان د جواز، د کانونو د واک ليک يا د هاییدروکاربن په یوه قرارداد کي، د لاندې مودې لپاره ذیدخل اړخ وي، تطبیقوي:

۱- د پنځو کلونو مودې لپاره، په هغه صورت کي چي د کان د جواز، د کان دواک ليک يا د هاییدرو کاربن د قرارداد لرونکی، د کانونو دواک ليک لرونکی وي، ذکر شوي پنځه کلونه له هماغه کال څخه چي نوموړی شخصیت واک ليک اخلي، پیل کېږي.

۲- د اتو کلونو مودې لپاره، په هغه صورت کي چي د کان د جواز، د کان د واک ليک يا د هاییدرو کاربن د قرار داد لرونکی د جواز لرونکی

هشت سال متذکره از همان سالی آغاز می گردد که شخصیت مذکور جوازنامه را اخذ می نماید.

۳ - میعاد قرارداد هاییدروکاربن، در صورتیکه دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هاییدروکاربن یک جانب ذیدخل در قرار داد هاییدروکاربن باشد.

(۳) وزارت مالیه احکام مندرج این قانون را صرف بالای دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هاییدروکاربن که در فقره (۲) این ماده توضیح گردیده است، در صورتی تطبیق می نماید که دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هاییدروکاربن کتباً موافقت

وي، ذکر شوي اته کلونه ، له هماغه کال خنجه پیل کبږي چې نوموړی شخصیت جوازلیک اخلي .

۳- د هاییدرو کاربن د قرارداد موده ، په هغه صورت کې چې د کان د جواز، د کان دواک لیک یا د هاییدرو کاربن د قرارداد لرونکی، د هاییدرو کاربن په قرارداد کې یو ذیدخل اړخ وي .

(۳) د مالې وزارت پدې قانون کې درج شوي حکمونه ، یوازې د کان د جواز ، دکان د واک لیک یا د هاییدرو کاربن د قرارداد پر لرونکي باندي چې د دې مادې په (۲) فقره کې توضیح شوی دی ، په هغه صورت کې تطبیقوي چې د کان د جواز ، د کان د واک لیک یا د هاییدرو کاربن د قرارداد لرونکي په لیکلي توگه موافقه کړې وي چې د مالې

نموده باشد که عواید قابل مالیه وی تحت نورم (۳۰) فیصد مالیات بر عایدات برای سالهای که احکام این قانون ذریعه وزارت مالیه به اساس این ماده بدون در نظر داشت تغییرات بعدی تطبیق می گردند، قرار می گیرد.

فصل سیزدهم

تعیین مالیه، ارائه اظهار نامه

ها، اعتراضات و تادیه

مالیات

نمبر تشخیصیه مالیه

دهنده

ماده هشتاد و ششم :

(۱) اشخاص انفرادی ، شرکتهای و مؤسساتیکه مطابق احکام این قانون یا قانون گمرکات مکلف به پرداخت مالیات یا محصول گمرکی می باشند و سازمانهای اجتماعی غیر

و بر عواید بی د هغو کلونو لپاره چې د دې قانون حکمونه د مالیې وزارت په ذریعه د دې مادې پر بنسټ د وروستیو بدلونونو له په پام کې نیولو پرته تطبیقېږي ، پر عایداتو باندي د مالیاتو په سلو کې د (۳۰) تر نورم لاندې راځي.

دیارلسم فصل

د مالیې ټاکل ، د

اظهارلیکونو وړاندی کول،

اعتراضونه او د مالیاتو ورکول

د مالیه ورکونکي تشخیصیه

نمبر

شپږ اټایمه ماده:

(۱) انفرادي اشخاص، شرکتونه او هغه مؤسسې چې د دې قانون یا د گمرکونو د قانون د حکمونو مطابق، د مالیاتو یا د گمرکي محصول په ورکولو مکلف دي او غیر انتفاعي ټولنیز سازمانونه او هغه

انتفاعی و مؤسسات خیریه که مالیات از معاشات یا دستمزد کارکنان مربوط خویش را وضع می نمایند و یا اشخاصی که در بانکها یا سایر مؤسسات مالی حساب داشته و یا افتتاح نمایند، مکلف اند تا نمبر تشخیصیه مالیه دهنده را اخذ نمایند. کارکنانیکه عواید شان مطابق احکام این قانون تابع وضع نمودن مالیات قرار می گیرند، نیز تابع این حکم میباشند.

(۲) طرز العمل استفاده و توزیع نمبر تشخیصیه مالیه دهنده توسط وزارت مالیه ترتیب می گردد.

(۳) توزیع و تجدید جوازنامه فعالیت اشخاص حقیقی یا حکمی فاقد نمبر تشخیصیه مالیه دهنده که مکلف به اخذ آن بوده، از طرف وزارت ها، ادارات و سایر مؤسسات دولتی جواز ندارد.

خیریه مؤسسه چي مالیات د خپلو اړوندو کارکونکو له معاشونو یا مزدوری- څخه وضع کوي او یا هغه اشخاص چي په بانکونو یا نورو مالي مؤسسو کې حساب لري یا یې پرانيزي، مکلف دي خو د مالیه ورکونکي تشخیصیه نمبر واخلي. هغه کارکونکي چي عوایدی د دې قانون د حکمونو مطابق، د مالیاتو د وضع کولو تابع گرځي، هم د دې حکم تابع دي.

(۲) د مالیه ورکونکي د تشخیصیه نمبر د گټې اخستې او وپشلو کړنلاره د مالیې وزارت لخوا ترتیبېږي.

(۳) د مالیه ورکونکي د تشخیصیه نمبر د نه لرونکو حقیقی یا حکمی اشخاصو د فعالیت د جوازلیک وپشل او نوي کول چي په اخستلو یې مکلف دي، د وزارتونو، ادارو او نورو دولتي مؤسسو لخوا جواز نه لري.

د مالي ټاکل او تعدیلول

اووه اټیایمه ماده :

(۱) جواز لرونکي حکمي اشخاص او حقيقي اشخاص چې پدې قانون کې د درج شوو حکمونو مطابق پر عایداتو باندې د مالیاتو تابع دي ، مکلف دي د عوایدو ، د مالیاتو د وضع کولو او نورو اړینو معلوماتو د رپوټ د وړاندې کولو لپاره مفصل مالیاتي بیلانس او اظهارلیک د دې قانون او پر عایداتو باندې د مالیاتو د تعلیماتنامې د حکمونو مطابق ډک او اړوندې مالیاتي خانگې ته وړاندې کړي.

(۲) هغه انفرادي مالیه ورکونکي چې ددې قانون د حکمونو مطابق د کارفرما په واسطه د مالیاتو د وضع کولو تابع دی ، د اظهارلیک په ترتیبولو مکلف ندی ، خو دا چې مزدوري یا معاش له خوگونو کارفرمایانو څخه لاس ته راوړي یا د مزدوري پر سېره بل عاید هم ولري.

تعیین مالیه و تعدیل آن

ماده هشتاد و هفتم:

(۱) اشخاصی حکمی دارنده جواز و اشخاص حقيقي مطابق احکام مندرج این قانون تابع پرداخت مالیات بر عایدات بوده، مکلف اند بیلانس و اظهارنامه مالیاتی مفصل را جهت ارائه گزارش عواید، وضع مالیات و سایر معلومات ضروری مطابق احکام این قانون و تعلیماتنامه مالیات بر عایدات خانه پری و به شعبه مالیاتی مربوط تسلیم نمایند.

(۲) مالیه دهنده انفرادی ایکه مطابق احکام این قانون تابع وضع نمودن مالیات توسط کارفرما می باشد، مکلف به ترتیب اظهارنامه نبوده، مگر اینکه دست مزد یا معاش را از دو یا چندین کارفرما بدست بیاورد و یا عاید دیگری بر علاوه دست مزد نیز داشته باشد.

مالیه معاش و دستمزد که مطابق احکام قانون وضع شده، قابل پس پرداخت نمی باشد.

(۳) هر گاه مؤدی، اظهار نامه مالیاتی خویش را مطابق احکام این قانون تسلیم و مالیه ذمت وی در آن درج باشد، این اظهارنامه منحصاً مالیه قابل تأدییه و یادداشت تعیین مالیه وی پنداشته می شود.

(۴) هر گاه وزارت مالیه متیقن گردد که معلومات فراهم شده در اظهار نامه مالیاتی مالیه ذمت مؤدی را نشان نمیدهد، وزارت مالیه مقدار مالیه ذمت وی را تعیین و یادداشت تعدیل شده تعیین مالیه را در مورد مقدار مالیه به شخصی که مسؤل تأدییه مالیه است، صادر می نماید. در صورتی که وزارت مالیه باز هم متیقن گردد که رقم

د هغه معاش او مزدوری مالیه چې د دې قانون د حکمونو مطابق وضع شویده، د بېرته ورکړې وړنده .

(۳) که چېرې مؤدی خپل مالیاتی اظهارلیک د دې قانون د حکمونو مطابق تسلیم او د ذمت مالیه یې پکې درج وي، دغه اظهارلیک د ورکړې وړ مالیې او د هغه د مالیې د ټاکنې د یاددښت په توګه ګڼل کېږي .

(۴) که چېرې د مالیې وزارت باوري شي چې په مالیاتی اظهارلیک کې برابر شوی معلومات د مؤدی د ذمت مالیه نه څرګندوي، د مالیې وزارت د هغه د ذمت مالیه ټاکي او د مالیې د مقدار په هکله د مالیې د ټاکنې تعدیل شوی یاددښت هغه شخص ته چې د مالیې د ورکړې مسؤل دی، صادر وي. په هغه صورت کې چې د مالیې وزارت باوري شي چې په یاددښت

مندرج یادداشت درست نیست، این یادداشت نیز تعدیل و منحیت یادداشت تعیین مالیه پنداشته می شود.

(۵) هر گاه مؤدی اظهار نامه مالیاتی خویش را مطابق احکام این قانون ترتیب و تسلیم نه نماید، وزارت مالیه مقدار مالیه ذمت وی را تعیین و یادداشت آنرا به شخصی که مکلف به تأدیة مالیه است، صادر می نماید. هرگاه وزارت مالیه متیقن گردد که رقم مندرج یادداشت متذکره درست نیست، این یادداشت نیز تعدیل می گردد.

(۶) وزارت مالیه یادداشت تعیین مالیه را صرف در خلال پنج سال شروع از تاریخی که اظهار نامه مالیاتی خانه پری و یادداشت به آن ارتباط گیرد، صادر یا تعدیل می نماید. وزارت مالیه می تواند یادداشت تعیین مالیه را هر زمانیکه

کپی درج شوی رقم صحیح ندی، دغه یاددبنت هم تعدیل او د مالیې د تاکنې د یاددبنت په توگه گنل کېږي.

(۵) که چېرې مؤدی خپل مالیاتي اظهارلیک، د دې قانون د حکمونو مطابق ترتیب او تسلیم نکړي، د مالیې وزارت د هغه د ذمت مالیه تاکی او یاددبنت یې هغه شخص ته چې د مالیې په ورکړه مکلف دی صادر وي. که چېرې د مالیې وزارت باوري شي چې په نوموړي یاددبنت کې درج شوی رقم صحیح ندی، دغه یاددبنت هم تعدیلېږي .

(۶) د مالیې وزارت د مالیې د تاکنې یاددبنت، د پنځو کلونو په موده کې پیل له هغې نېټې څخه چې مالیاتي اظهارلیک دک او یاددبنت په هغه پورې ارتباط ومومي، صادر یا تعدیلوي. د مالیې وزارت کولای شي د مالیې د تاکنې یاددبنت هر کله چې شخص د خپل مالیاتي

شخص موفق به تسليم دهی اظهار نامه مالیاتی خویش نگردیده یا اظهار نامه مالیاتی غلط را (به قصد فرار از مالیه) تسليم دهد، صادر یا تعديل می نماید.

(۷) هرگاه وزارت مالیه متیقن گردد که تحصیل مالیه ذمت شخص به دلیل اینکه وی در حال عزیمت از افغانستان، خاتمه بخشیدن به کار شرکت و یا انتقال ملکیت بوده، یا به سایر دلایل در مخاطره قرار داشته باشد، وزارت مالیه یادداشت تعیین مالیه را برای هر یک از مقطع زمانی سال جاری یا سال های قبلی مالی صادر نموده می تواند.

میعاد ارائه اظهار نامه

مالیاتی و تادیه مالیات

ماده هشتاد و هشتم:

(۱) شخصی که مکلف به تکمیل اظهار نامه مالیاتی و بیلانس (به استثنای فورمه مالیه

اظهارلیک به تسلیمولو بریالی نشی یا غلط مالیاتی اظهارلیک (له مالیې څخه د تېنې په نیت) تسليم کړي صادر یا تعديلوي .

(۷) که چېرې دمالیې وزارت باوري شي چې د شخص د ذمت دمالیې تحصیل پدې دلیل چې هغه له افغانستان څخه د تللو، د شرکت کارته دپای ورکولو یا د ملکیت د لېږدولو په حال کې دی یا په نورو دلیلونو په خطر کې وي، دمالیې وزارت دمالیې دتاکنې یاددښت د روان کال یا د دمخه مالي کلونو د هرې زمانې مقطع لپاره صادرولی شي.

د مالیاتی اظهارلیک د وړاندې

کولو او د مالیې دورکړې وخت

اته اتيایمه ماده :

(۱) هغه شخص چې د مالیاتی اظهارلیک او بیلانس (د انتفاعي معاملو د خدمتونو د وړاندې کولو د

عرضه خدمات معاملات
انتفاعی) می باشد، باید
اظهارنامه مالیاتی خویش
را الی اخیر جوزا (ماه سوم) سال
مابعد به دفتر مالیة مربوط
تسلیم نماید.

(۲) مالیه مندرج یادداشت تعیین
مالیات به تاریخ تعیین شده در آن
قابل تأدیة می باشد.

(۳) اشخاص مقیم یا غیر مقیم که
کشور را قبل از تاریخ معینه تأدیة
مالیات ذمت شان ترک می نمایند،
مکلف اند الی دو هفته قبل از
عزیمت اظهارنامه مربوط را تسلیم
و مالیات ذمت خویش را
تأدیة نمایند.

(۴) اشخاصی که مکلف به ارائه
اظهارنامه مطابق احکام
این قانون بوده و تابع سایر مقررات
تأدیات مطابق این قانون
نمی باشند، باید حین ارائه
اظهارنامه مالیاتی، مالیات

مالیه د فورمی په استثنی) په
بشپړولو مکلف وي ، باید خپل
مالیاتی اظهارلیک دراوروسته کال د
غبرگولي (درېمې میاشتې) تر پایه
پورې دمالیه اړوند دفتر ته
تسلیم کړي.

(۲) د مالیاتو د ټاکنې په یادښت
کې درج شوې مالیه په هغه کې په
ټاکلې موده کې د ورکړې وړ ده .

(۳) هغه مېشت یا غیر مېشت
اشخاص چې هېواد د خپل ذمت د
مالیاتو د ورکړې له ټاکلې نېټې څخه
د منځه پرېږدي ، مکلف دي له تلو
دوه اوونۍ دمنځه اړوند اظهارلیک
تسلیم او دخپل ذمت مالیات
ورکړي .

(۴) هغه اشخاص چې د دې قانون
د حکمونو مطابق د اظهارلیک په
وړاندې کولو مکلف دي او د دې
قانون مطابق د ورکړو د نورو
مقرراتو تابع ندي ، باید د مالیاتی
اظهارلیک د وړاندې کولو په ترڅ

کې اړوند ماليات ورکړي .

(۵) هغه اشخاص چې د انتفاعي معاملو د مالياتو د فورمې په ډکولو مکلف دي ، مالياتي اظهارليک په هرو دريو مياشتو کې ډک او د خپلو ورکړې وړ ماليو د تحويلې له سندونو سره يو ځای دي، د راوړوسته مياشتې تر پنځلسمې نېټې پورې، د کال له هرې ربعې وروسته تسليم کړي .

(۶) هغه اشخاص چې د اقتصادي کار او فعاليت په ثابتو ځايونو کې د خدمتونو په وړاندې کولو باندې بوخت وي ، مکلف دي ، د خپل ذمت مالیه په هرو دريو مياشتو کې د راوړوسته مياشتې تر پنځلسمې پورې ورکړي ، خو دا چې پدې قانون کې بل ډول اټکل شوي وي .

(۷) هغه اشخاص چې د منقول او غير منقول ملکيت لرونکي دي ، مکلف دي د خپل ذمت مالیه د ملکيت د لېږدولو د ثبت په وخت

مربوط را تاديه نمايند .

(۵) اشخاصی که مکلف به خانه پری فورمه مالیات معاملات انتفاعی می باشند، اظهارنامه مالیاتی را در هر سه ماه خانه پری و همراه با اسناد تحويلی مالیه قابل پرداخت شان الی پانزدهم ماه بعدی بعد از هر ربع سال تسليم نمايند .

(۶) اشخاصی که در محلات ثابت کار و فعالیت اقتصادی مصروف عرضه خدمات می باشند مکلف اند، مالیه ذمت شانرا در خلال هر سه ماه الی پانزدهم ماه بعدی تادیه نمايند، مگر اینکه در این قانون طور دیگری پیشبینی گردیده باشد .

(۷) اشخاصی که دارای ملکيت منقول و غير منقول بوده، مکلف اند مالیه ذمت شانرا حین ثبت انتقال ملکيت

کې ورکړي .

(۸) له دولتي ادارو سره د عقد شوو قراردادونو مالیه ، د دې قانون په دري اویایمه ماده کې د درج شوی حکم مطابق د ورکړو د اجراء په وخت کې ، د اړوندې دولتي ادارې لخوا وضع کېږي .

(۹) د نمایشگاوو، تیاترونو ، سینماگانو، کنسرتونو ، نندارتونونو، ورزش ځایونو او هغوته ورته ، پر عایداتو باندې مالیات د راوړوسته میاشتي تر پنځلسمې نېټې پورې د ورکړې وړ دي . په هغه صورت کې چې د ذکر شوو نمایشگاوو فعالیت دوامدار نه وي ، د هغو مالیه دې د نمایش په پای کې واخستل شي.

اعتراضونه او عریضې

نهه اتيایمه ماده :

(۱) هغه مالیه ورکوونکی چې مالیاتي اظهارلیک د دې قانون د حکمونو مطابق وړاندې یا د مالیه د

تأدیه نمایند.

(۸) مالیه قرار دادهای منعقدہ با ادارات دولتی مطابق حکم مندرج ماده هفتادو سوم این قانون حین اجرای تأدیات از طرف اداره ذیربط دولتی وضع می گردد.

(۹) مالیات بر عایدات نمایشگاه ها، تیاتر، سینما ها، کنسرت ها، نندارتون ها، ورزشگاه ها و امثال آن الی تاریخ پانزدهم ماه بعدی قابل تأدیه می باشد. در صورتیکه فعالیت نمایشگاه های متذکره دوامدار نباشد، مالیه آنها در ختم نمایش اخذ گردد.

اعتراضات و عریض

ماده هشتاد و نهم:

(۱) مالیه ده ایکه اظهار نامه مالیاتی را مطابق احکام این قانون ارائه یا یادداشت

تعيين ماليه را تسليم شده و بعداً متيقن گردد که اظهارنامه مالياتی يا يادداشت تعيين ماليه نادرست باشد، در اينصورت می تواند تعديل يادداشت ماليه را صرف از تاريخ ارائه اظهارنامه مالياتی در خلال پنج سال تقاضا نمايد.

(۲) وزارت ماليه يادداشت مندرج فقره (۱) اين ماده را در خلال (۶۰) روز بعد از ارائه درخواستی تعديل يا تائيد و به ماليه ده ابلاغ می نمايد. هرگاه وزارت ماليه در خلال اين مدت اجراءات نه نمايد، طوری پنداشته می شود که يادداشت قبلی تعيين ماليه تائيد گرديده است. در اينصورت مؤدی می تواند در خلال (۳۰) روز بعد از ابلاغ يا انقضای ميعاد مذکور اعتراض خویش را به وزارت ماليه

تاکنی ياددنبت تسليم شوی وي او وروسته باوري شي چې مالياتی اظهارليک يا د ماليی د تاکنی ياددنبت به ناسم وي ، پدې صورت کې کولای شي د ماليی د ياددنبت تعديل يوازی د مالياتی اظهارليک د وړاندې کولو له نېټې څخه د پنځو کلونو په موده کې وغواړي.

(۲) د ماليی وزارت د دې مادې په (۱) فقره کې درج شوی ياددنبت، دغوبنتليک له وړاندې کولو وروسته د (۶۰) ورځو مودې په ترڅ کې تعديل يا تائيد او ماليه ورکونکي ته يې ابلاغوي. که چېرې د ماليی وزارت ددې مودې په ترڅ کې اجراءات ونکړي، داسې گڼل کېږي چې د ماليی د تاکنی د مخنی ياددنبت تائيد شوی دی . پدې صورت کې مؤدی کولای شي د نوموړې مودې له ابلاغ يا تېرېدو وروسته د (۳۰) ورځو په ترڅ کې

ارائه نماید. اعتراض از طرف هیئت بررسی در خلال حد اکثر الی (۶۰) روز مورد غور قرار گرفته، تصمیم لازم اتخاذ می نماید. هرگاه هیئت بررسی در این مدت تصمیم اتخاذ نموده و یا مالیه ده به تصمیم اتخاذ شده هیئت بررسی قناعت نه نماید، می تواند در خلال (۳۰) روز از تاریخ ابلاغ تصمیم هیئت، به محکمه مراجعه نماید. حکم محکمه در مورد قطعی و قابل تطبیق می باشد.

پس پرداخت

ماده نودم:

هر گاه وزارت مالیه بالاثر بررسی اظهار نامه مالیاتی، ادعای مؤدی یا فیصله محکمه دریابد که مالیه تأدیه شده اضافه تر از مقدار معینه می باشد، مالیه تأدیه شده اولاً جهت رفع سایر مالیات مؤدی یا

خپل اعتراض د مالی وزارت ته وړاندې کړي . اعتراض د څېړنې د هیئت لخوا زیات نه زیات د (۶۰) ورځو په موده کې تر غور لاندې نیول کېږي، لازم تصمیم نیسي. که چېرې د څېړنې هیئت، پدې موده کې تصمیم و نه نیسي یا مالیه ورکونکی د څېړنې د هیئت پرنیول شوي تصمیم قناعت ونکړي، کولای شي د هیئت د تصمیم د ابلاغ له نېټې څخه د (۳۰) ورځو په ترڅ کې محکمې ته مراجعه وکړي. د محکمې حکم پدې هکله قطعی او د تطبیق وړ دی.

بېرته ورکړه

نوي یمه ماده :

که چېرې د مالی وزارت د مالیاتي اظهارلیک د څېړنې ، د مؤدي د ادعا یا د محکمې د فیصلې له امله و پوهېږي چې ورکړل شوې مالیه له ټاکلې اندازې څخه زیاته ده ، ورکړل شوې مالیه لومړی د مؤدی

محصولات گمرکی قابل پرداخت وی یا به موافقه خودش به حساب سایر تأدیه کننده گان محاسبه گردیده و بعد از اجرای آن، مقدار اضافی دوباره با در نظر داشت تعلیماتنامه قانون مالیات بر عایدات به مؤدی مسترد می گردد.

تحصیل معلومات

ماده نود و یکم:

(۱) به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون وزارت مالیه صلاحیت دارد تا اسناد مالیه ده را بررسی نموده و به این منظور می تواند هر نوع معلومات را در رابطه به امور مالی و تجارتي از مالیه ده یا سایر اشخاص مطالبه نماید.

(۲) معلومات مندرج فقره (۱) این ماده و معلومات حاصله در رابطه به اظهارنامه محرم بوده و از طرف مؤظفین مربوط وزارت

د نورو مالیاتو د رفع کولو یا د هغه د ورکړې وړ گمرکي محصولاتو یایې په خپله موافقه د نورو تأدیه کوونکو په حساب محاسبه کېږي او د هغې له اجراء وروسته اضافي مقدار بیا ، پر عایداتو باندې د مالیاتو د تعلیماتنامې له په پام کې نیولو سره مؤدی ته مستردېږي .

د معلوماتو ترلاسه کول

یو نوي یمه ماده :

(۱) ددې قانون د حکمونو د بڼه تطبیق په منظور، د مالیې وزارت واک لري، خو د مالیه ورکوونکي سندونه وڅېړي او ددې منظور لپاره کولی شي د مالی او سوداگریز چارو په اړه هر ډول معلومات له مالیه ورکوونکي یا نورو اشخاصو څخه وغواړي.

(۲) ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوي معلومات او د اظهارلیک په اړه ترلاسه شوي معلومات محرم دي او د مالیې وزارت د اړوندو

مالیه افشاء نمی گردد.
مگر به حکم قانون.

(۳) طرز بررسی اسناد مالیه
ده در تعلیماتنامه قانون
مالیات بر عایدات تنظیم
می گردد.

(۴) شخصی که بدون دلایل
موجه در خلال مدت بیست
روز اسناد را بدسترس مؤظفین
وزارت مالیه قرار ندهد
یا از ارائه معلومات خودداری
نماید، در برابر هر روز
از تاریخ مطالبه، مکلف
به پرداخت مالیه اضافی قرار
ذیل می باشد:

۱- شخص حقیقی مبلغ یکصد
افغانی.

۲- شخص حکمی مبلغ دو صد
افغانی.

روزهای رخصتی از این حکم
مستثنی است.

مؤظفینو لخوا نه افشاء کېږي ، خو
د قانون په حکم.

(۳) د مالیه ورکونکي د سندونو د
څېړنې ډول پر عایداتوباندې د مالیاتو
د قانون په تعلیماتنامه کې
مشخصېږي.

(۴) هغه شخص چې له موجهو
دلایلو پرته د شلو ورځو مودې په
ترڅ کې سندونه د مالیې وزارت د
مؤظفینو په واک کې ورنکړي یا د
معلوماتو له ورکولو څخه ډډه
وکړي، د غوښتنې له نېټې څخه د
هرې ورځې په وړاندې په لاندې
توگه د اضافي مالیې په ورکړه
مکلف دی:

۱- حقیقی شخص سل
افغانی.

۲- حکمی شخص دوه سوه
افغانی.

د رخصتی ورځې لدې حکم څخه
مستثنی دي.

خوارلسم فصل

تطبيقي حکمونه

له ثالث شخص څخه د نه

ورکړل شوو مالياتو تحصيل

دوه نوي يمه ماده :

د مالي وزارت کولای شي د مؤدي له موافقې پرته ، د ليکلي يادښت پر بنسټ دورکړې وړ ماليات له لاندې اشخاصو څخه هم ترلاسه کړي:

۱- هغه شخص چې له مؤدي څخه پور وړی وي .

۲- هغه شخص چې د مؤدي پيسې ساتي.

۳- هغه شخص چې پيسې د بل شخص په نمايندگي ، مؤدي ته د ورکړې په منظور ساتي.

۴- هغه شخص چې مؤدي ته د پيسو د ورکړې لپاره د بل شخص واک لري.

۵- هغه حقيقي او حکمي شخص

فصل چهاردهم

احکام تطبيقي

تحصيل ماليات تأديه ناشده از

شخص ثالث

ماده نود و دوم:

وزارت ماليه می تواند بدون موافقه مؤدی به اساس يادداشت تحریري، ماليات قابل تأديه را از اشخاص ذيل نیز تحصيل نمايد:

۱- شخصيکه از مؤدی مقروض می باشد.

۲- شخصي که پول مؤدی را نگهداری می نمايد.

۳- شخصي که پول رابه نمايندگي شخص ديگر به منظور تأديه آن به مؤدی نگهداری می نمايد.

۴- شخصي که صلاحيت شخص ديگر را جهت تأديه پول به مؤدی دارد.

۵- شخص حقيقي و حکمي ايکه

چي مؤدي ته د معاشونو، مزدوريو او هغوته دورته په ورکړې مکلف وي.

د آمرانو ، ونډه لرونکو او نورو

اشخاصو مکلفیت

دري نوي یمه ماده :

هغه شرکت چې پر ورکړې وړ عایداتو باندې مالیات د دې قانون د حکمونو مطابق ور نکړي ، د مالیې وزارت کولای شي د هغه د ذمت مالیه له لاندې اشخاصو څخه تحصیل کړي:

۱- هغه واکمن مسؤلین چې د شرکت د مالیاتي مکلفیت په رفع کولو کې یې بی توجهي کړېده .

۲- هغه ونډه لرونکی چې لږ ترلږه په سلو کې لس د شرکت په مالکیت کې ونډه ولري ، د ونډې د هغې گټې په اندازه چې هغه ئې له شرکت څخه لاسته راوړي .

۳- هغه شخص چې د شرکت د شتمنی یوه یا له یوې څخه زیاته برخه یې د بازار له بیې څخه په تیب

مکلف به تادیه معاشات، دستمزدها و امثال آن به مؤدی باشد.

مکلفیت آمرین ، سهامداران

وسایراشخاص

ماده نود و سوم:

شرکتی که مالیات بر عایدات قابل تادیه را مطابق احکام این قانون تادیه نه نماید، وزارت مالیه می تواند مالیه ذمت آنرا از اشخاص ذیل تحصیل نماید:

۱ - مسؤلین ذیصلاحی که در رفع مکلفیت مالیاتي شرکت بی توجهی نموده باشند.

۲ - سهامداری که حد اقل ده فیصد در مالکیت شرکت سهامی بوده، به اندازه مفاد سهم که وی از شرکت بدست می آورد.

۳- شخصی که یک یا بیشتر از یک حصه دارائی شرکت را به نرخ کمتر از قیمت بازار حین

اجرای معامله ، سه سال قبل از تاریخ پرداخت مالیات تأدیه نشده بدست آورده باشد.

شخص ممنوع الخروج

ماده نود و چهارم:

شخصی که حسابات مالیاتی و تأدیاتی وی بیشتر از بیست هزار افغانی بوده و آنرا با مراجع ذیربط تصفیه نموده باشد، از کشور خارج شده نمی تواند. مقامات ذیصلاح وزارت مالیه می توانند در مورد عدم خروج وی به مراجع ذیربط امنیتی یادداشت کتبی را ارسال نماید.

مسدود نمودن

ماده نود و پنجم:

هرگاه مؤدی، اظهارنامه مالیاتی و مالیات را مطابق به احکام این قانون به وقت معینه ارائه، تأدیه یا وضع نه نماید، وزارت مالیه می تواند مؤدی را ذریعه

نرخ د نه ورکړل شوو مالیاتو د ورکړې له نېټې څخه درې کاله دمخه، دمعاملې د اجراء په وخت کې لاس ته راوړې وي .

ممنوع الخروج شخص

څلورنوي يمه ماده :

هغه شخص چې مالیاتی او تأدیاتی حسابونه یې له شلو زرو افغانیو څخه زیات وي او هغه یې له اړوندو مراجعو سره تصفیه کړي نه وي ، له هېواد څخه وتلی نشي . د مالیې وزارت واکمن مقامونه کولای شي د هغه د نه وتلو په هکله اړوندو امنیتي مراجعو ته لیکلی یادښت ولېږي .

بندول

پنځه نوي يمه ماده :

که چېرې مؤدي ، مالیاتی اظهارلیک او مالیات د دې قانون د حکمونو مطابق په ټاکلي وخت وړاندې نکړي، ورنکړي یاېې وضع نکړي ، د مالیې وزارت کولای شي مؤدي

یادداشت تحریری مبنی بر اینکه بخشی از فعالیت یا تمام آن را بعد از (۷) روز از تاریخ یادداشت مسدود می نماید، اطلاع دهد. این حکم بعد از امضای مقامات ذیصلاح وزارت مالیه الی تصفیه کامل حسابات مالیاتی و تأدیاتی نافذ بوده و مراجع امنیتی مکلف اند، در تطبیق این حکم همکاری نمایند.

محدودیت دسترسی مؤدی به

دارائی

ماده نود و ششم

(۱) هرگاه مؤدی اظهارنامه مالیاتی و مالیات را مطابق احکام این قانون به وقت معینه ارائه، تأدیه، یا وضع نه نماید، وزارت مالیه می تواند به محکمه ذیصلاح مراجعه و الی تصفیه حسابات مالیاتی و تأدیاتی محدودیت دسترسی به دارائی های

ته دلیکلی یادداشت په ذریعه، پدې اړه چې فعالیت یوه برخه یا ټول یې د یادداشت له نېټې څخه (۷) ورځې وروسته بندوي، خبر ورکړي. دغه حکم د مالیې وزارت د واکمنو مقامونو له لاسلیک وروسته د مالیاتي او تأدیاتي حسابونو تر بشپړې تصفیې پورې نافذ دی او امنیتي مراجع مکلف دي، د دې حکم په تطبیق کې همکاري وکړي.

شتمنی ته د مؤدي د لاس رسی

محدودیت

شپږ نوي يمه ماده :

(۱) که چېرې مؤدي مالیاتي اظهارلیک او مالیات د دې قانون د حکمونو مطابق په ټاکلي وخت وړاندې نکړي، ورنکړي یا بې وضع نکړي د مالیې وزارت کولای شي واکمني محکمې ته مراجعه وکړي او د مالیاتي او تأدیاتي حسابونو تر تصفیې پورې په مؤدي پورې د

منقول و غیر منقول (بلاک) متعلق به مؤدی را تقاضا نماید.

(۲) هرگاه مؤدی در خلال مدت (۳۰) روز وجایب مالیاتی و تأدیاتی خویش را اداء نه نماید، وزارت مالیه می تواند به محکمه ذیصلاح مراجعه و فروش آنرا تقاضا نماید. هرگاه مؤدی قبل از صدور حکم محکمه به ایفای مکلفیت های مندرج فقره (۱) این ماده حاضر گردد، از تعقیب عدلی وی انصراف بعمل میاید.

(۳) محکمه ذیصلاح می تواند در حالت مندرج فقره (۱) این ماده به فروش دارائی های متذکره از طریق مزایده و داوطلبی حکم صادر نماید.

(۴) وزارت مالیه از ماحصل فروش، وجایب مالیاتی و تأدیاتی مؤدی را اخذ و متباقی آنرا به وی مسترد می نماید.

اړوندو منقولو او غیر منقولو شتمنیو د لاس رسی. محدودیت (بلاک) وغواړي.

(۲) که چېرې مؤدی د (۳۰) ورځو په موده کې خپل مالیاتی او تأدیاتی وجایب اداء نکړي، د مالیې وزارت کولای شي واکمنې محکمې ته مراجعه وکړي او پلورل یې وغواړي، که چېرې مؤدی د محکمې د حکم له صادرېدو د منځه، د دې مادې په (۱) فقره کې ددرج شویو مکلفیتونو سرته رسولو ته حاضر شي، له عدلی تعقیب څخه یې صرف نظر کېږي .

(۳) واکمنه محکمه کولای شي ، د دې مادې په (۱) فقره کې په درج شوي حالت کې د مزایدې او داوطلبی له لارې دذکر شوو شتمنیو په پلورلو حکم صادر کړي.

(۴) د مالیې وزارت د پلورنې له ماحصل څخه ، د مؤدی مالیاتی او تأدیاتی وجایب اخلي او پاتې یې هغه ته مستردوي .

پنخلم فصل

د ماليي له پټولو څخه

مخنيوی

د مرتبطو اشخاصو تر منځ

معاملې

اووه نوي يمه ماده:

که چېرې يوه معامله د حکمي اشخاصو لخوا له مرتبطو اشخاصو (خپلوانو او د معاملي شریکانو) او همدارنگه عین معامله له غیر مرتبطو اشخاصو سره د بيو په توپیر سره صورت ومومي ، د ماليي په سنجولو کې هغه رقم په پام کې نیول کېږي چې د ماليي ډبرلوړ رقم ترلاسه کړي .

د ماليي پټول

اته نوي يمه ماده :

(۱) که چېرې ماليه ورکونکی په داسې يوه معامله کې ور داخل شي چې عمداً د هغه د مالياتي او تأدياتي

فصل پانزدهم

جلوگيري از کتمان

ماليه

معاملات میان اشخاص

مرتبط

ماده نود وهفتم:

هر گاه یک معامله از طرف اشخاص حکمی با اشخاص مرتبط (اقارب و شریکان معامله) و همچنان عین معامله با اشخاص غیر مرتبط با تفاوت قیمت ها صورت گیرد ، در سنجش ماليه رقمی مد نظر گرفته می شود که بلندترین مبلغ ماليه را حاصل نماید.

کتمان ماليه

ماده نود وهشتم:

(۱) هرگاه ماليه دهنده وارد معامله نی شود که عمداً باعث کاهش مکلفیت های مالیاتی و

تأدياتي وی گورد، وزارت
ماليه معامله رارد و
مورد بررسی قرار
می دهد.

(۲) اشخاصی که عواید قابل
پرداخت مایه شانرا کتمان
نمایند، مکلف به پرداخت
ماليه اصلی و اضافی قرار ذیل
می گردند:

- مرتبه اول، اصل مایه قابل
پرداخت کتمان شده با
جریمه دوچند مایه
اضافی.

- مرتبه دوم، بر علاوه
اصل مایه قابل پرداخت
کتمان شده با جریمه
دوچند مایه اضافی.
درینصورت فعالیت اقتصادی
کتمان کننده به اساس
حکم محکمه متوقف
می گردد.

مکلفیتونو د کمپدو باعث
وگرخی، د مالی وزارت
معامله ردوي او ترخبرني
لاندې بي نيسي .

(۲) هغه اشخاص چې د خپلې
ماليې دورکړې وړعوايد پت کړي،
په لاندې توگه د اصلي او
اضافي ماليې په ورکړې مکلف
کېږي :

- لومړی ځل، پته کړی شوې د
ورکړې وړ اصلي مایه د اضافي
ماليې له دوه چنده جریمې
سره.

- دوه یم ځل، د پتې کړی
شوې ورکړې وړ اصلي
ماليې برسېره، اضافي مایه
له دوه چنده جریمې سره .
په دې صورت کې د پټوونکي
اقتصادي فعالیت د محکمې
د حکم پر بنسټ درول
کېږي .

شپارسم فصل

اضافي ماليه او مالياتي

جریمې

سرغړونې او مجازات

نهه نوي یمه ماده :

(۱) که چېرې مؤدي په دې قانون کې درج شوي مالياتي مکلفیتونه په پام کې ونه نیسي، د خپل ذمت د مالیاتو پر ورکړې برسېره د اضافي ماليې په ورکړه مکلف او د دې فصل د حکمونو د مجازاتو مستوجب هم دی . اضافي ماليه پدې قانون کې د نورو درج شوو مالیاتو په څېر سنجش او تحصیل کېږي .

(۲) پر عایداتو باندې اضافي ماليه، په لاندې مواردو کې دورکړې وړ ده :
۱- د دې قانون په حکمونو کې په درج شوي ټاکلي وخت کې د ماليې د نه ورکړې په صورت کې .

۲- د سوداګریزو معاملو د سندونو او دفترونو دنه خوندي کولو، نه ساتنې

فصل شانزدهم

ماليه اضافي و جرایم

مالياتي

تخلفات و مجازات

ماده نود ونهم:

(۱) هرگاه مؤدی مکلفیت های مالیاتی مندرج احکام این قانون را رعایت نه نماید، علاوه بر پرداخت مالیات ذمت خویش، مکلف به تأدیة ماليه اضافي و مستوجب مجازات احکام این فصل نیز میباشد. ماليه اضافي مانند سایر مالیات مندرج این قانون سنجش و تحصیل می گردد.

(۲) مالیة اضافی بر عایدات در موارد ذیل قابل تأدیة می باشد:
۱- در صورت عدم تأدیة ماليه به وقت معینه مندرج احکام این قانون.

۲- در صورت عدم حفظ ، نگهداشت و ارائه اسناد و دفاتر

- او نه وړاندې کولو په صورت کې .
- ۳- د مالياتي بیلانس او اظهارلیک د نه وړاندې کولو په صورت کې .
- ۴- د ماليې د نه وضع کولو په صورت کې .
- ۵- د ماليې د نه ورکولو په صورت کې .
- ۶- د ماليه ورکونکي د تشخیصه نمبر د نه اخستلو په صورت کې .
- په ټاکلي وخت د ماليې د نه ورکولو په صورت کې اضافي ماليه
- سلمه ماده :
- هغه اشخاص چې د خپل ذمت ماليه په ټاکلي وخت ورنکړي ، د ورځې په سلو کې د (۱۰ %) فیصد اضافي ماليې په ورکولو مکلف دي .
- معاملات تجارتي .
- ۳- در صورت عدم ارائه بیلانس و اظهارنامه مالياتي .
- ۴- در صورت عدم وضع ماليه .
- ۵- در صورت عدم پرداخت ماليه .
- ۶- در صورت عدم اخذ نمبر تشخیصه ماليه دهنده .
- ماليه اضافي در صورت عدم تاديه ماليه به وقت معينه
- ماده صدم:
- اشخاصی که ماليه ذمت خویش را در ميعاد معينه تاديه نه نمایند ، مکلف به پرداخت ماليه اضافي در فی روز مبلغ (۱۰ %) فیصد می باشند .

مالیه اضافی بر عایدات

در صورت عدم حفظ

اسناد

ماده یکصد و یکم:

(۱) مؤدی ایکه بدون دلایل اسناد و دفاتر معاملات مربوط را مطابق احکام این قانون به صورت درست تهیه، حفظ و نگهداری نه نماید یا به دسترس مؤظفین وزارت مالیه قرار ندهد، شخص حقیقی به تأدیبه مبلغ پنجهزار افغانی مالیه اضافی و شخص حکمی مکلف به تأدیبه مبلغ بیست هزار افغانی مالیه اضافی می باشند.

(۲) شخصی که به قصد فرار از پرداخت مالیه، اسناد و دفاتر معاملات مربوط را تهیه، حفظ و نگهداری نه نماید، علاوه بر پرداخت مالیه اضافی مندرج فقره (۱) این ماده به خانونالی معرفی می گردد.

د سندونو د نه ساتني په صورت

کې پر عایداتو باندې اضافی

مالیه

یو سلو یوه یمه ماده :

(۱) هغه مؤدی چې له دلیلونو پرته د اړوندو معاملو سندونه او دفترونه، د دې قانون د حکمونو مطابق په سمه توګه برابر، خوندي او و نه ساتي یا یې د مالیه وزارت د مؤظفینو په لاس رسی کې ورنکړي حقیقی شخص د پنخو زرو افغانیو د اضافی مالیه په ورکړه او حکمی شخص د شلو زرو افغانیو اضافی مالیه په ورکړه مکلف دی .

(۲) هغه شخص چې له مالیه څخه د تېبنتې په نیت، د اړوندو معاملو سندونه او دفترونه برابر، خوندي او و نه ساتي، د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شوې اضافی مالیه پر ورکړې بر سېره خانونالی ته معرفی کېږي.

د مالیاتی اظهارلیک د نه وړاندې

کولو په صورت کې اضافي مالیه

یوسلو دوه یمه ماده :

(۱) هغه حقیقي شخص چې له مؤجهو د لیلونو پرته اړوند مالیاتي اظهارلیک ، د دې قانون د حکمونو مطابق د ټاکلې مودې په ترڅ کې وړاندې نکړي ، د هرې ورځې څنډه په وړاندې د سلو افغانیو اضافي مالیې په ورکړه او حکمي شخص د هرې ورځې څنډه په وړاندې د پنځه سوو افغانیو اضافي مالیې په ورکولو مکلف دی. د رخصتیاو ورځې لدې امر څخه مستثنی دي .

(۲) هغه شخص چې له مالیې څخه د تېبنتې په نیت اړوند مالیاتي اظهارلیک ، د دې قانون د حکمونو مطابق ، د ټاکلې مودې په ترڅ کې وړاندې نکړي، د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شوې اضافي مالیې پر ورکړې بر سېره څارنوالۍ ته ورپېژندل کېږي.

د مالیې اضافي درصورت عدم

ارائه اظهارنامه مالیاتي

ماده یکصد و دوم:

(۱) شخص حقیقي ایکه بدون دلایل مؤجه اظهارنامه مالیاتي مربوط را مطابق احکام این قانون در خلال مدت معینه ارائه نه نماید، به تأدیة مبلغ یکصد افغانی مالیة اضافی در برابر هر روز تأخیر و شخص حکمی به تأدیة مبلغ پنجمصد افغانی مالیة اضافی در برابر هر روز تأخیر مکلف می باشند. روز های رخصتی از این امر مستثنی است.

(۲) شخصی که به قصد فرار از پرداخت مالیة اظهارنامه مربوط را مطابق احکام این قانون در خلال مدت معینه ارائه نه نماید، علاوه بر پرداخت مالیة اضافی مندرج فقره (۱) این ماده، به څارنوالی معرفی می گردد.

مالیہ اضافی در صورت عدم

وضع مالیہ

مادہ یکصد و سوم:

(۱) اشخاصی کہ بدون دلائل مؤجہ مالیہ معاش و دستمزد، عواید تکتانہ، مفاد سہم، کرایہ، کمیشن، حق الامتیاز و عواید مشابہ را مطابق احکام این قانون وضع نہ نمایند، مکلف بہ تادیہ ده فیصد مالیہ اضافی می باشند.

(۲) اشخاصی کہ بہ قصد فرار از تادیہ مالیہ مندرج فقرہ (۱) این مادہ مالیات را وضع نہ نمایند. علاوہ بر پرداخت مالیہ اضافی مندرج فقرہ (۱) این مادہ بہ خازنوالی معرفی می گردد.

مالیہ اضافی در صورت عدم

تادیہ مالیہ

مادہ یکصد و چہارم:

(۱) اشخاصی کہ بدون دلیل

د مالیہ د نہ وضع کولو پہ

صورت کی اضافی مالیہ

یو سلو درې یمہ مادہ:

(۱) ہغہ اشخاص چي له موجهو دلیونو پرته د معاش، مزدوری، د تکتانې د عوایدو، دسہم د گټې، کرایې، کمیشن، حق الامتیاز او ورته عوایدو مالیہ د دې قانون د حکمونو مطابق وضع نکړي، په سلو کې د لس اضافی مالیہ په ورکړه مکلف دي.

(۲) ہغہ اشخاص چي د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شوې مالیہ له ورکړې څخه د تېبنتې په نیت، مالیات وضع نکړي، د دې مادې په (۱) فقره کې د درج اضافی مالیہ په ورکړه برسېره خازنوالی ته ورپېژندل کېږي.

د مالیہ د نہ ورکړې په صورت

کی اضافی مالیہ

یوسلو څلورمه مادہ:

(۱) ہغہ اشخاص چي له موجهه

مؤجه، مالیه وضع شده را مطابق احکام این قانون تأدیہ نه نمایند، علاوه بر پرداخت مالیه مندرج ماده صدم این قانون مکلف به تأدیہ ده فیصد مالیه اضافی می باشند.

(۲) اشخاصی که به قصد فرار از مالیه، مالیه تثبیت شده را مطابق احکام این قانون تأدیہ نه نمایند، علاوه بر تأدیہ مالیه اضافی مندرج فقره (۱) این ماده به خانونالی معرفی می گردد.

مالیه اضافی در ارتباط به نمبر

تشخیصیه مالیه دهنده

ماده یکصد و پنجم:

شخص حقیقی ایکه مطابق حکم ماده نودویکم این قانون مکلف به داشتن نمبر تشخیصیه مالیه دهنده بوده، بدون دلیل مؤجه آنرا اخذ نه نماید، مکلف به تأدیہ مبلغ پنج هزار افغانی

دلیل پرتہ وضع شوې مالیه د دې قانون د حکمونو مطابق ورنکړي، ددې قانون په سلمه ماده کې ددرج شوې مالیه پرورکړه برسېره په سلو کې د لسو اضافي مالیه په ورکړه مکلف دي .

(۲) هغه اشخاص چې له مالیه څخه د تېبنتې په نیت، وضع شوې مالیه، د دې قانون د حکمونو مطابق ورنکړي، د دې مادې په (۱) فقره ددرج شوې اضافي مالیه پر ورکړه برسېره خانونالی ته ورپېژندل کېږي.

د مالیه ورکونکي د تشخیصیه

نمبر په اړه اضافي مالیه

یو سلو پنځمه ماده :

هغه حقیقی شخص چې د دې قانون د یونوي میې مادې د حکم مطابق د مالیه ورکونکي د تشخیصیه نمبر په لرلو مکلف دی، له مؤجه دلیل پرتہ هغه وانخلي، د پنځو زرو افغانیو اضافي

مالیه اضافی و شخص حکمی به تادیبه مبلغ بیست هزار افغانی مالیه اضافی مکلف می باشند.

تخلفات مؤظفین مالیاتی

ماده یکصد و ششم:

(۱) هرگاه مؤظفین مالیاتی به قصد حصول منفعت مستقیم یا غیر مستقیم، معلومات محرم مندرج این قانون را افشاء نماید و یا سایر اشخاصی که در افشای معلومات وی را کمک نمایند، به خارانوالی معرفی می گردد.

(۲) هرگاه مؤظفین مالیاتی بدون اجازه رسمی مقامات ذیصلاح مربوط از موقف خویش به قصد حصول منفعت مستقیم یا غیر مستقیم مالی یا سایر منفعت ها استفاده سوء نمایند، به خارانوالی معرفی می گردد.

مالیه په ورکړه او حکمي شخص د شلو زرو افغانیو اضافي مالیه په ورکړه مکلف دی .

د مالیاتی مؤظفینو سرغړونې

یوسلو شپږمه ماده :

(۱) که چېرې مالیاتی مؤظفین د مستقیمې یا غیر مستقیمې ګټې د ترلاسه کولو په نیت پدې قانون کې درج شوي معلومات افشاء کړي یا نور هغه اشخاص چې د معلوماتو په افشاء کولو کې له هغه سره مرسته وکړي، خارانوالی ته ورپېژندل کېږي.

(۲) که چېرې مالیاتی مؤظفین د اړوندو واکمنو مقامونو له رسمي اجازې پرته د مستقیمې یا غیر مستقیمې مالي ګټې یا نورې ګټې د ترلاسه کولو په نیت له خپل موقف څخه ناوړه ګټه واخلي، خارانوالی ته ورپېژندل کېږي.

د اضافي مالياتو د تحصيل واک

يو سلو اوومه ماده :

د دې فصل په حکمونو کې درج شوې اضافي ماليات د ماليې وزارت د مالياتي څانگو په واسطه تحصيل کېږي .

اوو لسم فصل

وروستني حکمونه

د کړنلارې د وضع کولو او د

فورمو برابرول

يو سلو اتمه ماده :

(۱) د ماليې وزارت د مالياتو د تشخيص، تثبيت او اخستلو په منظور هغه فورمي چې د قانون د حکمونو مطابق اړينې گڼل کېږي برابر وي .

(۲) د ماليې وزارت د دې قانون د حکمونو د ښه تطبيق په منظور پر عايداتو باندې د مالياتو تعليماتنامه ، جلا کړنلاره او لايحې(عمومي او انفرادي) وضع کوي.

صلاحيت تحصيل ماليات

اضافي

ماده يکصدو هفتم:

ماليات اضافي مندرج احکام اين فصل توسط شعبات مالياتي وزارت ماليه تحصيل می گردد.

فصل هفدهم

احکام نهائی

وضع طرز العمل و تهيه

فورمه ها

ماده يکصدوهشتم:

(۱) وزارت ماليه به منظور تشخيص، تثبيت و اخذ ماليات فورمه های را که مطابق احکام قانون ضروری پنداشته می شود ، تهيه می نماید.

(۲) وزارت ماليه به منظور تطبيق بهتر احکام اين قانون تعليماتنامه ماليات بر عايدات، طرز العمل و لوايح جداگانه (عمومي و انفرادي) را وضع می نماید.

د جواز نه صادروول

يو سلو نهمه ماده :

(۱) که چېرې حقيقي يا حکمي اشخاص، دخپلې غاړې دورکړې وړ مالیه، ددې قانون د حکمونو مطابق، دهغې په ټاکلي وخت ورنکړي، د ماليې وزارت کولی شي، دهغو د سوداگريز جواز د نه نوي کولو په هکله، هغو ادارو او مؤسسو ته چې د جواز د صادروولو واک لري، خبر ورکړي.

دا شخصو جواز هغه وخت د اجراء وړ دی چې د ماليې له وزارت څخه د خپل مالياتي نه مسؤليت سند اړوندې ادارې ته وړاندې کړي. سربېره د جواز د صادروولو ادارې نشي کولی له انفرادي اشخاصو، د سهامې او محدودالمسئوليت شرکتونو رئيس چې دخپل يا خپلو شرکتونو مالياتي مکلفيتونه يې ندي اداء کړي، د عين شخص يا نوموړو شرکتونو په نوم بل جواز صادر کړي.

عدم صدور جواز

ماده یکصدونهم:

(۱) هرگاه اشخاص حقيقي يا حکمي، مالیه قابل تأديه ذمت خود را مطابق به احکام اين قانون بوقت معين آن تأديه نه نمايند، وزارت مالیه می تواند درمورد عدم تجديد جواز تجارتي شان رسماً به ادارات و مؤسسات که صلاحيت صدور جواز را دارند، اطلاع دهد. جواز اشخاص وقتی قابل اجراء می باشد که سند عدم مسؤليت مالياتي خود را از وزارت مالیه به اداره مربوط ارائه نمايد، برعلاوه ادارات صدور جواز نمی تواند به اشخاص انفرادی، رئيس شرکت های سهامی و محدود المسئوليت که مکلفيت های مالياتي خود و يا شرکت های خویش را ادا نکرده اند جواز ديگر را به اسمی عين شخص و يا شرکت های مذکور صادر نمايد.

(۲) ادارات صادرکننده جواز مکلف اند تا لست و مشخصات اشخاص حقیقی و حکمی را که جواز آنها مدار اعتبار است از طریق انترنت در اختیار ادارات دولتی قرار دهند.

- تمام ادارات و مؤسسات دولتی مکلف اند در هنگام عقد قرارداد از صحت و تاریخ اعتبار جواز اطمینان حاصل نموده سپس عقد قرارداد نمایند.

(۳) ذوات مندرج ماده دوم قانون معاشات مقامات دولتی قبل از انتخاب و یا انتصاب مکلف اند تا فورم های عدم باقی داری مالیاتی را از طریق وزارت مالیه تکمیل نمایند.

شرایط استفاده از

معافیت

ماده یکصد و دهم:

(۱) تشبثات منظور شده که مکلفیت های مندرج احکام

(۲) د جواز صادر وونکې ادارې مکلفې دي خو د حقيقي او حکمي اشخاصو لست او مشخصات چې د هغو جواز د اعتبار وړ دي، د انټرنټ له لارې د دولتي ادارو په واک کې ورکړي.

- ټولې دولتي ادارې او مؤسسې مکلفې دي د قرارداد د عقد په وخت کې د جواز د اعتبار له صحت او نېټې څخه ډاډ ترلاسه او وروسته قرارداد عقد کړي.

(۳) د دولتي مقاماتو د معاشونو د قانون په دوه یمه ماده کې درج شوي ذوات، له غوراوي او انتصاب دمخه مکلف دي، خو د نه باقیداری- فورمونه د مالیې وزارت له لارې بشپړ کړي.

له معافیت څخه د گټې اخستنې

شرایط

یو سلو لسمه ماده:

(۱) هغه منظور شوي تشبثات چې د ۱۳۸۱/۶/۲۰ نېټې په (۸۰۳) گڼه

قانون سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی منتشره جریده رسمی شماره (۸۰۳) مؤرخ ۶/۲۰ / ۱۳۸۱ و قوانین مربوط را انجام نداده باشند، از تاریخ اول سرطان سال ۱۳۸۳ به بعد مستحق استفاده از معافیت احکام مندرج قانون مذکور نمی باشند.

(۲) تشبثات منظور شده که مطابق احکام قانون سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی مندرج فقره (۱) این ماده که قبل از تاریخ ۹/۱ / ۱۳۸۲ عملاً به فعالیت آغاز نموده باشند، در صورتی می توانند از امتیازات مندرج احکام آن مستفید گردند که احکام مندرج این قانون و قوانین مربوط را رعایت نموده و به رعایت آن ادامه بدهند.

رسمی جریده کی خپور شوي د کورنی او بهرنی خصوصی پانگې اچونې د قانون او اړوندو قوانینو په حکمونو کې درج شوي مکلفیتونه سرته نه وي رسولي ، ۱۳۸۳ کال د چنگاښ له لومړۍ نېټې څخه وروسته د نوموړي قانون په حکمونو کې له درج شوي معافیت څخه د گټې اخستنې مستحق ندي . (۲) هغه منظور شوي تشبثات چې د دې مادې په (۱) فقره کې درج د کورنی او بهرنی خصوصی پانگې اچونې دقانون دحکمونو مطابق چې له ۱۳۸۲/۹/۱ نېټې څخه د منځه یې عملاً په فعالیت پیل کړی وي ، په هغه صورت کې کولای شي د هغه په حکمونو کې له درج شوو امتیازونو څخه گټه واخلي چې پدې قانون او اړوندو قوانینو کې درج شوي حکمونه یې په پام کې نیولي وي او په پام کې نیولو ته یې دوام ورکړي.

(۳) تشبثات منظور شدہ کہ از معافیت های مالیاتی مندرج احکام قانون سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی مندرج فقره (۱) این ماده استفاده نموده اند یا با نظر داشت حکم مندرج فقره (۱) این ماده و یا نسبت انقضای تاریخ معافیت مالیاتی، معافیت مالیاتی آنها خاتمه می یابد، در صورتیکه تشبثات متذکره الی تاریخ ۱۳۸۳/۴/۱ ثبت و راجستر گردیده، ارزش دارائی ثابت استهلاک ناشده باقیمانده آنها در همان تاریخ منحیت ارزش دارائی ثابت پنداشته می شود.

ارجحیت قانون

ماده یکصد و یازدهم:

(۱) در صورت مغایرت قراردادها، موافقتنامه ها و سایر اسناد تقنینی با احکام این قانون، قانون مالیات بر عایدات

(۳) هغه منظور شوي تشبثات چې د دې مادې په (۱) فقره کې د کورنۍ او بهرنۍ خصوصي پانگې اچونې په قانون کې له درج شويو مالياتي معافیتونو څخه یې گټه اخستې ده یا د دې مادې په (۱) فقره کې د درج حکم له په پام کې نیولو سره یا د هغوی د مالیاتي معافیت د نېټې د تېرېدو په نسبت د هغو مالیاتي معافیت پای ته رسېږي ، په هغه صورت کې چې ذکر شوي تشبثات تر ۱۳۸۳/۴/۱ نېټې پورې ثبت او راجستر شوي وي ، د هغو د پاتې نه استهلاک شوې شتمنۍ ارزښت په هماغې نېټه د ثابتې شتمنۍ د ارزښت په توگه گڼل کېږي .

د قانون ارجحیت

یو سلو یوولسمه ماده :

(۱) د دې قانون له حکمونو سره د قراردادونو ، موافقه لیکونو او نورو تقنیني سندونو د حکمونو د مغایرت په صورت کې ، پر عایداتو باندې د

مالیاتو قانون مرجح کښل کېږي.

(۲) د افغانستان د اسلامي جمهوري دولت او بهرنیو دولتونو یا نړیوالو مؤسسو ترمنځ عقد شوي قراردادونه او موافقه لیکونه، د دې مادې په (۱) فقره کې له درج شوي حکم څخه مستثنی دي.

مکلفیتونه او باقیداری-

یوسلو دوولسمه ماده:

(۱) له (۱۳۸۱) څخه دمخه کلونو ټولو حقیقي او حکمي اشخاصو باقیداري او نور مالیاتي مکلفیتونه معاف دي.

(۲) د حقیقي او حکمي اشخاصو مالیاتي جرمونه او له ۱۳۸۱ څخه تر ۱۳۸۵ کال پورې د (۱۳۸۵) کال د بیلانس او اظهارلیک په شمول، د مالیاتي بیلانس ځنډول، په هغه صورت کې معاف کښل کېږي چې اصلي باقیداري، په رسمي جریده کې ددې قانون د خپرېدو له نېټې څخه زیات نه زیات

مرجح دانسته می شود.

(۲) قراردادها و موافقتنامه های بین المللی منعقدہ میان دولت جمهوری اسلامی افغانستان و دول خارجی یا مؤسسات ملل متحد از حکم مندرج فقره (۱) این ماده مستثنی است.

مکلفیت ها و باقیداریها

ماده یکصد و دوازدهم:

(۱) باقی داری و سایر مکلفیت های مالیاتی سالهای قبل از (۱۳۸۱) تمام اشخاص حقیقی و حکمی معاف می باشد.

(۲) جرایم مالیاتی و تأخیر ارایه بیلانس مالیاتی سالهای (۱۳۸۱ الی ۱۳۸۵) به شمول بیلانس و اظهارنامه (۱۳۸۵) اشخاص حکمی و حقیقی در صورتی معاف پنداشته می شود که اصل باقی داری را در مدت حد اکثر سه ماه از تاریخ نشر در جریده

د دريو مياشتو په موده کې ورکړي. (۳) هغه باقيدار اشخاص چې خپل مالياتي حسابونه يې، ددې قانون له انفاذ دمخه تصفيه کړي وي، ددې مادې د (۱ او ۲) فقرې د حکم له امتياز څخه مستثني دي.

د انفاذ نېټه

يوسلو ديارلسمه ماده:

(۱) دغه قانون د توشېح له نېټې څخه نافذ او په رسمي جریده کې دې خپور شي.

(۲) دڅلورمې مادې د (۳) فقرې، (۵۹، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۷۲، ۷۴، ۷۵) مادې او ددې قانون داته اتيایمې مادې د (۵ او ۶) فقرې حکمونه د (۱۳۸۸) کال له پيل څخه د تطبيق وړ دي.

(۳) ددې قانون په نافذېدو سره لاندې قوانين د ۱۳۸۸ کال له پيل څخه ملغي گڼل کېږي.

۱ - ۱۳۸۴ کال په (۸۶۷) گڼه رسمي جریده کې خپور شوی پر

رسمی این قانون پردازد.

(۳) اشخاص باقيداريکه حسابات مالياتي شانرا قبل از انفاذ این قانون تصفيه نموده باشند از امتياز حکم فقره های (۱ و ۲) این ماده مستثني اند.

تاريخ انفاذ

ماده یکصدوسيزدهم:

(۱) این قانون از تاريخ توشیح نافذ و درجریده رسمی نشرگردد.

(۲) احکام فقره (۳) ماده چهارم، مواد (۵۹، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۷۲، ۷۴ و ۷۵) و فقره های (۵ و ۶) ماده هشتاد و هشتم این قانون از شروع سال (۱۳۸۸) قابل تطبيق می باشد.

(۳) با انفاذ این قانون، قوانین ذیل از شروع سال (۱۳۸۸) ملغی شمرده می شود.

۱ - قانون مالیات برعایدات منتشره جریده رسمی شماره (۸۶۷) سال

۱۳۸۴ وسایر تعديلات، ضمايم و احكام مغير آن.

۲- قانون ماليه مواد استهلاكي منتشره جريده رسمي شماره (۴۵۳) مؤرخ ۱۳۵۹/۲/۳۱ با ضميمه شماره (۱) آن مبني بر تعديل مواد دهم ويازدهم قانون مذکور منتشره جريده رسمي شماره (۵۱۷) مؤرخ ۱۳۶۱/۷/۱۵.

۳- قانون اخذ صكوك منتشره جريده رسمي شماره (۵۱۴) مؤرخ ۱۳۶۱/۵/۳۱.

عايداتو باندي د مالياتو قانون او نور تعديلو نه، ضميمي او مغير حكمونه.

۲- د ۱۳۵۹/۲/۳۱ نېټې په (۴۵۳) گڼه رسمي جريده كې خپور شوی د استهلاكي موادو د ماليې قانون، د نوموړي قانون د ۱۳۶۱/۷/۱۵ نېټې په (۵۱۷) گڼه رسمي جريده كې خپرې شوې ضميمې د لسمې او يوولسمې مادې د تعديل په اړه د هغه له (۱) گڼې ضميمې سره.

۳- د ۱۳۶۱/۵/۳۱ نېټې په (۵۱۴) گڼه رسمي جريده كې خپور شوی د صكوكو د اخستلو قانون.

اشتراک سالانه

در مرکز و ولایات: (۸۰۰) افغانی
برای مامورین دولت : با ۲۵ فیصد تخفیف
برای متعلمین و محصلین با ارائه تصدیق ، نصف قیمت
خارج از کشور : (۲۰۰) دالر امریکایی



**ISLAMIC REPUBLIC
OF
AFGHANISTAN
MINISTRY OF JUSTICE**

**OFFICIAL
GAZETTE**

Extraordinary Issue

The Income Tax Law

Date: ۱۸th MARCH. ۲۰۰۹

ISSUE NO :(۹۷۶)